

ابعاد اخلاقی حج

در پیام ها و سخنان مقام معظم رهبری

داود حسینی



فهرست

۹ دیاچه
۱۱ پیش‌گفتار

فصل اول: پیش‌نیازهای قبل از سفر

۱۷ درآمد
۱۹ - مقدمات پیش از سفر
۱۹ ۱. تجرید قلب
۲۲ ۲. توبه
۲۴ ۳. توکل
۲۶ ۴. حلالیت‌طلبی
۲۸ ۵. دفع انگیزه‌های مادی
۳۰ ۶. فراگیری احکام حج
۳۱ ۷. توجه به آداب حج

فصل دوم: فرصت‌های معنوی حج

۳۷ درآمد
۳۸ ۱. درک فرصت‌ها

۲. معرفی انقلاب و جمهوری اسلامی ۴۱
۳. شیطان ستیزی ۴۴
۴. آگاهی از شرایط مسلمانان جهان ۴۶
۵. کمک به ستم‌دیدگان ۴۹
۶. مشکل‌گشایی از کار مسلمانان ۵۰

فصل سوم: رویکردهای اخلاق حج

۱. حج، کانون درس‌های بزرگ ۵۵
۲. نقش تربیتی و سازندگی ۵۷
۳. امیدآفرینی ۵۹
۴. حج، فریضه جمعی ۶۳
۵. حج، تجسم توحید ۶۵

فصل چهارم: ابعاد اخلاق فردی در حج

- درآمد ۷۱
- خداشناسی ۷۱
۱. یاد خدا ۷۱
۲. دل‌سپردن به حق ۷۵
۳. تقویت عبودیت ۷۷
۴. هجرت الی الله ۸۰
۵. محبت الهی ۸۱
۶. توجه به دعا و مناجات ۸۵
- خودشناسی ۸۸
۱. خودیابی ۸۸
۲. خودسازی ۹۱
۳. ریاضت انتخابی ۹۴

۴. غفلت زدایی ۹۸
۵. تدبیر و برنامه‌ریزی ۱۰۱
۶. حرکت به سوی حیات معنوی ۱۰۳
۷. ترک تعلقات مادی ۱۰۵
۸. حضور قلب ۱۰۷
۹. امام شناسی ۱۰۹
۱۰. قرآن‌گرایی ۱۱۲

فصل پنجم: اخلاق اجتماع در حج

- درآمد ۱۱۹
۱. حج، دعوت به خوبی‌ها ۱۲۰
۲. حج، ذخیره الهی برای تعالی معنوی امت اسلام ۱۲۱
۳. تعظیم شعائر الهی ۱۲۴
۴. حج، عید مسلمانان ۱۲۷
۵. معنویت‌افزایی در کشور ۱۲۹
۶. شرکت در نماز جماعت ۱۳۱

فصل ششم: آسیب‌های اخلاق در حج

- درآمد ۱۳۷
۱. توجه به مادیات ۱۳۸
۲. بازار گردی ۱۴۱
۳. خوش‌گذرانی ۱۴۳
۴. افراط در خرید سوغات ۱۴۶
- الف) چگونگی خرید سوغات داخلی ۱۴۸
- ب) تناسب نداشتن سوغات با اماکن زیارتی ۱۴۹
۵. غفلت ۱۵۰

- الف) غفلت از روح حج ۱۵۲
- ب) غفلت از مسئولیت معرفی جمهوری اسلامی ۱۵۴
- ج) غفلت از عزت و عظمت امت اسلام ۱۵۵
- د) غفلت از دشمن ۱۵۶
- ه) غفلت از یاری خدا ۱۵۸
- نتیجه ۱۵۹
- کتابنامه ۱۶۳

دیباچه

حج در فرهنگ اسلام، به معنای هجرت از خود به سوی خدا و نشانه رجعت به معبود است. حج، حاضر شدن در سرزمین وحی و تجدید عهد بندگی با پروردگار عالمیان است. این عمل عبادی اجتماعی عرفانی، راز و رمزهایی دارد که در طول تاریخ، انبیا و اولیای الهی همواره اهل معرفت را به این اسرار آشنا کرده‌اند.

اندیشمندان نیز با بهره‌گیری از همان آموزه‌ها، کوشیده‌اند در تبیین این عبادت بزرگ، قدم‌هایی بردارند و جنبه‌های گوناگون آن را برای مسافران کوی دوست روشن سازند؛ از جمله کارهای صورت گرفته در این عرصه، پیام‌ها و سخنان مقام معظم رهبری است. ایشان هر سال در پیامی به کنگره جهانی حج و در دیدارهای عمومی و خصوصی با دست‌اندرکاران حج، به جنبه‌های گوناگون حج اشاره‌هایی دارند.

اثر پیش‌رو با عنوان «ابعاد اخلاقی حج در پیام‌ها و سخنان مقام معظم رهبری»، به همت محقق محترم، حجة الاسلام والمسلمین داود حسینی، به پیش‌نیازهای اخلاقی سفر حج، اخلاق فردی و اجتماعی در حج،

فرصت‌سازی‌های حج برای جهان اسلام و آسیب‌های موجود در عرصه حج از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد. امید است خوانندگان محترم با مطالعه این اثر با جنبه‌های اخلاقی حج بیشتر آشنا شوند.

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

پیش‌گفتار

حج، صحنه فراگیری آموزه‌های ناب مکتب نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ چنان‌که طالبان حقیقت، می‌توانند با تأمل در آموزه‌های حج به شناخت بالایی در شریعت اسلام دست یابند؛ به بیان دیگر حج غیر از اعمال ظاهری، سلسله درس‌های دیگری نیز دارد که فقط با انجام دادن مناسک حج، نمی‌توان به آنها رسید بلکه باید با تفکر در راز و رمزهای این مناسک، به معارف آن دست یافت. در حقیقت، مناسک حج صورت‌هایی از سیرت این آموزه‌ها و درس‌هاست.

حج، زمینه‌ساز فرصت‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عبادی و حتی اقتصادی برای جهان اسلام است. حج، کنگره‌ای اجتماعی است که جوامع گوناگونی را از نژادها، زبان‌ها و ملیت‌ها، در یک سرزمین جمع می‌کند. این اجتماع از نظر کمی و کیفی، بی‌نظیر و بی‌مانند است؛ چراکه انسان‌ها با انگیزه‌های الهی و بدون جبر، از مال، فرزند و مشغله‌های اجتماعی خود چشم می‌پوشند تا به این مرکز توحید برسند و از فضای معنوی آن فیض ببرند.

یکی از ابعاد اساسی حج، بعد عرفانی و اخلاقی آن است. رازهایی که در حج و اعمال آن نهفته است، در زائری که با شناخت، راهی این سفر می‌شود، تحولی عظیم ایجاد می‌کند. به فرموده مقام معظم رهبری: «از اینکه خداوند در طول عمر انسان فقط یک‌بار این عمل را بر بندگان خود واجب کرده است، معلوم می‌شود انسان، بیش از یک‌بار به این سفر و انجام مناسک آن نیاز ندارد و اگر با دقت و تأمل انجام دهد، همین یک‌بار، او را به سر منزل مقصود می‌رساند»^۱.

شرط اساسی ایجاد این تحول عظیم آشنا بودن به اسرار و رموز حج است. امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود:

در ورای هر یک از اعمال و مناسک، به دنبال حقایق آن باش و آنها را جست‌وجو کن! در غیر این صورت، نه احرام بسته و نه لبیک گفته و نه به طواف رفته‌ای.^۲

با وجود نقش سازنده‌ای که حج در جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان دارد، قرن‌هاست که به فریضه‌ای کم‌تأثیر در سرنوشت فردی و اجتماعی مسلمانان تبدیل شده است.

در گذشته مسلمانان بسیاری در مکه جمع می‌شدند، ولی بدون بهره‌برداری مناسب، به کشورهای خود باز می‌گشتند. با انقلاب اسلامی در ایران، مردی از شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام، اسلام را از غربت بیرون آورد و مسلمانان را با فلسفه بسیاری از احکام اسلام آشنا کرد؛ احکامی که یا تعطیل شده بود یا در صورت اجرا بی‌روح و بی‌حقیقت بود. یکی

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۱/۱۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

از احکام اسلام که امام خمینی علیه السلام آن را احیا کرد، «حج» و مناسک آن بود. ایشان با انتخاب امیرالحاج و توصیه‌های مشفقانه به مسئولان و زائران و صدور پیام‌های پرمحتوا از آموزه‌های اسلام برای کنگره جهانی حج، تحول عظیم فردی و اجتماعی در حج ایجاد کرد. ولی استکبار جهانی برگزاری چنین مراسم حجی را تاب نیآورد و مردم ایران را از حج و پیام‌های آن پیرطریقت محروم کرد.

پس از رحلت امام خمینی علیه السلام، زمینه بهره‌گیری از حج، با تدابیر مقام معظم رهبری فراهم شد و شاگرد آن پیر فرزانه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، این سنت حسنه را ادامه داد. ایشان هر ساله با فرا رسیدن ایام حج، ابعاد گوناگون این عبادت جمعی و نقشی که این اجتماع عظیم، در سرنوشت فردی و اجتماعی مسلمانان دارد، تبیین می‌کند و مسلمانان را با وظیفه سنگینشان آشنا می‌سازد.

در این اثر به ابعاد گوناگون اخلاقی حج از دیدگاه ایشان پرداخته می‌شود و با بهره‌گیری از آیات و روایات، این دیدگاه‌های رفیع، تبیین و تحلیل می‌گردد.

فصل اول

پیش نیازهای قبل از سفر

درآمد

یکی از بایسته‌های زندگی بشر، برقراری ارتباط با دیگران بوده است. «سفر» مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، برای برقراری ارتباط است. انسان در سفر اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند؛ مانند اهداف کاری، تفریحی، زیارتی و

در میان سفرها، سفرهای زیارتی، از شیرین‌ترین و خاطره‌انگیزترین سفرهای هر فرد مسلمان است؛ زیرا این سفر از جنبه‌های گوناگون مذهبی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اهمیت دارد. از مهم‌ترین ابعاد این سفر معنوی، بعد اخلاقی و انسان‌سازی آن است که در آیات و روایات به آن تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ آمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مُبْرَأً مِنَ الْكِبْرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ
يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.^۱

کسی که این خانه (کعبه) را به قصد حج یا عمره و بدون تکبر زیارت کند، از گناهش خارج می‌شود، مانند روزی که از مادر زاده شده است. خداوند نیز در قرآن کریم به دنبال دستور حج‌گزاری و بیان بعضی محرمات آن، مسئله توشه‌گیری از این سفر را مطرح می‌کند و بهترین

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

توشه آن را تقوا می‌داند:

﴿الْحُجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره: ۱۹۷)

حج در ماه‌های معینی است و کسانی که [با بستن احرام] در این ماه‌ها حج را بر خود فرض کرده‌اند، [باید بدانند که] در حج، آمیزش جنسی و گناه و جدال، روا نیست و هر کار نیکی انجام دهید، خدا آن را می‌داند و زاد و توشه تهیه کنید و بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است و از [مخالفت] من پرهیزید ای خردمندان!

طبیعی است که متقی شدن و پیراستگی اخلاقی، تنها با تمسک به ظاهر حج امکان‌پذیر نیست. بلکه به سازویرگ‌هایی نیاز دارد و باید با آمادگی، به‌سوی حج حرکت کرد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

آنچه در حج باید مورد توجه قرار گیرد، این است که حج به معنای حقیقی خود نزدیک شود. البته این یک لوازمی نیاز دارد. یکی از لوازمش آمادگی قبلی است. آدمی را بدون آمادگی قبلی ببرند در حج رها کنند، یقیناً استفاده صحیحی نخواهد کرد. بنابراین باید از قبل او را آماده کنند. این وظیفه است. یکی از کارهای سازمان حج و بعثه مربوط به این کار، باید این باشد؛ مردمی را که می‌خواهند مسافر حج بشوند، از پیش در اینها ظرفیت و آمادگی به‌وجود بیاورند.^۱

از بایسته‌های رسیدن به معارف حج، ایجاد آمادگی است. در کنار استطاعت مالی و جسمی، استطاعت اخلاقی نیز از مؤلفه‌هایی است که

۱. در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۵/۹/۱.

باید به آن توجه شود. البته باید در نظر داشت استطاعت اخلاقی و روحی، شرط وجود است؛ یعنی تنها در صورت آمادگی روحی و اخلاقی است که انسان از مزایای بی‌پایان روحی و اجتماعی حج بهره‌مند می‌شود. اما استطاعت‌های دیگر شرط وجوب است؛ برای اثبات این سخن می‌توان به حدیث امام باقر علیه السلام استناد کرد که فرمود:

مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمَ هَذَا الْبَيْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ؛ خُلُقٌ يُحَالِقُ بِهِ مَنْ صَحْبُهُ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

کسی که قصد [زیارت] خانه [کعبه] را می‌کند، مورد توجه و عنایت [حق] قرار نمی‌گیرد؛ مگر اینکه سه ویژگی در او باشد: اخلاق مناسبی که با همراهان به خوبی رفتار کند، حلمی که با آن بتواند خشم خود را مهار کند و پارسایی و ورعی که او را از گناهان ننگه دارد.

براساس این سخن، حاجی باید آمادگی اخلاقی لازم را برای همسفر شدن با دیگران پیدا کند، ظرفیت تحمل دیگران را در خود ایجاد کند و ملکه تقوا و ورع را در خود به وجود آورد تا از همه محرّمات بپرهیزد.

- مقدمات پیش از سفر

۱. تجرید قلب

قلب مؤمن، جایگاه حق است و باید در اختیار حق تعالی باشد؛ «قَلْبُ

الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ».^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. شرح اصول کافی (صدر)، ج ۱، ص ۵۰۶.

زائر کوی دوست، پیش از پرداختن به توشه راه، باید به توشه جان بپردازد؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعة فرمود:

اِذَا اُرِدَّتِ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ حَاجِبٍ كُلِّ حَاجِبٍ.^۱

هرگاه قصد حج کردی، دلت را از هر بازدارنده‌ای برای خدا خالی و از هر مانعی پیراسته کن.

تجرید قلب سه مرحله دارد: مرحله اول، تجرید نفس است که طلب نکردن دنیا و نیز تأسف نخوردن بر آنچه از دست رفته، است. مرحله دوم، تجرید دل است و آن دل نبستن به آنچه نیست و ارزش قائل شدن برای آنچه هست؛ یعنی وجود حق. مرحله سوم نیز تجرید سر است و آن بی‌اعتمادی به اسباب و از خود نشانی نداشتن و فقط به حق باز گشتن است.^۲

خیز یارا خیز تا در نیستی یک دم زنیم آتش اندر خرمن آل بنی آدم زنیم هر چه اسباب است آن را جملگی جمع آوریم پس به حکم نیستی، آن را همه بر هم زنیم نیستی را کعبه‌ای سازیم و خود محرم شویم وز پس تجرید، لبیکی برین عالم زنیم^۳

انگیزه‌های غیرالهی در هر کاری ناپسند است، ولی در کارهایی که ذات و حقیقت آنها برای بندگی خداست، ناپسندتر است. حج باید فقط برای رضای پروردگار باشد؛ زیرا سفری زیارتی است، نه سیاحتی. مقام معظم رهبری درباره تجرید قلب از علایق و انگیزه‌های غیرخدایی می‌فرماید:

۱. مصباح الشریعة، ص ۴۷.

۲. اسرار عرفانی حج، فعالی، ص ۲۷۷؛ به نقل از مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. مجموعه رسائل، فارسی خواجه عبدالله انصاری، ج ۱، ص ۳۵۲.

یک مطلب اساسی و زیربنایی فردی وجود دارد که به حسب طبع کار، مقدم بر همه مسائل و ضروریات دیگر است و آن این است: «عملی که از ما سر می‌زند، ان شاء الله باید همراه باشد با قصد قربت و با طلب مرضات الهی»؛ این پایه کار است. همه کارها این جور است که با قصد خوب و نیت طاهر و قصد خدایی، بهتر انجام می‌گیرد؛ حتی کارهای دنیایی محض. لکن کارهایی که طبع عبادی و جنبه معنوی دارد، تأثیراتی فراتر از تأثیرات قابل محاسبه مادی می‌گذارد که حج هم، یکی از اظهر مصادیق این جور کارهاست و به نیت خالص و قصد الهی بیشتر احتیاج دارد.^۱

در روایات معصومین علیهم‌السلام به شدت انگیزه‌های غیر الهی مردم آخرالزمان برای انجام فریضه حج، نکوهش شده است. امام باقر علیه‌السلام از پدرش، از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نَزْهَةً وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً
وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً.^۲

زمانی می‌رسد که امرا برای تفریح و ثروتمندان برای تجارت و فقرا برای تأمین نیاز خود به حج می‌روند.

البته تجارت ضروری به صحت حج نمی‌زند و در صورتی که حاجی، حج را برای خدا قصد کند و برای انجام فرمان الهی، بار سفر ببندد، در این صورت حاجی کامل خواهد داشت. مقام معظم رهبری درباره تأثیر انگیزه الهی در تبدیل حج بی‌روح و نیمه‌تجاری، به حرکتی عظیم و الهی، به‌کار و نیت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه اشاره کرده و فرموده است:

۱. دیدار با مسؤلان و کارگزاران حج، ۱۳۷۲/۲/۸.

۲. تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، ج ۵، ص ۴۶۳.

مسئله حج که امام راحل عظیم الشان ما، رضوان الله تعالی علیه شروع کردند، نگاه کنید در همه این کارها، آن مرد الهی و معنوی، نیتش خدایی بود. تبدیل حج از یک عمل نیمه تجاری، نیمه سیاحتی و تفریحی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی... با برنامه ریزی‌های سیاسی و دنیایی قابل تحقق نبود. این را خدا کرد و آن هم به خاطر نیت خالص آن مرد بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیت‌ها را خدایی کنیم.^۱

۲. توبه

نخستین منزل از منازل سیر و سلوک، مقام توبه و بازگشت به سوی حق تعالی است؛ چنان‌که در تعریف توبه گفته شده است: «فان التوبة هي الرجوع عن مخالفة حكم الحق الى موافقته»^۲؛ «توبه، رجوع و بازگشت از مخالفت حکم پروردگار به سوی موافقت آن است». بنابراین نخست باید خود را از گناه و آلودگی درونی تخلیه کرد، تا زمینه تخلیه فراهم شود و این امر در سایه توبه محقق می‌شود.

مسافر سرزمین وحی و میهمان پروردگار، پیش از حرکت باید با توبه، خود را از گناهان پاک کند؛ زیرا این طهارت، شرط قبولی اعمال است. امام صادق علیه السلام درباره توبه قبل از سفر می‌فرماید: «ثُمَّ اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ»^۳؛ «سپس با آب توبه خالص گناهانت را بشوی». برای آمادگی روحی و دریافت فیض الهی، پیش از سفر حج باید

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۷۲/۲/۸.

۲. شرح منازل السائرين، ص ۲۱.

۳. مصباح الشریعه، ص ۴۷.

دست به کار شد. اگر آمادگی قبلی ایجاد نشود، ممکن است حاجی در حین مراسم حج، سرگردان و متحیر شود و ظرفیت لازم برای درک فیض نداشته باشد. مقام معظم رهبری درباره ضرورت ایجاد آمادگی می‌فرماید: باید برای حج آماده شد؛ همچنان که روش و رفتار عالمان بزرگ و سلاک و اهل معنا و طریقت برای ماه مبارک رمضان این بوده که از ماه‌ها پیش از ماه رمضان، خودشان را برای ورود در ماه ضیافت الهی آماده می‌کردند. حج هم همین جور است. از قبل از سفر، خود را باید آماده کرد.^۱

ایشان یکی از روش‌های آمادگی پیش از سفر را ترک گناهان بیان می‌کند و می‌فرماید:

از همه کارها هم مهم‌تر، پرهیز از گناه است؛ پرهیز از غیبت، پرهیز از ظلم، پرهیز از نگاه ناپاک، پرهیز از عمل ناپاک. این پرهیزها دل را آماده می‌کند برای ورود در این وفاده الهی، این ضیافت الهی.^۲

عرفا گفته‌اند حج دوگونه است: حج عوام و حج خواص. حج عوام، قصد کوی دوست است و حج خواص، قصد روی دوست. قصد کوی دوست با تن و جسم حاصل شود و قصد روی دوست، افزون بر جسم، با جان پاک محقق می‌شود. برای زائر روی دوست شدن، باید در زمره تائبین قرار گرفت و چونان ابراهیم خلیل از خدا خواست تا توبه ما پذیرفته شود.

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

۲. همان.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دُرِّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا

مَناسِكَنا وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۲۸)

پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از دودمانمان، امتی که تسلیم [فرمان] تو باشند، به وجود آور و شیوه عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تویی توبه‌پذیر مهربان!

مقام معظم رهبری در اهمیت توبه می‌فرماید:

حج، یک فرصت بسیار خوب است. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حساس و تا پایان کار، دائماً یک چیز به یاد حاجی و زائر خانه خدا باید باشد و آن اینکه رضای الهی را کسب کند، از گناهان توبه کند، از آنچه او را از خدا دور می‌کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می‌کند: «إِنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»^۱. یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می‌کند. به انسان فتوح می‌بخشد. زنگارها را از جلوی بصیرت انسان پاک می‌کند و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان راحت‌تر می‌کند.^۲

۳. توکل

از دیگر مقامات عارفان، مقام توکل است. توکل یعنی انسان همه کارهای خود را به مالک حقیقی واگذارد و وکالت را به او وانهد. خواجه عبدالله انصاری برای توکل، مانند دیگر مقامات عرفانی، درجات

۱. مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۳.

۲. در دیدار اعضای برگزارکننده کنگره حج، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

سه‌گانه‌ای قائل است.^۱ درجه نخست، توکل با طلب است؛ یعنی انسان در عین حال که به دنبال روزی است، خدا را روزی‌دهنده حقیقی بداند.^۲ گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند رمز «الکاسب حیب الله» شنو از توکل در سبب، غافل مشو^۳ درجه دوم، توکل با ترک طلب است؛ بدین بیان که شخص متوکل، از تمام علل و اسباب قطع نظر کند و دل به مسبب الاسباب دهد و به تعبیری از ما سوی الله، انقطاع و اعراض حاصل کند.^۴ سومین درجه توکل آن است که سالک به شهود فعل نائل آید؛ یعنی ببیند که مؤثری در جهان هستی غیر از او نیست.^۵

زائر کوی دوست باید قصد خانه‌یار کند، توشه راه آماده‌سازد و با توکل بر حق، پای در وادی نهد. امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه، پس از تجرید و توبه، مسافر بیت‌الله الحرام را به توکل سفارش می‌کند:

وَفَوْضُ أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى خَالِقِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ
حَرَكَاتِكَ وَسُكُونِكَ... وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَرَاحِلَتِكَ وَأَصْحَابِكَ
وَفُؤْتِكَ وَشَبَابِكَ وَمَالِكَ مَخَافَةَ أَنْ تَصِيرَ ذَلِكَ أَعْدَاءً وَوَبَالاً.^۶

و همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار و در سکون و حرکت

۱. اسرار عرفانی حج، ص ۲۷۸ به نقل از شرح منازل السائرین، صص ۷۵ - ۷۷.

۲. همان.

۳. مولوی.

۴. اسرار عرفانی، همان.

۵. همان.

۶. مصباح الشریعه، ص ۴۷.

بر او توکل کن... و بر توشه و مرکب و همراهان و نیرو و جوانی و ثروت اعتماد نکن! مبدا دشمن و وبال تو شوند.

در عین اینکه اسلام سفارش می‌کند مسافر حج تنها سفر نکند، دوستانی مناسب را انتخاب کند، زاد و توشه با خود بردارد و مرکبی برگزیند که توانایی پیمودن راه را داشته باشد، با این حال برای رسیدن به مقصد، باید به مسبب الاسباب توکل کند نه به اسباب که زاد و راحله و همسفران باشند. مقام معظم رهبری در بیان این حقیقت از توکل در حرکت به سوی حج و انجام وظایف، می‌فرماید:

خدای متعال به پیغمبرش می‌گوید: «تصمیمت را بگیر و توکل به خدا کن»^۱ نه اینکه تصمیم نگیری، بخواب و فقط به خدا توکل کن که خدا خودش [کارها را] درست کند! معنایش این نیست. با عزم راسخ در کارهای بزرگ به خدا توکل کنید و پیش بروید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد.^۲

۴. حلالیت‌طلبی

مسافر حج پیش از سفر، باید حق الناسی را که به ذمه دارد، بپردازد و از کسانی که حقوقی بر ذمه او دارند، حلالیت بخواهد. امام صادق ع در روایت مصباح الشریعة می‌فرماید: «وَأَخْرُجُ مِنْ حُقُوقِ تَلَزَمَتْكَ مِنْ جِهَةِ الْمُخْلُوقِينَ»^۳؛ «از حقوقی که از جانب مردم بر تو لازم شده است، خارج شو».

حج سفری الهی است و انسان در این سفر معنوی، قصد تقرب به

۱. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ». (آل عمران: ۱۵۹)

۲. در دیدار با اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت، ۱۳۷۷/۱/۳۱.

۳. مصباح الشریعة، ص ۴۷.

خدا را دارد. از این رو، باید همه شرایط برای تقرب و بهره‌گیری از معنویت این سفر عرفانی فراهم شود. از شرایط این سفر ملکوتی ادای حقوقی است که بر ذمه انسان مسافر آمده است: اعم از حقوق مالی، عرضی و جانی. تأخیر در ادای حقوق دیگران بر کسی که توانایی ادای آن را دارد، جایز نیست؛ به‌ویژه کسی که رهسپار سرزمین وحی باشد. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

مَنْ مَطَّلَ عَلَى ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى آدَاءِ حَقِّهِ فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ حَظِيئَةٌ عَشْرًا.^۱

کسی که در ادای حق صاحب حق، امروز و فردا کند، درحالی که توانایی ادای حق او را دارد، برای هر روز، گناه باج‌گیر برگردن اوست.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری فرمود: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ فِي قَبْلِهِ مَظْلَمَةٌ فِي عِرْضٍ أَوْ مَالٍ فَلْيَتَحَلَّلْهَا مِنْهُ»؛ «کسی که ستمی نسبت به آبرو یا مال دیگری برده‌اش باشد، باید از او حلالیت بخواهد».

مقام معظم رهبری درباره ایجاد شرایط پیش از حج و تأثیر آن در فرد و جامعه می‌فرماید:

هدف از این درس بزرگ (حج)، رستگاری و سرافرازی ابدی انسان و راه آن، تربیت انسان صالح و تشکیل جامعه صالح است؛ انسانی که در دل و در عمل، خدای یگانه را بپرستد و خویشتن را از شرک و آلودگی‌های اخلاقی و هوس‌های انحرافی پاک کند و جامعه‌ای که در ساخت آن، عدالت و آزادگی و ایمان و نشاط و همه

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۲. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۳.

نشانه‌های زندگی و پیشرفت به کار رود.

حجاج بیت الله الحرام، کسانی که به این سعادت عظمی، فائز خواهند شد، باید این ایام را به‌عنوان مقدمه تشریف به آن سعادت عظمی، مغتنم بشمارند.^۱

۵. دفع انگیزه‌های مادی

سالکان طریق عبودیت و بندگی معتقدند عبادت‌ها از نظر اثرگذاری در روح و تکمیل نفس، گوناگون هستند. برخی اثر تطهیر و تخلیه دارد و برخی موجب تزیین و تحلیه جان می‌شود. برخی از فضای روح بشر رفع ظلمت و برخی نور و صفا جلب می‌کند. اثر انفاق و صدقه، تطهیر قلب از پلیدی‌های حب مال است.

روزه گرفتن مایه تقویت اراده و نیروی مقاومت در برابر امیال نفسانی و تحصیل ملکه تقوا و مصونیت از غلبه شهوت است.

نماز، تنویر جان آدمی به نور ذکر و مناجات و رویارویی روح با خداست. امتیاز حج در میان انواع عبادت‌ها این است که جامع الامور است؛ هم خاصیت تطهیر دارد و هم مایه تزیین است. هم ظلمت حب مال را از دل می‌زداید و هم در نتیجه ذکر و انس با خدا، نورانیت می‌آورد.

حساب حج، حساب تکامل و تبدیل ناقص به کامل است و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با همت بلند و انگیزه‌های الهی و دوری از انگیزه‌های کم‌ارزش و زودگذر دنیوی.

حاجی، براساس انگیزه‌اش ثواب می‌برد. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۷/۹/۱۳.

الْحَاجُّ ثَلَاثَةٌ فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيبًا رَجُلٌ عَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَمَا تَأَخَّرَ
 وَوَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَ الْقَبْرِ وَأَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ عَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ
 وَيَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ وَأَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ حَفِظَ فِي أَهْلِهِ
 وَمَالِهِ.^۱

حاجیان، سه گونه‌اند و بیشترین بهره، از آن کسی است که گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده شود و خداوند، از عذاب قبر نگاهش دارد. پس از او، کسی است که گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود و باید برای باقی مانده عمرش، عمل از سر گیرد. پس از او، کسی است که فقط خانواده و مالش حفظ می‌شود.

طبیعی است کسی که با انگیزه‌های غیر الهی مانند ریا، خودنمایی، چشم و هم‌چشمی و برای عنوان حاجی، حج به‌جا می‌آورد، نباید بیشتر از این انتظار داشته باشد که خداوند خانواده و مالش را حفظ کند. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های گوناگون، درباره انگیزه‌های مادی و غیر الهی کسانی که رهسپار سرزمین وحی هستند و در آن سرزمین حضور می‌یابند، هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

حج و فضای آن را از انگیزه‌های دنیایی و مادی - تا آن جایی که ممکن است - تخلیه کنند... حج جایی است که باید هر چه ممکن است، انسان از انگیزه‌های دنیوی و مادی جدا و دور شود...؛ نگاه به حج به صورت یک سفر گردش‌گردی یا خدای نکرده با یک اهداف دیگر. باید مراقبت و جلوگیری کرد.^۲

۱. وسائل الشیعة، حج ۱۱، ص ۱۰۱.

۲. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۵/۹/۱.

۶. فراگیری احکام حج

آموزش پیش از عمل، در هر کاری لازم و ضروری است و در مراسم حج، این آموزش اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا فروع فقهی این عبادت، پیچیده‌تر و بیشتر از دیگر عبادت‌هاست. در نتیجه به آموزش و تعلیم بیشتری نیاز خواهد داشت. زراره می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله! فدایت شوم! چهل سال است که درباره حج از شما می‌پرسم و به من، فتوا می‌دهی! حضرت فرمود: «ای زراره! خانه‌ای که از دو هزار سال پیش از آدم علیه السلام، حج [و زیارت] می‌شده، می‌خواهی مسائل آن، در چهل سال به پایان برسد؟»^۱

حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مؤذنان دستور داد میان مردم منطقه اعلام کنند: پیامبر خدا، آهنگ حج دارد تا حج را به مردم تفهیم کند و مناسکشان را به آنان بیاموزد تا برای همیشه برایشان، سنت باشد؛ در آن سال، هیچ مسلمانی نبود، مگر آنکه در سال دهم [هجری] با پیامبر خدا حج‌گزارد تا پیامبر حج را به او بیاموزد و مناسک حج را به او بشناساند.^۲

یکی از برنامه‌های کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، فراهم آوردن زمینه آموزش برای زائران سرزمین وحی است تا هم مناسک حج را بشناسند و هم با اسرار و آموزه‌های این عبادت بزرگ آشنا شوند و هم آداب و اخلاق سفر را بشناسند. رهبر معظم انقلاب درباره آموزش حجاج و تهیه آثار آموزشی، به مسئولان حج می‌فرماید:

۱. حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۶۱؛ به نقل از: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. همان، ص ۲۶۱؛ به نقل از ارشاد القلوب، ص ۳۲۸.

مردمی را که می‌خواهند مسافر حج شوند، از پیش در اینها ظرفیت و آمادگی به وجود بیاورند. با تهیه کتاب، با برنامه‌ریزی‌های گوناگون، با آموزش و بیان مسائلی که احتیاج دارند؛ چه مسائل فقهی، چه مسائل اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و معنوی و عبادی و عرفانی... . بنابراین یکی از کارها، ایجاد آمادگی در مسافر حج است.^۱

۷. توجه به آداب حج

نیل به پیامدهای حیاتبخش اعمال عبادی به‌ویژه فریضه حج، مشروط به این است که به دقایق و اسرار و آداب این دستور عظیم آسمانی، توجه کامل شود؛ وگرنه صورت عاری از روح حج نتایج عالی انسانی و اجتماعی را نخواهد داد. به یقین، دلیل عمده محرومیت ما مسلمانان از پیامدهای ارزشمند آموزه‌های دینی، بی‌توجهی به روح قوانین الهی و اکتفا به ظاهر آنهاست. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

چه غافلند کسانی که مراسم حج و ایام حج و مناسک حج را به وسیله پرداختن به امور دنیایی کم‌رنگ می‌کنند. حج را باید با توجه، با حضور و با آداب به‌جا آورد. غیر از مناسک حج و اعمالی که تشکیل دهنده صورت حج است، ادبی هم وجود دارد که روح حج است. بعضی این صورت را به‌جا می‌آورند، اما از روح و حقیقت آن غافل می‌مانند.^۲

گفت‌وگوی امام سجاد علیه السلام با شبلی که مناسک ظاهری حج را انجام داده، ولی از روح آنها غافل مانده بود، بهترین شاهد بر سخنان رهبر

۱. در دیدار کارگزاران سازمان حج و زیارت، ۱۳۸۵/۹/۱.

۲. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۳/۹/۳۰.

فرزانه انقلاب است. کسی که لباس احرام می‌پوشد و لبیک می‌گوید، ولی لباس گناه را از روح بیرون نمی‌آورد و قصد پوشیدن لباس پرهیزکاری را ندارد، همچنین در طواف و سعی و وقوف در عرفات و مشعر و رمی جمار و بیتوته در منا و تراشیدن سر و قربانی کردن، از حقیقت و روح این اعمال غافل است و احساس خضوع، توجه، ذکر و تمسک به ذات مقدس پروردگار در او ایجاد نمی‌شود، حج او مانند حج شبلی است که امام سجاد (علیه السلام) به او فرمود:

فَمَا وَصَلْتَ مِنِّي وَلَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ وَلَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ، وَلَا أَدَيْتَ نُسُكَكَ
وَلَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلَا طُفَّتْ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ وَلَا تَقَرَّبْتَ،
إِرْجِعْ فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ.^۱

تو به منا نرفتی و رمی جمرات نکرده‌ای. تو نه سر تراشیده و نه قربانی کرده‌ای، نه در مسجد خیف نماز خوانده و نه طواف بیت انجام داده‌ای و در حقیقت، به مقام قرب خدا نرسیده‌ای. برگرد که تو حج به‌جا نیاورده‌ای!

برخی حجاج که برای زیارت بیت‌الله آماده می‌شوند، همه امور مادی را آماده می‌کنند، مناسک را نیز می‌آموزند، ولی از درک روح حج، غافلند و در حال غفلت و بی‌خبری برمی‌گردند، در صورتی که احساس کمبود نیز نمی‌کنند. مقام معظم رهبری با توجه به ضرورت اهمیت درک آداب حج، درباره آن می‌فرماید:

ادب حج، خضوع و ذکر و توجه است. ادب حج، پناه بردن به ساحت امن الهی است که برای مؤمنین و متمسکین به ذیل توسل به

۱. مستدرک الوسایل، ج ۱۰، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

ذات مقدس پروردگار، فراهم شده است. باید این بهشت را شناخت و وارد آن شد. حج را باید این‌طور فهمید.

ادب حج، مسالمت و مداراست. خشونت با مؤمنین، دعوا کردن با برادران و فسوق و جدال در حج ممنوع است.

ادب حج، برادری و ایجاد محبت و وحدت است. فرصت ایجاد وحدت میان ملت‌های اسلامی و شعوب اسلامی، فقط در حج فراهم می‌شود.^۱

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

فصل دوم

فرصت‌های معنوی حج

درآمد

سرزمین وحی و موسم حج، فرصت‌های بسیاری را برای مسلمانان فراهم می‌سازد؛ مانند فرصت سیاسی. اجتماع مسلمانان از یک‌سو، برای زائران ایرانی و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام فرصتی مناسب است برای معرفی انقلاب اسلامی و رفع اتهامات ناروایی است که به آنان وارد می‌سازند؛ از دیگر سو موقعیتی برای دیگر مسلمانان فراهم می‌آورد که با اهداف متعالی انقلاب اسلامی آشنا شوند و بی‌واسطه و بدون دروغ‌پردازی‌های رسانه‌های بیگانه، با نمایندگان این نهضت عظیم و بنیان‌گذار آن رابطه برقرار کنند. همچنین دشمنان اسلام را بشناسند و فعالیت‌های لازم را برای ختناسازی توطئه‌های آنان انجام دهند.

از دیگر فرصت‌های حج، فراهم آوردن فرصت‌های معنوی و اخلاقی برای بهره‌برداری روحی و تعالی معنوی است؛ به گونه‌ای که هر زائری که به این سرزمین پا می‌گذارد و آن همه نشانه آشکار و گویای خداپرستی، توحید و گذشت و ایثار بندگان مخلص خدا را می‌بیند، به مسلمانی خود افتخار کند و برای عمل به آموزه‌های حیاتبخش اسلام، علاقه‌مندتر شود. زائر باید در چنین فضایی، خود را در زلال بندگی

شست‌وشو دهد و با پروردگار عالم، عهد و پیمان بندد که از مسیر بندگی او خارج نشود، با شیطان درون ستیز کند و در این حرکت دسته‌جمعی همراه با رعایت محرمات احرام، بر شیطان درون و بیرون فاتق آید. چنین فرصتی که در حج فراهم است، در هیچ‌یک از مناسک عبادی و اجتماعی اسلام فراهم نمی‌شود.

در این فصل به برخی فرصت‌های حج اشاره می‌شود که در سخنان و پیام‌های مقام معظم رهبری به آن توجه شده است؛ فرصت‌هایی که جنبه صرفاً سیاسی ندارد و در ابعاد اخلاق فردی و اجتماعی نیز قرار نمی‌گیرد. حج این فرصت را برای مسلمانان حاضر در سرزمین وحی فراهم می‌کند که با چهره حقیقی اسلام و حقایق ناب اسلام محمدی که به حاشیه رانده شده است، بیشتر آشنا شوند. برای زائران ایران نیز این فرصت را ایجاد می‌کند تا تجربه‌های خود را به دیگر مسلمانان منتقل کنند. ما در این نوشتار، از این فرصت‌ها به «فرصت‌های معنوی» حج تعبیر کرده‌ایم که به شرح برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. درک فرصت‌ها

اگر انسان در بزرگ‌ترین و با اهمیت‌ترین و گران‌ترین سرمایه‌ای که بی‌هیچ هزینه‌ای به دست آورده است، قدری تأمل و تفکر کند و اندکی ذهنش را از علایق دنیوی خالی کند و درباره این سرمایه بیندیشد و از دیگرسو، هدف اصلی آفرینش خود را دریابد که باید برای رسیدن به معراج و قرب الهی بکوشد، از فرصت‌های زندگی بهتر بهره می‌برد.

هر فرد در زندگی خود با موقعیت‌های ویژه‌ای روبه‌رو می‌شود که

اگر آن موقعیت را خوب بشناسد و از آن خوب استفاده کند، فرصت را غنیمت شمرده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

ای مردم! بی‌شک در زندگی شما لحظاتی فرا می‌رسد. پس در کمین آن لحظات طلایی باشید و به آنها پشت نکنید که نسیم حیاتبخش رحمانی از آنها می‌وزد.^۱

از فرصت‌هایی که برای برخی از افراد جامعه به وجود می‌آید، فرصت حج و حضور در سرزمین وحی است. این فرصت برای عده کمی از مردم و گاه فقط یک‌بار در کل عمر آنها ایجاد می‌شود. خود حج نیز ویژگی‌هایی دارد که در دیگر عبادت‌ها این ویژگی‌ها به صورت جمعی وجود ندارد. از این رو باید این فرصت به خوبی درک شود. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

نگاه به حج، باید نگاه به یک نعمت و فرصت بزرگ الهی باشد... . این خیلی پدیده عجیبی است که ما به آن عادت کرده‌ایم و اهمیت و عظمت آن را درست متوجه نمی‌شویم. همه مسلمانان جمع شوند، متوجه به یک مرکز، به یک نقطه، خاشع در مقابل این نقطه، با این چشم به حج نگاه کنیم.^۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاَنْتَهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ»^۳؛ «فرصت‌ها مانند ابر بهاری در گذرند، پس بکوشید از فرصت‌های خیر بهره بگیرید».

بهره‌گیری از موقعیت‌های به دست آمده، به دید و شناخت افراد

۱. الکافی، ج ۷، ص ۶۵۰.

۲. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۸۴.

نسبت به آن موقعیت بستگی دارد. اگر آن را فرصت بدانند، می‌کوشند آن را از دست ندهند و به خوبی از آن بهره‌برداری کنند، ولی اگر آن را فرصت ندانند، به راحتی آن را از دست می‌دهند. رهبر معظم انقلاب، برای ایجاد شناخت صحیح درباره حج می‌فرماید:

با این چشم به حج نگاه کنیم؛ به‌عنوان یک فرصت. اگر به چشم فرصت نگاه کردیم، آن وقت دید ما باز خواهد شد، وظایف خودمان را بیشتر توجه خواهیم کرد. شما این فرصت را پیدا می‌کنید که در خانه خدا در کنار بقیه مسلمانان اظهار عبودیت کنید. این اولین نقطه این فرصت است. اگر این به چشم فرصت نگاه شود، آن وقت لازمه‌اش این است که انسان این را به هیچ قیمتی از دست ندهد.^۱

فرصت‌شناسی، در منابع اسلامی جایگاهی ویژه دارد و تا شناخت حاصل نشود، بهره‌گیری از موقعیت، محقق نمی‌شود. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید: «فَأَعْتَمُوا الْفُرْصَ وَكُونُوا أَبْنَاءَ الْوَقْتِ»^۲؛ «فرصت‌ها را غنیمت شمارید و فرزندان زمان خود باشید».

مقام معظم رهبری درباره تأثیر فضای معنوی حج، در تقویت روحیه ایمان می‌فرماید:

حیف است که انسان در مکه مکرمه یا مدینه منوره، در مجاورت مرقد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مراقد ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام و مرقد بزرگان صحابه و شهدای احد و بقیه بزرگان که در تاریخ مثل خورشید می‌درخشند، باشد و به جای توجه و تذکر، به فکر دنیا باشد...؛ در آن قطعه

۱. در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۵۵.

زمانی اکسیری که هر دقیقه‌اش، هر ساعتش آن‌قدر ارزش دارد و آن‌قدر فرصت است. در مکه و مدینه به فکر توشه گرفتن باشیم. به فکر افزودن بر سرمایه ایمان خود، معنویت خود، تذکر خود، خشوع خود در مقابل پروردگار باشیم. این اولین قدم است^۱ [در فرصت‌شناسی و استفاده از فرصت حج].

۲. معرفی انقلاب و جمهوری اسلامی

از دیدگاه رهبری، یکی از پیامدهای با برکت حج، معرفی انقلاب اسلامی است؛ انقلابی که معرفی درست آن، زنده کردن اسلام در اذهان فرسوده و خمود مسلمانان است.

در حج، افراد بسیاری از کشورهای گوناگون، با فرهنگ و آداب و سنن مختلف، شرکت می‌کنند. این افراد، کم و بیش، از رسانه‌های کشورهایشان درباره ایران، تشیع، انقلاب اسلامی و مسائل مرتبط با ایران شنیده‌اند. بدیهی است که این افراد زمان حج را بهترین فرصت برای سنجش شنیده‌هایشان بدانند. بنابراین، زائران ایرانی به‌ویژه نخبگان، روحانیان و کارگزاران حج می‌توانند از این فرصت، بهترین بهره را ببرند.

همان‌گونه که امام خمینی علیه السلام حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌دانست، رهبر معظم انقلاب نیز معرفی انقلاب اسلامی و امام را که معمار و بنیان‌گذار این انقلاب بود، از آثار معنوی حج می‌داند و در این باره می‌فرماید:

آنچه مهم است، این است که ما در حج بایستی به دنیا آن چیزی را

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

منعکس کنیم که لبّ و مغز انقلاب و لبّ و مغز هویت ماست؛ آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.^۱

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای یکی از مسؤولیت‌های مهم کارگزاران حج و مردم مسلمان ایران را معرفی پیام‌های بزرگ انقلاب اسلامی دانسته است. یکی از این پیام‌ها، ایستادگی مردم ایران در برابر استکبار است. ایشان از کارگزاران و حج‌گزاران می‌خواهد با اعمال خود معرف انقلاب باشند و می‌فرماید:

حج بایستی بدنه حج - در درجه اول بدنه کارگزاران حج، در درجه بعد بدنه عمومی حج، یعنی آحاد مردم - همه با رفتار، با گفتار و با عمل خودشان نشان بدهند که زُبرُالحدیدِی در اینجا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد. این، امید می‌بخشد. این بزرگ‌ترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه نوشته‌ها، در همه گفته‌ها، در نشریه زائر در همه چیز منعکس شود. بر این باید اصرار باشد.^۲

امروزه انقلاب اسلامی، عامل عزت مسلمانان است و آنها تشنه آشنایی

بیشتر با انقلاب اسلامی هستند؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

امروز شما به دنیای اسلام عزت داده‌اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است. لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می‌خواهند دنبال این الگو حرکت کنند... در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.^۳

۱. در دیدار کارگزاران حج ۱۳۷۹/۱/۱۰.

۲. همان.

۳. در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، استفاده از فرصت حج را به منظور تبیین ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی، تکلیف کارگزاران حج می‌داند و به آنان سفارش می‌کند در ارتباط با دیگر مسلمانان، اهداف بلند انقلاب اسلامی را تبیین کنند و دل‌های مسلمانان را که در سراسر جهان برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی می‌تپد، شاد سازند:

شما که کارگزاران حج‌اید، شما که دلتان لبالب از اعتقاد و ایمان به نظام جمهوری اسلامی است، در حج در کنار این برادر مسلمانی که در معرض تبلیغات قرار گرفته است، تکلیف اولتان، تبیین معارف اسلامی و معارف نظام اسلامی [است]. جمهوری اسلامی، جمهوری «اسلامی» است. ما اکثریت مردم ایران شیعه هستیم، اما نظام ما نظامی است که شامل شیعه و سنی می‌شود. دلیلش هم این است که هم در انقلاب، هم بعد از پیروزی انقلاب، هم در جنگ تحمیلی، هم برادران سنی ما در داخل، هم یک کثرت عظیمی از مسلمانان عالم که سنی هستند، از ما حمایت کردند، از ما دفاع کردند.^۱

رهبر معظم انقلاب، حقیقت انقلاب اسلامی و افشای دروغ‌ها و تهمت‌هایی که به جمهوری اسلامی زده می‌شود را از آثار با برکتی می‌داند که برای جمهوری اسلامی و کارگزاران حج فراهم می‌شود. ایشان در این باره می‌فرماید:

در کشورهای اسلامی، چه در آفریقا، چه در آسیا، در همه مناطق دنیا، حتی در قلب آن کشور که بیشترین دشمنی را با ما کرده است - یعنی ایالات متحده آمریکا - مسلمانانی هستند که شیعه نیستند،

۱. در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

اما دلشان لبریز از محبت جمهوری اسلامی و محبت امام و محبت این ملت بزرگ با عزم و اراده است؛ چون جمهوری، جمهوری اسلامی بود. اینها این را تحریف می‌کنند، تبدیل می‌کنند و می‌خواهند به دروغ مارک دشمنی با فرق اسلامی را به سینه جمهوری اسلامی بزنند. بروید اینها را تبیین کنید.^۱

۳. شیطان ستیزی

میدان جهاد با شیطان و ابزار اغوای او، یعنی هوای نفس، بسیار گسترده است و غنیمت یا غرامتی که در این جنگ نصیب یا دامنگیر انسان می‌شود، بسیار مهم است.

هر جنگی در جهان طبیعت رخ دهد، هم غنیمت‌هایش محدود است و هم غرامت‌هایش؛ ولی غنیمت‌های جهاد با شیطان و نفس اماره، نامحدود و غرامت‌هایش نیز جبران‌ناپذیر است؛ زیرا انسان در نبرد با شیطان، یا شرف و شرع را حفظ می‌کند یا آنها را از دست می‌دهد. از این رو، جنگ با هوای نفس، جنگ اکبر است و برای انسان ضعیف، جنگ با دشمن درون، گرچه ضعیف باشد، دشوار است. انسان عاقل که به وحی تکیه کرده و به رکن وثیق عنایت الهی وابسته شده است، شکست نمی‌خورد، بلکه بر شیطان فائق می‌آید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمُجَاهَدَةِ وَاغْلِبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ»^۲؛ «با جهاد با نفس با شیطان مصاف کنید و با مخالفت با خواسته‌های آن بر او غالب شوید». به فرموده حضرت علی علیه السلام، آسان‌ترین و ساده‌ترین راه شکست

۱. در دیدار مسؤلان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

۲. شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۱۷.

شیطان، جهاد با نفس و مخالفت با خواسته‌های اوست. در این صورت است که کید شیطان مؤثر نخواهد بود: ﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾^۱. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

بعضی عبادات، ذات و جوهره آن به گونه‌ای تنظیم شده است که همه وجود آن، جهاد با شیطان و هوای نفس است. یکی از این عبادات حج است. این عبادت در جوهر و ذات خود، دارای دو عنصر اصلی تقرب به خدا در اندیشه و عمل و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان [است]. همه اعمال و تروک حج، برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است و این حقیقت، خلاصه‌ای از اسلام و همه دعوت‌های الهی نیز هست.^۲

رهبر معظم انقلاب، نبرد با شیطان را با حرکت دسته جمعی و رعایت محرمات حج میسر می‌شمارد و می‌فرماید:

اجتناب از شیطان و طاغوت، دل‌کندن از شهوات و هوس‌های خوارکننده و کمک گرفتن از نیروی صبر و اراده خود و نیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانا در حرکت دسته‌جمعی و همراهی و همدلی و هم‌گامی و هم‌زبانی همگان در طواف و سعی و وقوف در عرفات و مشعر و منا و هدف گرفتن دسته‌جمعی جمرات شیطان و رمی از همه‌جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن حاصل می‌شود.^۳

ولی امر مسلمین، دوری از شیطان و شکست اهداف فریبنده او را از

۱. نساء: ۷۶.

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۴/۴/۱۴.

۳. همان.

پیامدهای اساسی حج می‌داند و به حج‌گزاران سفارش می‌کند که با این توشه، به شهر و دیار خود باز گردند:

من به همه برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گرد آمده‌اند، متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبیر کنند و آن دو نکته اصلی را، یعنی دل سپردن به خدا از یک سو و اجتناب و برحذر بودن از شیطان‌ها [را] برای خود تأمین کنند و با روحی مجهز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده... به دیار خود باز گردند.^۱

۴. آگاهی از شرایط مسلمانان جهان

حج، مظهر انرژی متراکم جهان اسلام است که می‌تواند با اجتماع عظیم مسلمانان در مکه و مدینه، بزرگ‌ترین مشکلات را از سر راه مسلمانان بردارد. اجتماع مسلمانان در سرزمین وحی، آنها را با مشکلات و نیازهای یکدیگر آشنا می‌کند و راه‌حلهایی که در این اجتماع اسلامی، برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌شود، در هیچ اجتماعی به دست نخواهد آمد.

ایام حج فرصتی مناسب است که مسلمانان راه‌های پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی خود را بشناسند و درصدد رفع عقب‌ماندگی‌های خود برآیند. تاریخ حج، گویای آن است که در صدر اسلام و در سده‌های میانی، مکه بهترین جایگاه برای تبادل اندیشه و نظر درباره آموزه‌های اسلام بوده و بسیاری از مناظره‌ها و پژوهش‌های علمی و فرهنگی در مکه صورت گرفته است.

توجه به مشکلات جهان اسلام و مسلمانان در حج، از مهم‌ترین

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۴/۲/۱۴.

دغدغه‌های رهبر معظم است. ایشان در یکی از سخنان خود فرموده است: کشورهای اسلامی در یک قرن اخیر، ضایعات جبران‌ناپذیری را تحمل کرده‌اند. موج استعمار و کشورگشایی غریبان، بیشترین آسیب را به ملت‌های مسلمان زد که ثروت‌ها و منابع مادی‌شان، آنان را آماج تهاجم‌های همه‌جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست‌اندازی‌ها برای مسلمانان...، عقب‌افتادگی علمی و مادی بود.^۱

ایشان به دردهای مزمنی که از هر سو به جهان اسلام هجوم آورده، اشاره کرده و فرموده است:

امروز جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است. شاید مهم‌ترین آنها این دردهای ده‌گانه است: منازعات سیاسی و مذهبی، سست شدن رشته‌های اخلاق و ایمان، عقب‌ماندگی علمی و صنعتی، وابستگی سیاسی و اقتصادی، اسراف و اشرافی‌گری و غرور در کنار فقر و گرسنگی و ذلت، ضعیف شدن اعتماد به نفس و امید به آینده در سران، منزوی کردن دین و گسستن آن از سیاست و زندگی، بی‌ابتکاری در آفرینش مفاهیم نو که قرآن منبع بی‌زوال آن است، تسلیم در برابر تهاجم فرهنگ تحمیلی غرب و بالأخره پایمال شدن عزت ملت‌های مسلمان با ذلت‌پذیری و طمع‌کاری برخی سران سیاسی.^۲

رهبری، راه برون‌رفت از این اوضاع نابسامان را درس‌گرفتن و الگوپذیری از حج و حرکت مسلمانان به سمت هدف‌های قرآنی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۱/۱۱/۱۸.

۲. همان، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳.

امت اسلامی در چنین اوضاع حساس و خطیری، بیش از همیشه به درس‌گیری از الگوی حج نیاز دارد؛ حرکت و نهضتی هدفمند و آگاهانه و متنوع و همگانی، در سمت هدف‌های قرآنی و بر صراط مستقیم اسلام.^۱

رهبر معظم انقلاب برای درمان معضلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، راهکاری مهم پیشنهاد می‌کند و آن، بهره‌برداری از فرصت حج است:

اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه التقا و مرکز اجتماع، همه ساله به درستی بهره ببرند، بخش مهمی از این حصار نومیستی و تلقین ضعف که برگرد ملت‌ها کشیده شده است، ویران خواهد شد.^۲

از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، نقش حج در رفع مشکلات مسلمانان این‌گونه خواهد بود:

موسم حج، می‌تواند عظمت و تنوع اقتدار معنوی و انسانی دنیای اسلام را هر سال، به‌طور محسوس، در برابر چشم مردمی از همه کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و شناسایی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد. در حج، همه ملت‌ها می‌توانند خبرهای حقیقی از حال برادران را به‌دست آورند و حجاب تبلیغات خصمانه دشمنان جهان اسلامی را در نوردند و با بهره‌گیری از فضای معنوی بیت‌الله الحرام، خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راه بازگشت به حاکمیت اسلام و کسب عزت و استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشورهای خود آماده سازند.^۳

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۸/۱۲/۲۳.

۲. همان.

۳. همان.

۵. کمک‌به ستم‌دیدگان

سیره پیشوایان دینی، دفاع از ستم‌دیدگان و بی‌پناهان است. آنان از پیروان خود می‌خواستند یاور ستم‌دیدگان و دشمن ستمکاران باشند. از مهم‌ترین وظایف انسان‌ها، جلوگیری از ستم است. بسیاری از ستم‌دیدگان، توانایی گرفتن حق مشروع خود را ندارند. ولی با کمک و همیاری دیگران می‌توانند به این مهم دست یابند. کسانی که قدرت دارند، نباید در این کار کوتاهی کنند.

اگر کسی بتواند در راه احقاق حق ستم‌دیدگان گام بردارد، ولی کوتاهی کند، در پیشگاه خدا و وجدانش پاسخی نخواهد داشت. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً»؛ «همواره دشمن ستمگر و یاور ستم دیده باشید».

معمار کبیر انقلاب، امام خمینی علیه السلام، از آغاز انقلاب اسلامی به این تفکر ناب علوی، به عنوان یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران توجه کرد و خلف صالحش، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، آن را ادامه داد. تا آنجا که ستم‌دیدگان جهان را به اصول خدشه‌ناپذیر نظام آشنا و همه را به این امر مهم دعوت کرد. ایشان حج را بهترین جایگاه برای این کار می‌داند و می‌فرماید:

آنان که به صدق فرموده پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱، عقیده دارند، آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حج بیت‌الله و زمانی مناسب‌تر از ایام معلومات سراغ دارند؟ ...

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

آری، حج، فریضه‌ای است که مهم‌ترین گرفتاری‌های سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حل است.^۱

رهبر معظم انقلاب، از دست‌دادن زمان حج را برای کمک به ستم‌دیدگان و آگاه کردن مسلمانان خسارت می‌داند و می‌فرماید:

امروز هر کس وضع دشوار ملت‌های مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیست‌ها و توطئه‌های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هر کس وضع تیره ملت فلسطین را ببیند...، هر کس از وضع جنوب لبنان و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد...، هر کس از افغانستان و کشمیر مطلع باشد، آری هر کس که این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه مستحکم الهی، برای اسلام و مسلمین خسارتی بی‌جبران و گناهی بی‌غفران است.^۲

۶. مشکل‌گشایی از کار مسلمانان

امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیثی نغز و حکیمانه می‌فرماید:

همانا خدا را بندگانی است که به آنان نعمت‌های ویژه‌ای می‌دهد تا به سود مردمان به کار گیرند. پس تا هنگامی که از آن بیخشدند، نعمت‌ها را در دست آنان باقی می‌گذارد و چون از بخشش باز ایستند، نعمت‌ها را از ایشان بستاند و دیگران را بدان مخصوص کند.^۳

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۳/۲/۲۵.

۲. پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم حج، ۱۳۷۵/۲/۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۵.

گشودن گره از کار گرفتاران، از برترین لذت‌های معنوی است. نشان دادن نشاط و شادی در دل انسان‌ها و زدودن رنج و مشقت از چهره دردمندان، بسیار سرورآفرین است. عارفان بر این باورند که راه انس با خدا، احسان به خلق است. اگر کسی بخواهد حال بندگی داشته باشد و از یاد و ذکر پروردگار لذت ببرد، باید برای رضای خدا، در خدمت خلق باشد.

رهبر انقلاب بر توجه به این آموزه‌های ناب تأکید می‌کند و در موقعیت‌های گوناگون، به کسانی که توفیق حضور در سرزمین وحی و در کنگره جهانی حج را پیدا می‌کنند، سفارش می‌کند که به مسائل و مشکلات مسلمانان بیشتر توجه کنند و برای رفع این مشکلات، همفکری و هم‌اندیشی داشته باشند و از آگاه کردن آنان کوتاهی نکنند که این امر از بهترین آثار اجتماعی حج است:

موضوع مهم [ی] که حجاج بیت‌الله به‌عنوان بخشی از هدف حج باید به آن بپردازند، مسائل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر [حج] کنگره عظیم سالیانه مسلمانان سراسر جهان است، بی‌گمان فوری‌ترین دستور این کنگره، مسائل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسائل، در تبلیغات استکباری به‌گونه‌ای مطرح می‌شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود و نه اگر در آن حادثه، سوء نیت و سوء عمل استکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشا گردد. حج جایی است که باید این خیانت تبلیغاتی، افشا و حقیقت آشکار شود و زمینه آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید.^۱

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۳/۲۶.

فصل سوم

رویکردهای اخلاقی حج

۱. حج، کانون درس‌های بزرگ

از توصیه‌های قرآن، سیر در زمین و درس گرفتن از سرگذشت امت‌ها و حوادث و وقایع طبیعی و تاریخی است. خداوند در چندین آیه از قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ»^۱؛ «بگو: روی زمین سیر کنید».

در برخی آیات نیز با استفهام انکاری از مردم می‌پرسد که چرا در زمین سیر نمی‌کنید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»^۲؛ «آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند، چگونه بود؟»

یکی از سفرهایی که خداوند برای آن دعوت‌نامه ویژه فرستاده، سفر به حج و سرزمین وحی است. مکه سرزمینی است که نه تنها اسرار تاریخ و سرنوشت انسان در آن رقم خورده، بلکه تاریخ و سرنوشت زمین را نیز در دل خود نهفته دارد.^۳ همچنین، خانه‌ای در آن بنا شده است که پیامبران بسیاری برای زیارت آن و انجام حج به سوی این سرزمین سفر کرده‌اند و در آن درس‌های بزرگی فراگرفته‌اند.

۱. انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲.

۲. غافر: ۲۱ و ۸۲؛ محمد: ۱۰؛ فاطر: ۴۴؛ روم: ۹.

۳. به بیرون آمدن جای کعبه از زیر آب در روز دحوالارض اشاره دارد.

پیش از هر کس این فرشتگان بودند که با عظمت و اسرار سرزمین مکه و حج آشنا شدند و از همان ابتدا به عشق آن دل سپردند و نخستین خیل حاجیان حرم را تشکیل دادند: «وَكَانَ أَوَّلَ مَا حَجَّتْ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ»^۱.
 آدم ابوالبشر ده‌ها بار حج خانه خدا به‌جا آورد^۲ و برای تشریف به این سرزمین پا را برهنه کرد تا به گنج‌های پنهان و درس‌های بی‌پایان و اسرار و رموز وصف‌ناپذیر این سرزمین دست یابد.

اگر جبرئیل، مناسک این سرزمین و نحوه پا نهادن و راه رفتن و پاس داشتن حرمت آن را به آدم نمی‌آموخت^۳، او نیز توان بهره گرفتن از این سرزمین و مناسک حج را نداشت.

ابلیس نیز پس از ماجرای «گندم»، «بهشت» و «هبوط»، این بار در مسیر حج بر آدم آشکار شد. آیا این خود شباهت موقعیت بهشت و موقعیت سرزمین مکه را نمی‌رساند؟! محرومیت از برکات و درس‌های حج به همان اندازه برای ابلیس اهمیت دارد که خروج آدم از بهشت برای او مقصد و هدف بود.

اگر در گذشته فقط پیامبران خدا در پی اسرار و درس‌های بزرگ حج بودند، امروزه به برکت اسلام، اهمیت حج روشن شده و همه ساله میلیون‌ها انسان موحد، به طلب اسرار حج، سر بر این آستان می‌سایند. از این رو، رهبر معظم انقلاب، ثمره حج را توحید و اتحاد اهل قبله و پیروزی بر مستکبران می‌داند و می‌فرماید:

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲. حج و عمره در قرآن و حدیث، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۳. همان، ص ۲۲۰.

حج بازخوانی و فراگیری این درس‌های بزرگ است. برائت از مشرکان و بیزاری از بت‌ها و بت‌گران، روح حاکم بر حج مؤمنان است. جای‌جای حج، نمایشگر دل‌سپردن به خدا و سعی و تلاش در راه او، برائت از شیطان و رمی و طرد او و جبهه‌گیری در برابر اوست و جای‌جای حج، مظهر اتحاد و انسجام اهل قبله و رنگ‌باختن تفاوت‌های طبیعی و اعتباری و برجسته شدن وحدت و برادری حقیقی و ایمانی آنهاست.^۱

اینجا کانون توحید حقیقی و خالص است. در اینجا است که ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام با آوردن پاره تن خود به قربانگاه، مظهري از توحید را که غلبه بر نفس خود و تسلیم محض در برابر امر الهی است، برای همه موحدان تاریخ به یادگار گذاشت و در اینجا است که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر مستکبران زمان و خداوندان زر و زور، پرچم توحید را برافراشت و بیزاری از طاغوت را کنار ایمان به خدا، شرط نجات و رستگاری شمرد^۲: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ». (بقره: ۲۵۶)

۲. نقش تربیتی و سازندگی

یکی از روش‌های تربیتی شرایع الهی، به‌ویژه شریعت مقدس اسلام، روش فریضه‌سازی است. فریضه، یعنی حکمی که انجام دادن آن واجب است و به هیچ‌وجه نباید از آن سرپیچی کرد. فریضه‌سازی در تربیت، تضمین‌کننده مداومت و محافظت است؛

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۶/۹/۲۴.

۲. همان.

زیرا فریضه امری واجب است و انجام دادن آن، به شرایطی وابسته است. این دو جنبه، یعنی «الزامی بودن» حکم و «رعایت شرایط» معین، مداومت و محافظت را ممکن می‌سازد.

یکی از فرایضی که در تربیت فردی و اجتماعی نقشی ویژه دارد، حج است. این فریضه، چنان در اصلاح و هدایت یک مسلمان مؤثر است که ترک کننده آن، در حکم کافر، یهودی و نصرانی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصیت‌هایی به امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ. يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.^۱

یا علی! ترک کننده حج با وجود استطاعت، کافر است. یا علی! هر کس حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، خدا در روز قیامت، او را یهودی یا نصرانی برمی‌انگیزد (با یهود و نصاری محشور می‌گرداند).

رهبر معظم انقلاب با آگاهی دقیق از مبانی و روش‌های تربیتی اسلام، به روش فریضه‌سازی اشاره کرده است. ایشان حج را فریضه‌ای معرفی می‌کند که هم در تربیت فردی و هم در تربیت اجتماعی نقش دارد و حجاج را به بهره‌برداری از این فریضه الهی سفارش می‌کند. ایشان در یکی از پیام‌های خود به حجاج بیت‌الله الحرام می‌فرماید:

در فریضه حج، عناصر اصلی برای تربیت فردی و اجتماعی گنجانیده شده است. از لحظه احرام و بیرون آمدن از تشخصات فردی و ترک بسیاری از لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی، با طواف برگردن نماد توحید و نماز در جایگاه ابراهیم بت‌شکن و فداکار و از حرکت شتابان میان

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۲۶۴.

دو کوه، تا آرام گرفتن در عرصه عرفات در میان خیل عظیم موحدان از هر رنگ و نژاد و تا گذراندن شبی با ذکر و نیاز در مشعرالحرام و انس جداگانه هر دل با خدا در عین حضور در میان آن جمع متراکم و سپس حضور در منا و سنگباران نمادهای شیطانی و آن گاه تجسم پرمعنای قربانی کردن و اطعام مستمندان و رهگذران، همه و همه آموزش و تمرین یادآوری است.^۱

رهبر انقلاب، پس از اشاره به جنبه فریضه بودن هر یک از اجزای مناسک حج، به پیامدهای تربیت فردی و اجتماعی این مناسک اشاره می‌کند و می‌فرماید:

در این مجموعه کامل، از سویی اخلاص و صفا و دل بریدن از سرگرمی‌های مادی و از سویی سعی و تلاش و پایداری، از سویی انس و خلوت با خدا و از سویی وحدت و یکدلی و همرنگی با خلق، از سویی پرداختن به آراستگی دل و جان و از سویی دل سپردن به انسجام پیکره عظیم امت مسلمان، از سویی خشوع در پیشگاه حق و از سویی صلابت در برابر باطل و خلاصه از سویی پرکشیدن در هوای آخرت و از سویی عزم راسخ برای آراستن دنیا، در هم تنیده و یک پارچه آموزش داده و تمرین می‌شود.^۲

۳. امیدآفرینی

امید، حالتی روحی - روانی و برانگیزاننده انسان به تلاش و فعالیت است. در کارهای اختیاری، خوف و رجا به منزله نیروی اجرایی و عامل مستقیم در ادای وظایف، تکالیف و کارها برای رسیدن به اهداف است.

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۷/۹/۱۳.

۲. همان.

اگر امید، از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل شود، اساس همه تلاش‌های مفید انسانی، منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی خواهد بود؛ همان‌گونه که ناامیدی و قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت، منشأ فسادها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است.

امید انسان به آینده‌ای روشن، احساسی نیکو و پرنشاط در وی ایجاد می‌کند، به او انگیزه کار و کوشش می‌دهد و او را به تلاش برای زندگی تشویق می‌کند. خداوند در قرآن کریم، امید را عامل عمل صالح معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: ۱۱۰)

پس هر کس به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. تنها راه رسیدن به رضایت خداوند و بهره‌مندی از پاداش‌های الهی، انجام دادن کارهای شایسته و پرستش خالصانه اوست. تا وقتی عمل انسان از اخلاص و انگیزه الهی بی‌بهره باشد، آن عمل رنگ عمل صالح و خدایی به خود نمی‌گیرد. کسی که عمل شایسته ندارد، نباید به رحمت و آمرزش خدا امید داشته باشد.

فعالیت‌های معنوی و مذهبی در ایجاد امید در افراد، نقش مهمی دارد. افراد مذهبی امید بیشتری به آینده خود دارند و آن را روشن می‌بینند. یکی از امور معنوی و مذهبی امیدآفرین و نشاط‌بخش، حج و زیارت اولیای خداست. این فریضه الهی، انگیزه عمل صالح را در افراد تقویت

می‌کند. افرادی که به حج و عمره مشرف می‌شوند، هربار که به مسجدالحرام می‌روند، می‌کوشند خانه خدا را طواف کنند یا در موقعیت‌هایی که به دست می‌آید، عمره به جا آورند؛ با اینکه یک عمره چندین ساعت، عمره گزار را مشغول سعی، طواف و نماز می‌کند. همچنین، اندیشیدن درباره حوادثی که در این سرزمین بر پیامبر ﷺ و مسلمانان رفت، امید به آینده‌ای روشن و پیروزی بر سختی‌ها را در دل آنان زنده می‌کند.

رهبر معظم انقلاب به این ویژگی حج و سرزمین وحی دقت و توجه ویژه دارد و در پیام‌های خود به حج‌گزاران، این موضوع را بارها یادآور شده و یاد خدا را موتور محرک امید در این سفر معنوی دانسته و فرموده است:

روزهای حج، روزهای امید و نوید است. از سویی شکوه همبستگی میان مسافران خانه توحید، در دل‌ها امید می‌آفریند و از سویی طراوت یافتن جان‌ها به برکت ذکر الهی، گشایش درهای رحمت را نوید می‌دهد.^۱

رهبر انقلاب، فلسفه ذکر پروردگار را پس از انجام دادن مناسک حج، جنبه امیدآفرینی آن می‌داند و اینکه خداوند در آیه ۱۹۸ سوره بقره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَسْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ﴾ دلیل بر امیدآفرین بودن حج می‌داند و می‌فرماید:

حاجیان پس از آنکه مناسک پر رمز و راز حج که خود لبالب از ذکر و خشوع است، به جای آوردند، بار دیگر به ذکر خدا فرا خوانده می‌شوند. این تأکید از آن روست که یاد خدا دل‌های افسرده را فروغ

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

می‌بخشد و نور ایمان و امید در آن می‌دهد و دل آن‌گاه که امیدوار و مؤمن است، آدمی را بر درست پیمودن گردنه‌های لغزنده و پرچالش زندگی و رسیدن به قله‌های کمال مادی و معنوی قادر می‌سازد.^۱

رهبر معظم انقلاب معتقد است شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج و حوادث سرزمین وحی، زیباترین امیدها را در دل زائران و حج‌گزاران می‌آفریند و آنان را به صراط مستقیم امیدوار می‌کند:

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنای تأمل در پایه‌گذاری این خانه است که در عین حال، هم خانه خداست و هم خانه مردم: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۲ هم‌جایی است که انسان نیازمند، بدان روی می‌کند و هم نقطه‌ای است که عظمت آیین الهی در آن جلوه‌گر می‌شود... و جایگاهی برای تحقق وحدت کلمه و هم نشاندار جای پای مجاهدان صدر اسلام که غریبانه در آن مبارزه کردند و مظلومانه از آن هجرت نمودند و فاتحانه و مقتدرانه بدان بازگشتند و آن را از نشانه‌های جاهلیت عرب پیراستند؛ هم مطلع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام؛ هم پناهگاه دل‌های رمیده و هم امیدبخش جان‌های به ستوه آمده!^۳

حضور در سرزمین وحی و مطالعه تاریخ اسلام و مسلمانان و آنچه در این سرزمین بر مسلمانان گذشت، بالاترین امید را در مسلمانان زنده می‌کند. تأمل در اینکه اسلام چگونه در سرزمین مکه ظهور کرد و پیامبر

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

۲. آل عمران: ۹۶.

۳. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

و مسلمانان در راه گسترش اسلام، چه آزارهایی را متحمل شدند و چگونه غریبانه از وطن خود آواره و بی‌پناه وارد مدینه شدند و با استقامت و پایداری و عمل به فرامین قرآن و پیامبر ﷺ چه پایگاه توحیدی عظیمی را پایه‌گذاری کردند و چه سرفرازانه به مکه بازگشتند و آن را فتح کردند، مسلمانان را به پیروزی‌های بزرگ‌تر امیدوار می‌کند.

۴. حج، فریضه جمعی

حج از عبادت‌هایی است که افزون بر جهانی بودن، جمعی است؛ یعنی همان‌گونه که مسلمانان از سراسر جهان به مرکز توحید و یکتاپرستی دعوت شده‌اند، بر انجام دسته‌جمعی فریضه حج نیز مأمور شده‌اند.

همه خطاب‌های قرآنی درباره حج، خطاب‌های جمعی است و هیچ‌گونه خطاب فردی درباره حج در قرآن وجود ندارد؛ برای مثال، مرکز توجه، کعبه است که برای «ناس» بنا شده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا^۱ یا در آیه‌ای دیگر مسجدالحرام که در حریم کعبه بنا نهاده شده و محل نماز و نیایش و طواف است، برای همه مردم قرار داده شده است. «وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ^۲». همچنین اعلام حج، اعلام همگانی و جهانی است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ^۳».

حال که قبله‌گاه، عبادتگاه و دعوت‌نامه برای همه است، مردم نیز باید به حج به دید عبادت و فریضه‌ای جمعی بنگرند، نه فردی. هنگامی که خداوند مکان بیت را برای ابراهیم خلیل عليه السلام معین می‌کند، دستور می‌دهد

۱. آل عمران: ۹۶.

۲. حج: ۲۵.

۳. حج: ۲۷.

آن را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان آماده سازد: ﴿وَطَهَّرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ﴾^۱ همچنین عهد و پیمانی که با ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام می‌بندد، درباره پاکسازی کعبه برای طواف‌کنندگان و اعتکاف کنندگان است: ﴿وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ﴾. از این رو رهبر معظم انقلاب به این ویژگی و روح حج اشاره کرده و فرموده است:

حضور مسلمان‌ها در حج باید یک حضور معنادار باشد؛ والا اگر فقط جنبه معنوی و ذکر خدا منظور بود، انسان می‌توانست در خانه خودش بنشیند و ذکر خدا کند! دیگر ﴿يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۲ لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر ایام معلومات لازم نبود. می‌گفتند هر کس هر وقت از سال توانست، به مکه برود، مگر نمی‌شد؟ اینکه گفتند یک‌جا جمع شوید، برای همین مسائل است. برای این است که ذکر خدا هم دسته‌جمعی گفته شود. اعتصام به حبل پروردگار هم دسته‌جمعی صورت گیرد. [خداوند] می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾^۳ و نه فرادا.^۴

رهبر انقلاب، با سرزنش کسانی که می‌کوشند حج را عبادتی فردی

جلوه دهند، می‌فرماید:

در گذشته و امروز نیز کوشش‌هایی شده است و می‌شود تا حج را فریضه‌ای فردی که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند... حج با برجستگی‌هایی که در

۱. حج: ۲۶.

۲. حج: ۲۷.

۳. آل عمران: ۱۰۳.

۴. در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۷۳/۱/۳۱.

هیچ فریضه دیگر اسلامی، مجموعه آن را نمی‌توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ‌نظرانه آنان و نگاه بی‌فروغ و خطابین اینان است.^۱

۵. حج، تجسم توحید

کعبه به دست مرد توحید، بازسازی شد. خداوند درباره ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (آل عمران: ۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود.

همچنین جایگاه کعبه و تعیین مکان و هندسه تأسیس آن نیز بر مبنای توحید صرف صورت گرفته است و هیچ شرکی در آن راه ندارد؛ چنان‌که در قرآن آمده است:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾ (حج: ۲۶)

[به یاد آور] زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده کردیم [تا آن را بنا کند و به او گفتیم]: چیزی را همتای من قرار مده!

همان‌گونه که ساخت این خانه بر مبنای توحید است، در حج این خانه نیز توحید تجسم یافته و از آغاز تا انجامش نمونه‌ای از توحید و طرد شرک است. از همین رو، ترک حج، کفر شمرده شده است، چنان‌که در آیه‌ای از قرآن آمده است:

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۲/۲/۲۸.

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ
فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۷)

و برای خدا بر مردم [واجب] است که آهنگ خانه [او] کنند؛ آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هرکس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده]، و خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.

معنای تجلی توحید در حج این است که چون توحید از درجات خود تنزل کند و در چشم‌اندازها و مظاهر خویش جلوه‌گر شود، به حج مبدل می‌گردد و اگر حج به سوی خدای سبحان صعود و در معارج راه ترقی طی کند، به عرش خداوند می‌رسد، یا به توحید مبدل می‌شود.^۱ از دیدگاه رهبری، توحید، روح اساسی حج است و وظیفه حج و اعمال و آموزه‌های آن، هدایت مردم به سوی جامعه توحیدی است. ایشان می‌فرماید: «توحید... روح اساسی حج و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است».^۲

رهبر انقلاب در تبیین مفهوم توحید نیز می‌فرماید:

توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجه و حرکت به سوی الله و ردّ و نفی بت‌ها و قدرت‌های شیطانی است. خطرناک‌ترین این قدرت‌ها در درون وجود آدمی، نفس اماره و هواها و هوس‌های گمراه‌کننده و پست‌کننده است.^۳

۱. صهبای حج، جوادی آملی، ص ۷۹.

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۲/۲/۲۸.

۳. همان.

ایشان در بیان اجزای توحید، آن را دارای دو جزء می‌داند و می‌فرماید: حج مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که یک جزئش برائت است؛ برائت از «انداد الله» و کفار و از عبده اوئان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوئان و اصنام هم که فقط «لات» و «عزی» و «هبل»^۱ نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه‌انگیزان عالم، بزرگ‌ترین بت‌های زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بت‌های بی‌جان و بی‌روح و بی‌توان است.^۲

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ابراز برائت و بیزاری از همه سنبل‌های شرک و کفر را از وظایف حج و اعمال توحید آن می‌داند و می‌فرماید: وظیفه‌ای که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج‌گزار لازم سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است و این اولین قدم، در راه تجسم اراده اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه جوامع اسلامی است.^۳

ایشان در جای دیگر از پیام‌های خود به حجاج بیت‌الله الحرام می‌فرماید: حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است که گفت: «إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ». صحنه اتحاد عظیم امت اسلامی برگرد محور توحید و برائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت‌هاست و بت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده

۱. سه بُت معروف مشرکان مکه که در خانه کعبه قرار داده بودند.

۲. در دیدار نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج، ۱۳۷۵/۱/۱۵.

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۲/۲/۲۸ ش.

افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چه چوب و چه قدرت‌های شیطانی سلطه‌گر و جبار و چه عصییت‌های جاهلی و ناحق که: ﴿فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ (یونس: ۳۲).^۱

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.

فصل چهارم

ابعاد اخلاق فردی در حج

درآمد

باتوجه به آیات و روایات و سخنان بزرگان، حج دستاوردهایی شگفت‌انگیز دارد. حج در آینه این سخنان، مانند منشوری است که جنبه‌های متعدد دارد. همان‌گونه که برای شناخت یک منشور باید در همه قسمت‌های آن نگریم، برای شناخت حج نیز باید در همه ابعاد آن تأمل کرد.

حج، فریضه‌ای است که در اخلاق فردی زائر اثر می‌گذارد و او را دچار تحول و دگرگونی می‌کند. رعایت اخلاق فردی، زمینه بهره‌گیری از روح حج را فراهم، سیر تحول در جوهر نفس را آسان و رابطه زائر را در مرحله اول با خودش و در مرحله بعد با پروردگارش اصلاح می‌کند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». در اینجا به ابعاد اخلاق فردی حج، از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، می‌پردازیم:

خداشناسی

۱. یاد خدا

یکی از اسرار و حکمت‌های اساسی حج، یاد پروردگار از آغاز تا پایان حج و بهره‌گیری از این ذکر چند روزه برای زنده نگهداشتن نام خدا در همه

مراحل زندگی است. در دیدگاه توحیدی، دل جایگاه خدا و خانه پروردگار است و باید در این خانه فقط نام صاحب‌خانه زنده باشد. از این‌رو از نخستین مراحل حج که حضور در عرفات است، زائر موظف به ذکر و یاد خداست:

﴿فَإِذَا أَقْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ

﴿كَمَا هَدَاكُمْ﴾ (بقره: ۱۹۸)

پس هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید همان‌طور که شما را هدایت کرد.

هنگامی که زائران کوی دوست از مشعرالحرام کوچ کردند و در منا ساکن شدند، یاد خدا زیباترین وظیفه آنهاست: «وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»؛ «و خدا را در روزهای معینی یاد کنید». (بقره: ۲۰۳)

رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید:

أَنَا جَعَلَ الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَرَمَى الْجِهَارِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ.^۱

جز این نیست که طواف خانه و سعی بین صفا و مروه و رمی جمرات قرار داده شده است برای برپایی یاد خدا.

رهبر معظم انقلاب، سه ویژگی برجسته برای حج بیان کرده است: دسته‌جمعی بودن این فریضه و دعوت همه آحاد مسلمانان که استطاعت مالی دارند؛ همچنین تصویری از نمای کلی زندگی انسان موحد را عرضه می‌کند و سومین ویژگی، توجه به ذکر و یاد خداست. ایشان در فرازی از پیام خود به زائران کوی دوست می‌فرماید:

در همین کار دسته‌جمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا،

۱. الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۱۳۳.

یعنی کاری قلبی و نفسانی معرفی می‌کند: ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾ (حج: ۲۸).^۱

ایشان در مقایسه میان نماز و حج، ذکر خدا را در نماز کوتاه و گذرا می‌داند، ولی حج را از آغاز تا پایانش ذکر می‌داند و می‌فرماید:

حج، حقیقتاً یک واجب بی‌نظیر است؛ چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج، وضع مخصوصی دارد و جنبه معنوی در آن فوق‌العاده است؛ مثلاً یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست، اما حج از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام گیرد، چه در داخل خانه خدا، در مسعای شریف، در عرفات، در مشعر، در منا و در اعمال گوناگون در طواف‌های مختلف، در نشست و برخاست‌ها و در افاضه از نقطه‌ای به نقطه دیگری، همه‌اش ذکر خداست. این از جنبه معنوی، معلوم می‌کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است.^۲

ذکر و یاد خدا موجب بصیرت و بینایی می‌شود و فراموش کردن خدا و غفلت از یاد او، کوری از شهود و اسرار مناسک حج را در پی دارد و روز قیامت آشکار خواهد شد؛ چنان‌که خدای سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ﴾ (طه: ۱۲۴ - ۱۲۶)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی [سخت و] تنگی

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۲/۲/۲۸.

۲. در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۷۳/۱/۳۱.

خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم. می‌گویید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسوس کردی؟! من که بینا بودم! می‌فرماید: همان‌گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، همان‌طور امروز تو فراموش خواهی شد.

بنابراین، حج‌گزاری که خدای سبحان را به یاد می‌آورد، به چیزی بینا می‌شود که دیگران از دیدن و شهود آن عاجزند. از این رو همت و درخواست این دو گروه نیز متفاوت است. خداوند در قرآن کریم نتیجه ذکر در حج و پیامد پس از آن را این‌گونه بیان می‌فرماید: ﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ﴾؛ «هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید». (بقره: ۱۹۸)

حرکت حج باید با یاد خدا و ذکر او آغاز شود و پس از حج نیز باید نام و یاد خدا در دل و جان حاجی پررنگ باشد؛ چنان که در قرآن آمده است:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾ (بقره: ۲۰۰)

و هنگامی که مناسک [حج] خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید؛ مانند یادآوری شما از پدرانتان [آن‌گونه که رسم آن زمان بود]؛ بلکه از آن هم بیشتر.

در ادامه آیات قرآن، به نتیجه غفلت از یاد خدا اشاره شده است؛ کسانی که فقط در پی عنوان و نامند و برای سیاحت، تجارت، شهرت و مانند آن به حج می‌روند و مطلوبشان خود دنیاست:

﴿فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ (بقره: ۲۰۰)

بعضی از مردم می‌گویند: خداوندا به ما در دنیا [نیکی] عطا کن؛
درحالی که در آخرت بهره‌ای ندارند.

در مقابل، حج‌گزارانی که در حج، با یاد خدا انس گرفته‌اند و جانشان
صفا یافته، پس از حج نیز حسنه دنیا و آخرت را طلب می‌کنند:

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ﴾ (بقره: ۲۰۱)

و بعضی می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن و در
آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار!

۲. دل‌سپردن به حق

حج به صورت صحیح و با محتوای دقیق آن، روح انسان را لطیف،
اراده او را قوی، نفس او را پاک و منزّه و غرایز طغیان‌گر او را تعدیل و
کنترل می‌کند؛ برای نمونه، پرهیز از محرّمات احرام و دقت فراوان در
عمل به وظایف شخص محرم، تمرین عملی در راستای طهارت نفس و
دل‌سپاری به پروردگار است. امام صادق علیه السلام خالی کردن غیر خدا از قلب
و سپردن دل به کسی که مقلب القلوب دل‌هاست را به حج‌گزاران
سفارش می‌کند و در این باره می‌فرماید:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ
وَحَجِّبْ كُلَّ حَاجِبٍ.^۱

هرگاه تصمیم به حج گرفتی، دلت را از هر باز دارنده‌ای، فقط برای
خدا خالی و از هر مانعی پیراسته ساز.

۱. مصباح الشریعه، ص ۴۷.

از آنجا که قلب مرکز فرماندهی است، باید برای حضور خدا آماده و از غیر او پاک شود؛ چنان‌که در حدیث شریف قدسی، خداوند، قلب بنده مؤمن را جایگاه خدا می‌داند و می‌فرماید: «لَمْ يَسْعُنِي سَمَائِي وَلَا أَرْضِي وَ وَسَعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»^۱؛ «آسمان و زمینم، وسعت مرا ندارد و [لکن] قلب بنده مؤمنم وسعت مرا دارد و جایگاه من است». یا در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِنَّ قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ»^۲؛ «قلب انسان مؤمن، عرش خداست».

از این رو، صحنه حج بهترین فرصت و موقعیت برای آزادسازی قلب از تعلقات و دل‌سپاری به پروردگار است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با توجه به این حقیقت انکارناپذیر می‌فرماید:

در پرتو مناسک و شعائر آموزنده حج، دل‌هایتان را که خانه خدا و امانت اوست، به او بسپرید و از شرک و زَیغ و زنگار تطهیر کنید.^۳

در دیدگاه رهبر انقلاب، حج دو عنصر اصلی دارد: «تقرب به خدا در اندیشه و عمل و اجتناب از طاغوت و شیطان». ایشان همه اعمال و تروک حج را برای این دو هدف ارزیابی می‌کند و می‌فرماید:

من به همه برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گرد آمده‌اند، متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبیر کنند و آن دو نکته اصلی را، یعنی دل‌سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی در اندیشه و عمل با عبودیت خالص و حقیقی از یک سو و اجتناب و برحذر بودن از شیطان‌ها و دشمنان راه و جهت الهی از سوی دیگر، برای خود تأمین کنند و با روحی مجهز به تقوا

۱. بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

۲. همان.

۳. پیام به حج بیت الله الحرام، ۱۴/۴/۱۳۶۸.

و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده امت اسلامی و تصمیمی راسخ در پیگیری هدف‌های اسلام... و فرهنگ اسلامی بر جوامع مسلمان، به وطن خود بازگردند.^۱

در حقیقت، این دو اصل، برگرفته از این آیه قرآن کریم است که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

(نحل: ۳۶)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید» و از طاغوت اجتناب کنید.

۳. تقویت عبودیت

فلسفه مناسک حج، از آغاز تا پایان، تقویت روح تسلیم و عبودیت است. عمل به هر یک از دستورهای حج، غیر از اعلان تعبد، با هیچ یک از ملاک‌های عادی توجیه و تفسیرپذیر نیست. کندن لباس‌های عادی و پوشیدن لباس احرام، حرام کردن لذت‌هایی که فی نفسه حلال و برای نفس لذت بخش است، تراشیدن سر که زیبایی انسان را از بین می‌برد و رها کردن فضای راحت و بیتوته کردن در بیابان، جز با قصد اعلان عبودیت و بندگی پروردگار عالم و تسلیم شدن در برابر فرمان او پذیرفتنی نیست. از این رو خداوند در قرآن کریم یکی از فلسفه‌های عبادات را ابراز تسلیم بی‌چون و چرا در مقابل پروردگار معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۴/۲/۱۴.

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُونَكَ فِي الْأَمْرِ﴾

(حج: ۶۷)

برای هر امتی عبادتی قرار دادیم تا آن عبادت را در پیشگاه خدا انجام دهند؛ پس نباید در این امر با تو به جنگ برخیزند!

صاحب جواهر، حج را عبادتی با بالاترین مرحله تعبد و تسلیم

می‌داند و می‌نویسد:

چون خداوند در حج [اموری قرار داده است که باعث] خاری نفس و سختی بدن و جدایی از خانواده و دوری از وطن و ترک عادات و ترک لذت‌ها و شهوت‌ها و اموری تنفرآور است. [این کارها] و انفاق مال و بستن بار سفر و تحمل سختی‌های حل و حرم و نگرانی‌های ترس‌ها و گرفتار همنشینان فرومایه [شدن]، جز برای تسلیم و کسب رضایت پروردگار توجیه دیگری ندارد.^۱

رهبر معظم انقلاب، تقویت عبودیت در حج را اصلی مهم می‌داند که باید همه زائران به آن توجه کنند. ایشان در سخنان خود در دیدار با اعضای برگزارکننده حج می‌فرماید:

اصل این است ما در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم، هجرت الی الله کنیم... این اساسی‌ترین کارهاست. ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ﴾؛ «خودتان را دریابید»، چیزی که جای ایشار ندارد، این است. آنجا که هر کس در درجه اول باید به فکر خودش باشد، اینجا است!^۲

ایشان روح حج را اظهار عبودیت می‌داند و این اظهار عبودیت، چنان

۱. جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

۲. در دیدار اعضای برگزارکننده کنگره حج، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

اثرگذار است که خداوند تنها یکبار انجام حج را در تمام عمر، برای رسیدن به مقام بندگی کافی می‌داند.

رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

در خلال این واجب حج، از اول تا آخر یک روحی وجود دارد که آن روح، عبارت است از... : اظهار عبودیت در مقابل پروردگار. در فرائض و واجبات دیگر به این حجم و کیفیت، این ویژگی [اظهار عبودیت] را نمی‌شود مشاهده کرد. ... وقتی انسان‌ها به مرکز اقامه فریضه الهی حج، جذب می‌شوند، از محدوده زندگی مادی، خارج و به فضایی کاملاً معنوی وارد می‌شوند. در این فضای معنوی، انسان به‌طور حقیقی شست‌وشویی می‌کند و برمی‌گردد. فرض بر این است که اگر انسان، یکبار در مدت عمر خویش چنین شست‌وشویی کند، برای او کافی است؛ چون حج یکبار واجب شده است و واجبات براساس نیازها و حاجت بشر است.^۱

مقایسه میان جنبه عبودیت حج با تعداد دفعات وجوب آن، نشان‌دهنده این حقیقت است که انسان در طول عمر به بیش از یکبار حج نیاز ندارد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

اگر ما برای سیر تکامل و عروج الی الله به بیش از هفده رکعت نماز در روز احتیاج داشتیم، خدای متعال آن را واجب می‌کرد. حداقل واجب آن چیزی است که برای ما به صورت حکم واجب درآمده است. حج، برای هر کس که بتواند، «من استطاع...» بدون استثنا یکبار واجب است و اگر کسی نتوانست، بر او چیزی واجب نیست؛ چون قدرت وجود ندارد. پس یکبار رفتن در آن مخزن و چشمه

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۱/۱۶.

جوشان معنویت، برای شست‌وشو و پاکیزه شدن، کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر و بیشتر شست‌وشو خواهد شد، اما حداقل لازم همان یک بار است. ببینید چقدر جنبه معنویت حج باید قوی باشد.^۱

۴. هجرت الی‌الله

کمالی که بر اثر سیر اختیاری انسان حاصل می‌شود، تابع موقعیت زمانی و مکانی و اوضاع مادی و جسمانی نیست و میان سیر تکاملی و قرب الهی، با مادیات و تحولات و حرکات مادی و بدنی، ارتباطی مستقیم نیست. آن سیر تکاملی به سوی خداوند، با جسم و بدن صورت نمی‌گیرد، بلکه چون مقوله‌های کمال نهایی و قرب الهی، در نتیجه سیر الی‌الله و بندگی الهی حاصل می‌شود.

شرایط مادی، فقط نقش فراهم آوردن زمینه سیر و سلوک را به عهده دارند و حرکت کمی و کیفی بدن یا انتقال از مکانی به مکان دیگر، خود به خود، تأثیری در تکامل انسان ندارد، مگر این‌که به سیر روحی و معنوی او کمک کند و غیر مستقیم در سیر تکاملی مؤثر باشد. بنابراین، عبادت‌هایی چون حج که در برگیرنده انفاق مالی، جدا شدن از خانه و فرزند و فعالیت‌های بدنی است، اگر با قصد تقرب صورت گیرد، نوعی هجرت از بیرون و درون است؛ هجرت بیرونی آن، گذشتن از زندگی مادی و هجرت درونی آن، سیر و سلوک معنوی و حرکت به سوی قرب الهی است تا بنده به مقامی برسد که خود را عین تعلق و ارتباط به او بیابد و برای خود و هیچ موجود دیگری استقلال در ذات و صفات و افعال نبیند و هیچ پیشامدی، او را از این مشاهده باز ندارد. حاجی برای

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۱/۱۶.

رسیدن به این مقام، باید هجرت کند؛ هجرت از درون تا سبک‌بال شود و توانایی پرواز داشته باشد. این حرکت، توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی به همه حاجیان و زائران منزلگاه دوست است؛ ایشان می‌فرماید:

حج یک هجرت است؛ هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیت ماست؛ هجرت از آن زندانی است که ما را احاطه کرده و گوهر یک دانه بی‌نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی‌هایی است که از هوا و هوس ناشی می‌شود؛ هجرت از خودخواهی‌هایی است که ما را از خدا دور می‌کند؛ هجرت از طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌هایی است که زندگی انسان‌ها را از هم جدا می‌کند.^۱

ایشان پیامد هجرت الی الله را باز شدن درهای برکات الهی به‌سوی حج‌گزار معرفی می‌کند و می‌فرماید:

اصل، این است ما در حج باید سعی کنیم...، هجرت الی الله کنیم... . وقتی که انسان با دلی پاک و روحی تائب با خدای متعال روبه‌رو شد، آن مراسم عظیم را انجام داد، حقیقتاً به خدا بازگشت، حقیقتاً به خدا هجرت کرد، حقیقتاً در مقابل پروردگار عالم تضرع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می‌شود.^۲

۵. محبت الهی

عبادت و بندگی، ممکن است به سبب ترس از آتش دوزخ یا به امید دستیابی به ثواب و پاداش بهشتی باشد. البته این دو انگیزه برای کسانی

۱. دیدار اعضای برگزار کننده کنگره حج، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۲. همان.

که در مراتب آغازین بندگی خداوند قرار دارند، مهم و تأثیربخش است. ولی نباید فراموش کنیم که این سطح از عبادت و این انگیزه‌ها برای اولیای خاص خدا مطرح نیست. هدف و انگیزه آنان برای بندگی، ترس از حرمان لقای معبود و امید به وصال اوست. اولیای خاص خدا توجهی به نعمت‌های عمومی و عادی بهشت، مانند میوه‌ها و گوشت پرنندگان لذید ندارند و توجهشان به لذت‌های متعالی‌تر معطوف است. گرچه ما به چنان مقامی نرسیده و چنان لذت‌هایی را درک نکرده و نچشیده‌ایم، ولی آگاهی از آنها مفید و ثمربخش است. چه بسا در انسان استعدادهایی نهفته باشد که شرایط، محیط و دیگر عوامل، زمینه شکوفا شدن این استعدادها را فراهم کند.

حضور در کنار حرم اولیا و در فضای معنوی خانه خدا، محبت خداوند را در دل‌ها تقویت و عشق به پروردگار را در قلوب عاشقان بیشتر می‌کند. فضای زیبای حج، چه پیش از سفر و چه هنگام سفر، چه برای آنان که عازم حج هستند و چه برای اطرافیان، محبت به پروردگار را افزایش می‌دهد. از این‌رو، باید رسانه‌ها، کارگزاران فرهنگی حج و دیگر مسئولان فرهنگی، از این موقعیت استفاده کنند و این عشق و محبت الهی را ایجاد، تقویت و هدایت کنند.

یکی از پرسش‌هایی که همواره برای علاقه‌مندان به سلوک الی الله و کسانی که خواهان چشیدن طعم محبت به خدا هستند مطرح می‌شود، این است که راه پدید آمدن محبت به خدا و افزایش آن محبت چیست؟ با توجه به آیات و روایات، هرچه انسان درباره خوبی‌های یک فرد بیشتر بیندیشد، بیشتر او را دوست خواهد داشت. در حدیث قدسی آمده

است که خداوند به حضرت داوود علیه السلام فرمود:

أَحِبَّنِي وَحَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِي، قَالَ: يَا رَبِّ، نَعَمْ أَنَا أُحِبُّكَ فَكَيْفَ أُحِبُّكَ إِلَى خَلْقِكَ؟ قَالَ أَذْكَرَ آيَادِي عِنْدَهُمْ فَإِنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَ ذَلِكَ لَهُمْ أَحَبُّونِي.^۱

[خداوند فرمود:] مرا دوست بدار و نزد خلقم محبوب گردان. حضرت داوود عرض کرد: پروردگارا! من تو را دوست دارم، ولی چگونه تو را محبوب خلق گردانم؟ خداوند فرمود: نعمت‌هایم را برای آنان یادآوری کن، مرا دوست خواهند داشت.

از دیگر راه‌های ایجاد محبت پروردگار در دل بندگان خدا، توجه به ذکر و یاد خداست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ (بقره: ۱۵۲).

برای رسیدن به محبت الهی باید از ذکر و بندگی او کمک گرفت و با عبادت او قلب را پاکیزه کرد تا محبت الهی در آن جای گیرد. رهبر معظم انقلاب درباره ایجاد این محبت می‌فرماید:

باید خودمان را پاکیزه کنیم. این پاکیزگی در نماز حاصل می‌شود، در تلاوت قرآن حاصل می‌شود، در روزه حاصل می‌شود، در انفاق و صدقه حاصل می‌شود، در انواع فرائض این پاکیزگی برای انسان پیش می‌آید. حج یک مجموعه‌ای از همه این فرائض است. در حج ذکر هست، در حج طواف هست، نماز هست، در حج وقوف هست، در حج توجه به خدا هست، در حج انفاق هست، قربانی هست، همه چیز در حج جمع است.^۲

یاد خدا، تلاوت قرآن و تهجد، محبت پروردگار را در دل‌ها بیشتر

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸.

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

می‌کند. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

اگر ما اینها را رعایت کنیم، حج یک دستگاه عجیب دگرگون‌ساز است. هر موسم حجی یک حرکتی در کل جامعه به وجود می‌آید؛ یعنی یک حرکت جمعی است، بحث تک تکی نیست. در این موسم، محبت‌ها به خدای متعال افزایش پیدا می‌کند.^۱

ایشان درباره تأثیر محبت الهی در قلب زائر مشتاق می‌گوید:

دلی که گنجینه محبت الهی باشد، خیلی با ارزش و ذی‌قیمت است. دلی که جای محبت خداست، به گناه کمتر میل می‌کند یا میل نمی‌کند [و] به کار خیر متمایل می‌شود.^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، درباره ضرورت ایجاد این محبت در دل‌ها و روش‌های ایجاد آن می‌فرماید: «این محبت را باید ایجاد کرد. ایجاد این محبت، با ذکر، با توجه، با اخلاص، با تضرع حاصل می‌شود».^۳

وقتی درخت محبت خدا در اعماق دل انسان ریشه دواند و استوار و تنومند شد، انسان با شنیدن نام خدا، سرشار از لذت می‌شود و به وجد می‌آید. می‌خواهد بیشتر درباره محبوب بشنود و ارتباطش را با او پایدارتر کند.

از زیباترین اوقات و حالات حج برای زائران، حضور در میقات و تکرار ذکر «لبیک اللهم لبیک» است؛ ذکری که زائر در پاسخ دعوت پروردگار و اجابت دعوت حق تکرار می‌کند و نشانه آن است که محبت پروردگار، او را به وعده‌گاه کشانده است.^۴

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

۲. دیدار با کارگزاران حج، ۹۰/۷/۱۱.

۳. همان.

۴. دیدار با کارگزاران حج، ۹۰/۷/۱۱.

برای حاجی و زائر بیت الله، «میقات»، قرارگاهی برای گفت‌وگو با خداوند و اعلان محبت به پروردگار است. قرآن درباره گفت‌وگوی موسی عَلَيْهِ السَّلَام با خداوند در میقات می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ» (اعراف: ۱۴۳) قاصد حرم خدا نیز مانند موسی برای گفت‌وگو به میقات دعوت می‌شود و خداوند، شاهد شیرین «لیبک» را به کام میهمان خانه‌اش می‌چشاند. امام هشتم علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ النَّاسَ إِذَا أَحْرَمُوا نَادَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: عِبَادِي وَإِمَائِي،
لَا أَحْرِمَنَّكُمْ عَلَى النَّارِ كَمَا أَحْرَمْتُمْ لِي فَقَوْهُمْ لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ إِجَابَةٌ لِلَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نِدَائِهِ لَهُمْ.^۱

به‌درستی که مردم وقتی محرم شوند، پروردگار صدایشان می‌کند و می‌گوید: بندگان و کنیزانم! هر آینه، شما را بر آتش حرام کردم همان گونه که شما برای من مُحْرِم شدید. هر آینه، ندای لیبک اللهم لیبک مُحْرمان، اجابت بندگان به دعوت خدای بزرگ است.

۶. توجه به دعا و مناجات

همه دوست دارند با انسان‌های بزرگ هم‌نشین باشند و با آنان سخن گویند، برای مثال، شاگرد دوست دارد توجه استاد را به خود جلب کند. از این‌رو، پس از کلاس نزد استاد می‌رود و به صورت خصوصی پرسش‌هایی را مطرح می‌کند. افزون بر فرصت‌هایی که شخصیت‌های بزرگ بار عام می‌دهند و همه از فیض حضور آنها بهره‌مند می‌شوند،

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۶.

انسان دوست دارد به افتخار انس و رفاقت با آنها نائل شود و به خلوت آنها باریابد و به صورت خصوصی با آنان سخن گوید و از محبت و عنایت آنها بهره‌مند گردد.

بی‌شک، مؤمن و فردی که به عظمت خداوند آگاه است و مقام رحمانیت و نعمت‌های پروردگار را می‌شناسد، لذت مناجات و گفت‌وگوی خصوصی با خدا را درک می‌کند. چنین فردی همواره در پی آن است که موقعیتی مناسب و فضایی معنوی مانند حج، مسجدالحرام، مسجدالنبی و صحرای عرفات فراهم شود، تا با خدای خود رازهای نگفته را نجوا کند و پیوند عاشقانه خویش را با معبود استوارتر سازد.

اما انسان‌های غافل که طعم گفت‌وگوی با معبود را نچشیده‌اند، علاقه‌ای به خلوت با خدا و مناجات با او ندارند. آنها از این حقیقت غافلند که در برخی زمان‌ها و مکان‌ها دعا و انابه با پروردگار چقدر می‌تواند شیرین و لذت‌بخش باشد. در مقابل، مؤمنان راستین، نیک می‌دانند که گفت‌وگو با خدا چه لذتی دارد و کسی که در پی دعوت پروردگار، به توفیق حضور در فضای عرفانی مدینه‌النبی و مسجدالحرام و صحرای عرفات دست یافته و فرصت خلوت با معبود و گفت‌وگوی خصوصی و عاشقانه برای او فراهم آمده، به چه مقام و منزلتی نائل شده است. از این رو، رهبر معظم انقلاب در بیشتر پیام‌های خویش، به بهره‌برداری از موقعیت‌های زمانی و مکانی و دعا و تضرع و انابه به درگاه پروردگار سفارش می‌کند و نخستین توصیه ایشان به زائران خانه خدا، بهره‌گیری از فضای تضرع و ارتباط با پروردگار و ستایش کسانی است که از این فرصت به دست آمده، بهره کافی می‌برند. ایشان در کلامی می‌فرماید:

سلام بر زائران خانه خدا؛ میهمانان سرای دوست و لیبیک‌گویان دعوت او و درود ویژه بر دل‌هایی که از یاد خدا طراوت یافته و بر فیض و رحمت بی‌دریغ او در گشوده‌اند. در این روزها و شب‌ها و ساعت‌های اکسیرگون، چه بسیارند آنها که قدرشناسانه، خود را به جذبه معنویت سپردند و با انابه و توبه، دل و جان را نورانیت بخشیدند و در امواج رحمت الهی که در این وادی قدس پی در پی فرا می‌رسد، زنگار گناه و شرک را از خود ستودند.^۱

رهبر انقلاب سفارش می‌کند که زائران از این فرصت استفاده و با دعا، رابطه خود را با پروردگار قوی کنند و با اراده مصمم به وطن باز گردند: همه برادران و خواهران، شایسته است به چنین دستاوردی بیندیشند و این فرصت بزرگ را مغتنم شمارند. نگذارند در اینجا نیز دل‌مشغولی‌های زندگی مادی که گرفتاری همیشگی ماست، دل‌ها را به خود سرگرم کند با یاد خدا، با انابه و تضرع...، با کمک خواستن از خداوند، دل مشتاق خود را در فضای توحید و معنویت ناب به پرواز درآورند و برای پایداری در راه خدا و صراط مستقیم، توشه بگیرند.^۲

ایشان به برگزاری دعا‌های مأثور و دسته‌جمعی مانند دعای کمیل تأکید کرده و آن را عامل جلب رحمت پروردگار و توجه دیگر مسلمانان به زائران ایرانی دانسته و فرموده است:

حج امسال از جهات مختلف خیلی خوب و موفق بود...؛ هم توانستید دعای کمیل را که یکی از بهترین وسایل جلب رحمت الهی است،

۱. پیام به مناسبت کنگره عظیم حج، ۹۱/۹/۲۹.

۲. همان.

در موسم حج برگزار کنید: ﴿قُلْ مَا يَعْْبُرُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾.^۱
 نفس تشکیل این مراسم و آن سوز و گداز و آن توجه و عشق و
 نیازی که مردم ما در آن منطقه به خصوص ابراز می‌کنند، یقیناً در
 جلب رحمت الهی تأثیر دارد و نفوس مسلمین هم به‌خاطر همین
 است که به شما جلب می‌شود. چون اشاره الهی است.^۲

رهبر معظم انقلاب، جنبه اثرگذاری دعای کمیل را از بسیاری از کارهایی
 که به نام فرهنگی صورت می‌گیرد، مؤثرتر معرفی می‌کند و می‌فرماید:
 مقدس‌ترین کارها برگزاری مراسم دعای کمیل است... اثر همه
 جانبه دعای کمیل، شاید از بسیاری از کارهایی که آنجا می‌کنیم و
 دلمان به آنها خوش است، بیشتر است.^۳

خودشناسی

۱. خودیابی

خودشناسی، مقدمه خداشناسی است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ».^۴ از
 جمله ویژگی‌های حج، فراهم کردن زمینه برای خودشناسی است. انسان
 در زندگی خود، اسیر روزمرگی می‌شود و به آنچه در اطراف او می‌گذرد،
 عادت می‌کند. از این‌رو، از حقایق و جنبه‌های دیگر زندگی خود غافل
 می‌شود. گسستن او از شرایط عادی و روزمره زندگی، این موقعیت را
 برای انسان فراهم می‌کند تا به خود و پیرامون خود، توجه کند.

۱. پیام به مناسبت کنگره عظیم حج، ۹۱/۹/۲۹.

۲. همان، ۱۳۸۶/۹/۲۴.

۳. در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج، ۸۲/۱۲/۵.

۴. مصباح الشریعه، ص ۱۳.

مناسک حج از احرام تا تقصیر و از عرفات تا جمرات، مرحله به مرحله، از خودخواهی‌ها و تعلقات رها شدن، به خود واقعی اندیشیدن و خود را یافتن است. آن‌گاه که حج‌گزار، لباس دوخته از تن بیرون می‌آورد و لباس بندگی و طاعت بر تن می‌کند، هویت جدیدی می‌یابد. این هویت جدید، پس از رستن از علائق مادی و دنیوی و قرار گرفتن در کسوت احرام و محرمان است.

رهبر معظم انقلاب، شناخت نفس خویش را جوهر همه عبادت‌ها و مناجات‌ها معرفی می‌کند و رسیدن به این شناخت را در سایه‌سار حج امکان‌پذیر می‌داند:

انسان، با تدبر می‌تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا و علو و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، به‌خوبی بشناسد. همچنین توهم باطل و غرور انگیز درباره هستی ضعیف خود را به دور افکند و شیشه کبر و خودپسندی را که مایه زشت‌ترین خلقیات و رفتارهای اوست، به خاک بکوبد. از دیگر سو، حلاوت ارتباط با خدا و به او پیوستن و از بت‌های درونی خویش گسستن را بچشد.

این شناخت اساسی که جوهر همه عبادت‌ها و مضمون همه مناجات‌ها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می‌بخشد و او را برای دیگر شناخت‌ها مستعد و بر پیمودن همه راه‌های کمال، توانا می‌کند. در زندگی عادی، گرفتاری‌های دنیوی «دل را غافل و مشغول می‌سازد و او را از این معرفت روشن باز داشته و حج، علاج قاطع این گرفتاری است».^۱

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

تفکر در آفاق و انفس، بهترین راه برای رسیدن به خودشناسی است. عرصه حج و سرزمین وحی، این فرصت را فراهم می‌کند که در آفاق و انفس تفکر شود؛ زیرا جنبه آفاقی این سرزمین و عظمت کعبه و سرزمین وحی، همچنین حضور هزاران انسان موحد با رنگ‌ها و زبان‌های متفاوت، هر انسانی را به اندیشه وا می‌دارد. جدا شدن از تعلقات مادی و شخصیتی و احرام بستن در لباسی مانند لباس آخرت نیز امکان رسیدن به معرفت به‌ویژه معرفت نفس را فراهم می‌کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به این حقیقت، معرفت نفس و خودشناسی را از هدیه‌های حج می‌شمارد و به حج‌گزاران و عمره‌گزاران سفارش می‌کند که از این فرصت فراهم شده، بالاترین بهره را برگیرند؛ زیرا مجموعه شناخت‌هایی که در حج حاصل می‌شود، در هیچ موقعیت و عبادت دیگری یک‌جا حاصل نمی‌شود. ایشان در کلامی می‌فرماید:

اگرچه برکات حج، همه جنبه‌های حیات بشر را فرا می‌گیرد و این باران رحمت بی‌دریغ، از خلوت دل و اندیشه آدمی تا عرصه سیاست و اجتماعی و قدرت ملی مسلمانان و تعاون میان ملت‌های مسلمان را بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می‌سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است و نخستین هدیه حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خدا داده «فهم پدیده‌ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر به فردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی‌گیرد و هیچ پدیده دینی دیگری نمی‌تواند مجموعه شناخت‌هایی را که در مراسم حج، قابل

وصول است، یک جا در اختیار ملت اسلامی قرار دهد. این معرفت شناخت خود [است].^۱

۲. خودسازی

خودسازی و تزکیه و تهذیب نفس، گام اساسی برای دوری از گناهان و پیراستن درون از رذایل و ناراستی‌های اخلاقی و زنگارها و آلودگی هاست. سفر روحانی حج، دستیابی به خودسازی و تزکیه نفس را راحت‌تر می‌کند. حج‌گزاران در این سفر، برای کسب اخلاق پسندیده و آماده‌سازی درون و برای از خودگذشتگی، عطوفت و مهرورزی، ادب و احترام به دیگران، صداقت و درستی و احسان و انفاق، به تمرین می‌پردازند و خود را به فضایل اخلاقی می‌آرایند.

خداوند در قرآن کریم درباره محرمات حج می‌فرماید: ﴿فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ «در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست». (بقره: ۱۹۷)

این آیه به سه مورد از محرمات حج که هر یک در تطهیر و پاکسازی درون اشاره دارد: ﴿فَلَا رَفَثَ﴾ «پاک کردن قوه شهوی»، ﴿وَلَا فُسُوقَ﴾ «تطهیر قوه غضب» و ﴿لَا جِدَالَ﴾ «تهذیب قوای فکری».

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

عِلَّةُ الْحَجِّ الْوِفَاةُ إِلَى اللَّهِ... وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ... وَحَظَرُهَا عَنِ

الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ.^۲

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۴.

علت و جوب حج، مهمانی به سوی خداست... و خارج شدن از هر چه گناه است و بازداشتن نفس از خواسته‌های شهوی و لذت‌های مادی است.

امام رضا علیه السلام در کلام دیگری درباره علت حج می‌فرماید: «وَمِنْهُ تَرْكُ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ، وَخَسَاسَةِ الْأَنْفُسِ... وَحَظْرُ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ و...»^۱؛ «و از آثار حج، ترک قساوت قلب و پستی نفس و دوری نفس از فساد است».

با توجه به این سخنان، با قرار گرفتن در فضای معنوی حج و ارتباط با صالحان، انگیزه خودسازی و تزکیه درون برای حج‌گزار آسان‌تر و جدی‌تر می‌شود. این موضوع، در پیام‌های رهبری به حج‌گزاران، جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان در یکی از پیام‌های خود می‌فرماید:

برای فراهم شدن زندگی سعادت‌مندان و مطلوب انسان، تزکیه اخلاقی فرد که گوهر او را از زشتی‌ها و آلودگی‌ها برهاند، ضروری و حتمی است.^۲

ایشان در فرازی دیگر از پیام خود می‌فرماید:

حج در آئینی پر راز و رمز و در آمیزه شگفت‌آوری از شکوه و خاکساری و اقتدار و فروتنی و حرکت و تلاش درونی و برونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی... در راه تحقق حیات طیبه انسانی را در برابر چشم آدمی می‌گذارد و حج‌گزار را به تمرین عملی وظایف بزرگ خود وادار می‌سازد.^۳

رهبر معظم انقلاب با توجه به فرصت مناسبی که در حج برای تزکیه نفس ایجاد می‌شود، به زائران توصیه می‌کند از این فرصت طلایی برای تزکیه نفس بهره‌گیری کنند. ایشان می‌فرماید:

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸.

۳. همان.

به حجاج محترم ایرانی توصیه می‌کنم که از این فرصت ارزشمند برای تزکیه نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی، حداکثر استفاده را بکنند و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه روح لحظه‌ای غفلت نکنند.^۱

ایشان شرط توفیق در دیگرسازی و جهان‌سازی را خودسازی معرفی کرده و فرموده است:

خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان‌سازی و ایجاد تحول و پیمودن راه‌های دشوار است. لذا در آیات کریمه حج، از ذکر الله و استغفار و بازگشت به خدا مکرر سخن رفته است.^۲

این سخن رهبری به حدیث شریف علوی اشاره دارد که فرمود:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ
وَلَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ.^۳

کسی که خودش را امام برای دیگران قرار می‌دهد، باید ابتدا به تربیت خود بپردازد قبل از پرداختن به تربیت دیگری و باید تربیتش به عمل، قبل از تربیت به زبان باشد.

از آنجا که زائران ایران در حج، برای دیگر مسلمانان الگو و نمونه هستند، باید در رعایت اخلاق اسلامی کوشا باشند. همچنین از آنجا که هنگام بازگشت حجاج به شهرهای خود، خانواده، دوستان، همکاران و اهل محل با نگاه دیگری به آنها می‌نگرند، رفتار و اخلاق آنها باید شایسته یک حاجی باشد و باید خود را به اخلاقی زیبا و پسندیده آراسته کند.

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۱/۳/۱۳.

۲. در دیدار اعضای برگزارکننده کنگره حج، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۶.

۳. ریاضت انتخابی

برای آن که می‌خواهد در مسیر معرفت ناب خداوند و محبت به او گام بردارد و دل از ماسوای او برکند، نخستین گام، ترک لذت‌های زودگذر و فانی دنیا، حتی حلال آن، و ریاضت دادن نفس است. آنها که پای در ره تقوا نهاده‌اند گام نخست بر سر دنیا نهاده‌اند فرعون نفس را به «ریاضت» بکشته‌اند و آن‌گاه دل بر آتش موسی نهاده‌اند^۱ ریاضت، مصدر فعل «راض، یروض» است. در برخی کتاب‌های لغت آمده است: «رَاضُ الْمُهْرَای دَلَلَهُ وَطَوَّعَهُ وَعَلَّمَهُ السَّیْرَ»^۲؛ «فلانی کره اسب را رام و آن را منقاد خود کرد و به او رهنوردی آموخت».

کره اسب را مدتی به حال خود رها می‌کنند تا خردسالی را پشت سر بگذارد و بدنش محکم شود. هنگامی که کره اسب از آب و گل در آمد، پیش از آنکه به کارش گیرند، آن را تربیت می‌کنند تا در کارهایی مانند سوارکاری، پیمودن راه‌های دور و دراز و گذشتن از گردنه‌های سخت، از آن استفاده کنند. اگر این تربیت و تمرین وجود نداشته باشد و حیوان رام نشود، چه بسا خود و سوارکار را دچار خطرهای جدی و جبران‌ناپذیر کند. عارفان درباره مفهوم اصطلاحی ریاضت گفته‌اند: «نفس انسان، چموش است و از روی شهوت و غضب کارهایی را انجام می‌دهد. از این‌رو، باید ریاضت ببیند و تربیت شود تا راه رستگاری و کمال را بییامد و به مقصد برسد»^۳.

۱. دیوان عطار، با مقدمه بدیع الزمان فروزان‌فر، ص ۳۰۶.

۲. تاج العروس، ج ۱۰، ص ۷۱.

۳. ریاضت در عرف عرفان، حسن رضائی خراسانی، صص ۹ - ۱۱.

یکی از فلسفه‌های احرام را «ریاضت» دانسته‌اند. محرمات احرام چند نوع هستند؛ یک نوع آن ریاضت دادن نفس است به تقوا؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَأَنَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ أَمِنَهُ يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَتَثْبُتَ عَلَي جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ.^۱

من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم تا در قیامت که هر اسناک‌ترین روزهاست، در امان و در لغزش‌گاه‌های آن ثابت قدم باشد.

در حج، حس مقاومت انسان در برابر کارهایی که در احرام تحریم شده است، تقویت می‌شود؛ کارهایی مانند صید، مباشرت با زن، اذیت و آزار حیوان‌ها و حتی تحمل اذیت آنها، بوی خوش، نگاه در آینه، لباس دوخته، زینت، دروغ پردازی و ناسزاگویی و جدال... احرام به انسان قدرت مقاومت در برابر میل جنسی، ترک استغلال و نازپروردگی را می‌دهد.^۲

اگر چه برخی کارها مانند آمیزش با همسر، خوردن برخی غذاها و استفاده از عطرها حلال است، ولی انسان با انتخاب خود، همه این کارها را برای مدتی کوتاه حرام و با این کار، با خواسته‌های نفس خود مخالفت می‌کند. همچنین برای مخالفت با فزون‌طلبی‌های نفس و صرف نظر کردن از برخی نعمت‌های حلال، اموال خود را در مسیر حج مصرف می‌کند تا نفس خود را ریاضت دهد. آموزه‌های اسلام به این‌گونه ریاضت، سفارش کرده است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. حج، مرتضی مطهری، صص ۸۸ و ۱۲۴.

رهبر معظم انقلاب، حج را حرکتی انتخابی به‌سوی زهد و ریاضت نفس می‌داند و به‌دست‌اندرکاران حج توصیه می‌کند ضمن آماده کردن امکانات مناسب برای زائران، به‌گونه‌ای عمل کنند که زائران، خود به‌سوی ریاضت بروند. ایشان می‌فرماید:

حج، برای زهد و ریاضت است. آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می‌کند، می‌بیند اصلاً برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلاً حج جای خوش‌گذرانی نیست... آنجا باید مغبرالوجه و مغبرالشعر باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند. لباس زیبا و عطر نداشته باشد. در حج همه وسایل فشار و ریاضت الهی برای یک مدت محدود و کوتاه فراهم است.^۱

ایشان توصیه می‌کند کارگزاران و زائران با همکاری یکدیگر، حج را به‌سوی ریاضت انتخابی ببرند و می‌فرماید:

به نظر من یک مقداری حج را به سمت یک ریاضت انتخابی ببرید. یک وقت است که حجاج را بدون نان، آب، هتل و سرپناه رها می‌کنیم. این خیلی بد است. یک وقت هم برنامه‌ریزی می‌کنید که حالا یک مقدار در عسرت و ریاضت زندگی کنید؛ به خودمان هم می‌گوییم، به آنها هم می‌گوییم. اول هم خودمان در ریاضت زندگی می‌کنیم.^۲

توصیه به ریاضت انتخابی، اساس و شالوده حج است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خدای سبحان، خانه خود را در سرزمین سنگلاخ که هیچ یک از

۱. در دیدار با نماینده ولی فقیه و اعضای بعثه حج، ۱۳۷۴/۲/۳۰.

۲. همان.

مظاهر حیات در آن نبود قرار داد. درحالی که مناطق آبادی آفریده است که اعتدال هوا در آنها به گونه‌ای است که تفاوت دمای زمستان و تابستان آن اندک است. اگر خانه خدا در چنین مناطقی بود، محل تفرج مرفهان می‌گشت. از این رو، سرزمینی را محل آزمون قرارداد که انسان‌ها در پرتو ریاضت ممدوحی که به واسطه محرّمات احرام و نیز مناسک حج و عمره انجام می‌دهند، در آن از آلودگی‌ها و تعلقات، پاک و خالص شوند.^۱

مناسک حج و محرّمات احرام، زائر را به سوی ریاضت انتخابی هدایت می‌کنند. با اینکه در آموزه‌های اسلام استعمال عطر و بوی خوش بسیار ترغیب شده و فضیلت زیادی دارد، ولی در حال احرام، حرام شمرده شده و در مقابل، هنگام احرام و انجام مناسک، گرفتن بینی از بوی بد نیز حرام است.

نمونه دیگر از زمینه ریاضت انتخابی، منع شکار است؛ زیرا از سویی صید حیوانات صحرائی بر محرم حرام است؛ چنان‌که در قرآن آمده است: ﴿لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ﴾. (مائده: ۹۵) و از دیگر سو، آهوان صحرائی یا کبوتران یا دیگر حیوانات شکاری غیردریایی، در تیررس یا دسترس محرم قرار می‌گیرد تا روشن شود چه کسی از این ریاضت انتخابی سربلند بیرون می‌آید. در آیه‌ای از قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿لَيَبْلُوتَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ...﴾ (مائده: ۹۴)

خداوند شما را با شکارهایی که [در حال احرام به شما نزدیک

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (قاصعه)، بند ۵۳ - ۵۶.

می‌شوند، به طوری که [دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید تا مشخص کند چه کسی با ایمان به غیب، از خدا می‌ترسد.

در حقیقت، رهبر معظم انقلاب به این واقعیت توصیه می‌کند: حال که ماهیت حج و سرزمین وحی به گونه‌ای انتخاب شده که همراه با ریاضت است و خدای سبحان با هماهنگی میان تکوین و تشریح، مردم را به سوی این سرزمین و انجام مناسک خاص دعوت کرده است، حج‌گزاران نیز باید براساس ریاضت انتخابی و کم‌کردن بهره‌گیری از برخی نعمت‌های دنیوی رفتار کنند.

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد
اگر به آب ریاضت برآوری غسلی همه کدورت دل را صفا توانی کرد
زمنزل هوسات ار دوگام، پیش نهی نزول در حرم کبریا توانی کرد^۱
عالمان و عارفان، موسم حج را بهترین فرصت برای ریاضت نفس می‌دانستند و از این زمان برای تهذیب و ریاضت نفس، بیشترین بهره را می‌بردند؛ برای مثال، پرثمرترین ایام زندگی ابن عربی، روزگاری بود که در مکه اقامت گزید. در همین ایام ریاضت بود که بنا بر گفته خودش، به فتوحات قلبی و شهودی دست یافت و حاصل آن، کتاب «فتوحات مکیه» شد.^۲

۴. غفلت زدایی

به طور طبیعی، نخستین شرط برای اینکه انسان، حرکت تکاملی خویش را به سوی قرب الی الله آغاز کند، این است که از «غفلت» و

۱. کلیات شمس تبریزی، ص ۲۹۰، غزل ۹۵۹.

۲. فصوص الحکم، ابن عربی، ترجمه: محمدعلی و صمد موحد، ص ۳۳.

بی‌خبری به مسئله تقرب بیرون آید. مادامی که انسان پرده غفلت را کنار نروده باشد، نه تنها تزکیه‌ای رخ نخواهد داد که انسان جایگاه خود را در جغرافیای هستی نیز نخواهد یافت. از این رو، در برخی آیات قرآن، علت محرومیت انسان از سعادت و گرفتار شدنش به شقاوت، عامل «غفلت» دانسته شده است:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ
كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها [و عقل‌ها] بی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلانند [؛ چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، همچنان گمراهند].

در فرهنگ قرآن کریم، «قلب»، «چشم» و «گوش» به‌عنوان «ابزارهای

شناخت» انسان مطرح هستند.

با توجه به این آیه، آنچه موجب شقاوت انسان می‌شود، یا دست‌کم یکی از مهم‌ترین علل و اسباب شقاوت، درست استفاده نکردن از ابزارهای شناخت و معرفت است. کسانی که از این ابزارها به‌منظور رسیدن به حقیقت استفاده نمی‌کنند، مثل چهارپایان هستند؛ زیرا حیوانات نیز گوش و چشم و قلب صنوبری را دارند، ولی با استفاده از آنها به «معرفت انسانی» دست نمی‌یابند.

صحنه حج، فضای بسیار مناسبی است که انسان‌ها از غفلت بیرون

آیند و از روزمرگی و عادت که آنها را از حقایق دیگر حیات غافل و دور کرده، جدا شوند.

«حج»، دل‌کندن از وابستگی‌های معمول و وارد شدن به فضایی است که انسان ابزارهای شناخت را به‌کارگیرد، با چشم خود حضور محشرگونه انسان‌های موحد را ببیند، آثار و نشانه‌های عظمت پروردگار را در سرزمین وحی مشاهده کند، با گوش خود پیام پروردگار را در سرزمین توحید بشنود و قلب خود را بر ادراک آن به‌کار اندازد و با عریان شدن از همه تشخص‌های اعتباری با احرام، و هروله کردن در صفا و مروه و رفت و آمد با خوف و رجاء، برای راه یافتن به بارگاه ملکوتی پروردگار، به هوشیاری برسد و از غفلت آزاد شود.

رهبر معظم انقلاب، غفلت را عامل سقوط و انحراف‌های اخلاقی و سقوط تمدن‌ها معرفی کرده و فرموده است:

آدمی در میدان‌های گوناگون زندگی، قربانی غفلت خویش است. هر جا غفلت هست، انهدام اخلاقی و انحراف فکری و هزیمت روحی نیز هست و همین ضایعات است که به نوبه خود می‌تواند علاوه بر اضمحلال شخصیت افراد انسان، شکست ملت‌ها و فروپاشی تمدن‌ها را نیز پدید آورد.^۱

ایشان حج را یکی از بهترین روش‌های غفلت‌زدایی فردی معرفی می‌کند و در این زمینه می‌فرماید:

حج یکی از برترین تدابیر اسلام در غفلت‌زدایی است. بین المللی بودن این مراسم، گویا این پیام را می‌رساند که امت اسلامی در

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

هویت جمعی خود نیز، جدا از وظیفه فردی مسلمان، موظف به غفلت‌زدایی از خویشتن است.^۱

ایشان تنبلی‌ها و تن‌آسایی‌ها را عامل غفلت‌آفرینی و مناسک حج را نوعی مبارزه با عوامل غفلت‌زا می‌داند و می‌فرماید:

عبادات و مناسک حج، فرصت می‌دهد که ما اسارت و وابستگی غفلت بار خود به لذت طلبی و هوس و تن‌آسایی را موقتاً ترک کنیم. احرام و طواف و نماز و سعی و وقوف، ما را از یاد خدا سرشار و به حریم الهی نزدیک می‌کند و لذت انس با خدا را در کام‌ها می‌نشانند.^۲

۵. تدبیر و برنامه‌ریزی

از راه‌هایی که برای نیل به کمال وجود دارد، این است که انسان به هرچه و هرکس و هر عملی نگاه و توجه می‌کند، به ارتباط آن با خدا توجه داشته باشد. از نظر عقلی و نقلی، این مطلب مسلم و ثابت شده است که همه اعمال عبادی و اذکار الهی، یک ظاهر و پوسته دارد و یک حقیقت و اسرار که در ورای این ظاهر قرار دارد و انسان‌ها باید از طریق این ظاهر، به آن حقیقت دست یابند و در آن تدبر کنند.

توجه به اعمال عبادی، مانند توجه به یک اثر هنری، یک نقاشی یا یک ساختمان است. گاهی توجه ما فقط به خود آن اثر است و هیچ توجهی به پدیدآورنده و خالق آن اثر نداریم. بدیهی است که هر اثری را مؤثری است، ولی در این نوع نگاه، ما فقط در زیبایی و لطافت ظاهری

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

۲. همان.

اثر غرق می‌شویم و از خالق اثر و پیام‌های آن غافلیم. گاهی نیز اثر و مؤثر را با هم می‌بینیم و در همان حال که چشم به اثر دوخته‌ایم، در دل به پدیدآورنده و خالق اثر و اسرار و پیام‌های آن توجه داریم، آفریننده آن را تحسین می‌کنیم و از اسرار و رمز و رازهای آن درس می‌گیریم. حج نیز مانند همه اعمال و مناسک و آیات و نشانه‌های الهی یک ظاهر دارد و یک باطن که باید در هر یک از آنها تفکر و تدبر کرد. تدبر در مناسک و اسرار حج، می‌تواند آثار حج را در تمام زندگی جاری و ساری کند. از این رو رهبر معظم انقلاب به حاجیان سفارش می‌کند که در حج تدبر کنند: «من به همه برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گرد آمده‌اند، متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبر کنند»^۱.

ایشان فلسفه تدبر در حج را زنده شدن نام و یاد خدا در دل‌ها و روحیه ظلم‌ستیزی مسلمانان معرفی می‌کنند: «تدبر در حج، عامل معجزه‌آسایی در گسترش این اندیشه در میان همه مسلمانان است؛ [اندیشه‌ای که باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد]»^۲.

رهبر انقلاب، نتیجه این تدبر را ماندگاری آثار حج برای بقیه عمر می‌داند و می‌فرماید:

[حاجیان باید] در حج تدبر کنند و آن دو نکته اصلی را، یعنی دل‌سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی در اندیشه و عمل با عبودیت خالص و حقیقی از یک سو و اجتناب و برحذر بودن از شیطان‌ها و دشمنان راه و جهت الهی از سوی

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۴/۲/۱۴.

۲. همان.

دیگر، برای خود تأمین کنند و با روحی مجهز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده... به دیار خود باز گردند.^۱

۶. حرکت به سوی حیات معنوی

از عوامل شکست مسلمانان در مقابل دشمنان و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی آنها، سست شدن پایه‌های اعتقادی و ضعف حیات معنوی و باورهای دینی آنهاست. این پرسش‌ها در ذهن هر مسلمان آگاه و روشن ضمیری ایجاد می‌شود و خون او را به جوش می‌آورد که چرا حضور قوی مردم در حج، نتیجه مطلوب را نمی‌دهد؟! چرا مسلمانان در مقابل نهیب دشمنان، جرئت و جسارت ایستادگی و مقاومت را ندارند؟! چرا به جای ترس از خدا، از هیبت پوشالی مستکبران و نوکران بی‌ارزش آنها می‌ترسند؟! چرا در مقابل دشمنان عقب‌نشینی می‌کنند و از اصول و ارزش‌های خود کوتاه می‌آیند؟!

رهبر معظم انقلاب با طرح این پرسش‌ها به بررسی عوامل مؤثر در این راه اشاره می‌کند و یکی از عوامل اصلی مؤثر در این زمینه را دوری از حیات معنوی می‌شمارد. ایشان در یکی از فرازهای سخنان خود در پاسخ به این پرسش‌ها می‌فرماید:

برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۴/۲/۱۴.

ضعف و ترس وجود ندارد. ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱، تأسفی هم وجود ندارد.^۲

ایشان پس از معرفی عامل شکست‌ها و ترس‌ها و دلیل کوتاه آمدن‌های مسلمانان در مقابل دشمنان، به راه درمان این مشکلات اشاره و بازگشت به عزت اسلامی و انسانی را در روی آوردن به حیات معنوی بیان می‌کند و می‌فرماید:

ما باید خودمان را علاج کنیم. باید متحول بشویم. باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم. این، علاج همه دردها در دنیا و برای همه است.^۳

رهبر انقلاب، عرصه حج را فرصت مناسبی برای جدا شدن از وابستگی‌های مادی و طبقاتی می‌داند که مسلمان را از حیات معنوی دور می‌کند. ایشان به زائران سفارش می‌کند، از این فرصت به‌خوبی استفاده کنند: حج یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و وابستگی‌ها و طبقه‌بندی‌ها و خط‌کشی‌ها و همه آن چیزهایی که او را از معنا دور می‌کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می‌کند، جدا شود، دور شود و به خدا نزدیک شود.^۴

رهبر معظم انقلاب، راه رسیدن به حیات معنوی را حرکت به‌سوی خدا می‌شمارد و می‌فرماید:

دائماً یک چیز به یاد حاجی و زائر خانه خدا باید باشد و آن اینکه

۱. یونس: ۶۲.

۲. دیدار اعضای برگزار کننده «کنگره حج»، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۳. همان، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۴. همان.

رضای الهی را کسب کند. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می‌کند: «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ»^۱.

یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می‌کند... و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان راحت تر می‌کند. این، همان موضوع اساسی در جنبه فردی این مسئله (حیات معنوی) است [و] هیچ چیز جای این را نخواهد گرفت.^۲

ایشان به آثار پربرکت حیات معنوی حج توجه کرده و معتقد است اگر حج به سوی حیات معنوی سوق داده شود و روح حج در کالبد زائر بیت‌الله الحرام دمیده شود، آثار فردی و اجتماعی فراوانی را برای مسلمانان به ارمغان می‌آورد که از جمله آنها می‌توان به ایجاد فضای معنوی در کشور و جهان اسلام اشاره کرد. رهبر معظم در این زمینه می‌فرماید:

حج از یک طرف مظهر معنویت است. ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هر چه بیشتر انسان به خدا، از یک طرف، مظهر وحدت است. یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می‌کند... هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می‌شود.^۳

۷. ترک تعلقات مادی

حج، هیبت و شکوه لذت‌های ظاهری را در هم می‌شکند و به حاجی می‌آموزد که می‌توان از جاذبه‌های دنیوی چشم پوشید؛ چرا که او در عمل می‌بیند لذت‌هایی را که همه روزه بدان‌ها دست می‌یافت و با آنها انس

۱. «حرکت کننده به سوی تو، راهش نزدیک است» (مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب).

۲. دیدار با اعضای برگزار کننده «کنگره حج»، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۳. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

گرفته بود و از نگاه او ترک آنها برایش ناممکن بود، اکنون با کمترین فشار و تحمل و می‌گذارد. از لباس که تشخیص او به آن بود، تا موی سر که زیبایی خود را با آنها به رخ دیگران می‌کشید، همه را به فرمان الهی و می‌نهد و ترک وابستگی می‌کند. این تمرین چند روزه، برای ایجاد این باور در حاجی است که دلپذیرترین لذت‌ها و جاذبه‌های مادی، سست‌تر از آن است که نتوان از آن دل کند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

در حج یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و وابستگی‌ها و طبقه‌بندی‌ها و خط‌کشی‌ها و همه آن چیزهایی که او را از معنا دور می‌کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می‌کند، جدا شود، ... و به خدا نزدیک شود این یک فرصت است.^۱

احرام پوشیدن در حج، به این معناست که نباید غریبه را به جای دوست گرفت؛ باید با اغیار، بیگانه بود و فقط با دوست طرح دوستی ریخت، همه تعلقات را کنار نهاد و دوستی معبود را در دل جای داد.

سعدی می‌گوید: خرقة پوشی در کاروان حجاز همراه ما بود. یکی از امرای عرب، او را صد دینار بخشید تا قربانی کند. دزدان، ناگاه بر کاروان زدند و پاک بردند. بازرگانان گریه و زاری کردن گرفتند و فریاد بی‌فایده خواندن؛ مگر آن درویش صالح که بر قرار خویش مانده بود و تغییر در او نیامده. گفتم: مگر معلوم (اموال) تو را دزد نبرد؟ گفت: بلی بردند، ولیکن مرا با آن [تعلق و] الفتی چنان نبود که به وقت مفارقت، خسته‌دلی باشد.^۲

۱. دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۱/۲/۱۶.

۲. کلیات سعدی، صص ۱۲۷ و ۱۲۸ (با اندکی تغییر).

عطار نیشابوری نیز در مصیبت‌نامه، نمونه‌ای از ترک تعلقات مادی و دل سپردن به معشوق را در داستان «لیلی و مجنون» به تمثیل آورده است. او از عاشقان معبود می‌خواهد مانند «مجنون» باشند و آن‌گاه که توفیق رفیق راه می‌شود و به دیدار کعبه راه می‌یابند، از همه تعلقات جدا شوند و فقط به عشق معبود، دل خوش دارند.

برد مجنون را سوی کعبه پدر تا دعا گوید، شفا یابد مگر
چون رسید آن جایگه مجنون ز راه گفت: اینجا کن دعا، این جایگاه
گو خداوندا مرا بی درد کن عشق لیلی بر دل من سرد کن
تو دعا کن تا پدر آمین کند بو که حق این مهربانی کین کند
دست برداشت آن زمان، مجنون ز هست گفت: یارب عشق لیلی، ز آنچه هست
می‌توانی گر دو صد چندان کنی هر زمانم بیش سرگردان کنی^۱

۸. حضور قلب

حج، عرصه عبودیت و بندگی خداست. در حج، انسان با تمام وجود، خود را در پیشگاه پروردگار احساس می‌کند و خود را در اوج تقرب می‌یابد و پا جای پای ابراهیم و اسماعیل و هاجر علیهم‌السلام می‌گذارد و با محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم‌نوا می‌شود تا حج ابراهیمی و محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جای آورد. البته به‌جا آوردن چنین حجی به توجه و حضور قلب نیاز دارد. حج با حضور قلب، روح و مغز پیدا می‌کند و با دقایق و لطایف الهام‌بخش معنوی، انجام می‌شود.

بی‌شک، حج بی‌توجه، حجبی نیست که بتواند خانه دل را از رذایل

۱. مصیبت‌نامه، عطار نیشابوری، ص ۳۶۷.

پاک کند و به فضایل بیاراید و انسان را الهی و خودساخته به وطن باز گرداند. خداوند در قرآن کریم شرط بهره‌گیری از حقایق دینی را داشتن قلبی بیدار و گوش‌شنوا و ذهنی حاضر معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

(ق: ۳۷)

به حقیقت، آن کسی می‌تواند از برکات حقایق دینی برخوردار شود که صاحب‌دلی فهمیده یا شنونده‌ای با حضور قلب باشد.

حضور قلب به اعمال انسان ارزش می‌دهد و قبولی اعمال عبادی انسان به حضور قلب بستگی دارد. از امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) سؤال شد: «آداب نماز چیست؟» حضرت فرمود: «حضور قلب و مشغول نکردن جوارح و تواضع در برابر پروردگار».^۱

رهبر معظم انقلاب، زائران را به اهمیت دادن به حضور قلب در مناسک حج سفارش می‌کند و می‌فرماید:

حج را باید با توجه، با حضور و با آداب به‌جا آورد. غیر از مناسک حج و اعمالی که تشکیل دهنده صورت حج است، ادبی هم وجود دارد که روح حج است. بعضی این صورت را به‌جا می‌آورند، اما از روح و حقیقت آن غافل می‌مانند. ادب حج، خضوع و ذکر و توجه است. ادب حج، احساس حضور در مقابل پروردگار در همه آنات است.^۲

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با استناد به سخنان مرحوم بهاری

در سفارش به حضور قلب در نماز و مقایسه حج با نماز می‌فرماید:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۸.

۲. دیدار دست‌اندرکاران حج، ۱۳۸۳/۹/۳۰.

مرحوم شیخ محمد بهاری در یکی از نوشته‌هایشان می‌گویند که دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی توجه تکرار می‌شود، قساوت می‌آورد! نماز می‌خوانیم، نماز مایه قساوت. چرا؟ چون در حال نماز حضور قلب نداریم، توجه نداریم. پس این نماز یا با توجه است، که مایه رقت و قرب و لطافت و صفاست، یا نماز بی توجه است که آن وقت به گفته ایشان مایه قساوت قلب است. حج هم همین جور است. این اعمال را با توجه، با حضور باید انجام داد.^۱

۹. امام شناسی

گرامی داشتن یاد اهل بیت علیهم‌السلام، از جمله امام زمان علیه‌السلام و سلام بر ایشان که در جای جای معارف اهل بیت علیهم‌السلام به آن سفارش شده، تدبیری برگرفته از حکمت الهی است. این تدبیر برای تقویت بُعد معرفتی و نیز بُعد عاطفی وجود ما و در نتیجه، رشد جنبه انسانیت ماست.

به تجربه دریافته‌ایم که هرچه میزان محبت و علاقه‌مندی خود را به دوستانمان نشان دهیم و در عمل به آنان ثابت کنیم که دوستشان داریم، آن پیوند دوستی تقویت می‌شود و دوام می‌یابد. ولی اگر اظهار دوستی و محبت نکنیم، رفته‌رفته آن محبت و علاقه از بین می‌رود. اگر ما به دوستانمان اظهار ارادت کنیم و زبان به ستایش او بگشاییم، محبت او به ما بیشتر می‌شود. توجه به امام عصر و صاحب اختیار این عالم و ابراز محبت به آن حضرت، به ویژه اگر بدون انگیزه نفسانی باشد، محبت ما به ایشان را افزون می‌کند. اظهار محبت نسبت به آن محبوب، بدون توجه به نفع و خواسته خود و خود را در پیش آن محبوب دور از نظر دانستن،

۱. دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

غایت طواف برگرد خانه خدا شمرده شده است. بدون ابراز این محبت، نه تنها از دوستی و ولایت ائمه معصوم علیهم‌السلام محروم می‌شویم، بلکه عمل ما نیز پوچ و بی‌اثر خواهد بود.

ابوحزمه ثمالی می‌گوید: «به محضر امام باقر علیه‌السلام وارد شدم». ایشان در مسجد الحرام نشسته بود و به طواف‌کنندگان نگاه می‌کرد. پس به من فرمود: «ای ابی حمزه این مردم به چیزی امر شده‌اند؟ عرض کردم: «نمی‌دانم!» حضرت فرمود: «آنان فرمان یافتند که پس از طواف دور این سنگ‌ها نزد ما بیایند و ولایتشان را اعلام کنند».^۱

با توجه به این سخن امام باقر علیه‌السلام، اگر طواف‌کنندگان، ولایت به ولی خود را اعلان کنند، طوافشان بر بیت عتیق کامل است و این طواف ارزشمند خواهد بود، ولی اگر اعلان محبت به امام نباشد، طواف آنها چیزی جز گردش به دور سنگ‌ها نخواهد بود. از این رو، توجه به امام زمان در حج، بُعد اساسی حج است که بدون آن اعمال حج بی‌ثمر است. رهبر معظم انقلاب زائران را به توجه به حضور امام زمان علیه‌السلام در عرصه حج سفارش می‌کند و می‌فرماید:

امروز بازمانده عزیز و دُرْدانه قیمتی این عالم وجود در روی زمین در ایام حج در همان جاست. سید و مولای آفرینش و محبوب دل‌های مشتاقان، در عرفات، منا، مشعر الحرام و طواف، آنجاست. دل‌های آشنا سراغ بگیرند و خودشان را با کانون معنویت مرتبط کنند.^۲

از امام صادق علیه‌السلام حکایت شده است که فرمود:

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۴.

۲. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۱/۱۶.

يَقْفِدُ النَّاسُ اِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ.^۱

مردم به فراق امامشان گرفتار می‌شوند. او در مراسم حج حاضر می‌شود و آنان را می‌بینند، ولی مردم وی را نمی‌بینند.

محمد بن عثمان عمری، از نایبان خاص امام عصر علیه السلام، می‌گوید:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ.^۲

به خدا سوگند صاحب این امر (امر امامت) هر سال در موسم حج حاضر است: او مردم را می‌بیند و آنها را می‌شناسد و مردم او را می‌بینند و او را نمی‌شناسند.

رهبر معظم انقلاب، حج‌گزاران را به تأمل در حج که به عطر وجود امام زمان علیه السلام معطر است، سفارش کرده و در فرازی از پیام خود به زائران بیت‌الله فرموده:

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنای تأمل در پایه‌گذاری این خانه است که در عین حال، هم خانه خداست و هم خانه مردم؛ ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي لَبَّيْكَ مَبْرُكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳؛ «نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است». هم معطر به نفس نیایشگران و جای سجده متعبدان و دست‌نیز ثناگویان [است]؛ هم مَطَّلَع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام.^۴

۱. کافی، ج ۱، صص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۳. آل عمران: ۹۶.

۴. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

۱۰. قرآن‌گرایی

قرآن، کتاب هدایت و برنامه انسان‌سازی است و نزد هر مسلمان جایگاهی ویژه دارد. هر مسلمانی باید براساس توانایی خود از قرائت، درک مفاهیم، تفسیر و عمل به آیات قرآن، در زندگی فردی و اجتماعی خود بهره‌گیرد. خداوند در قرآن کریم سفارش می‌کند، مسلمانان در هر حال و به هر اندازه که می‌توانند، در تلاوت قرآن بکوشند.

﴿فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرَضٌ وَ آخِرُونَ يَصِرُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ﴾ (مزل: ۲۰)

آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید. او می‌داند به زودی گروهی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای به‌دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند [و از تلاوت قرآن باز می‌مانند]، پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است، از آن تلاوت کنید.

تلاوت قرآن در نخستین مرحله، موجب نورانیت خانه‌ها، حضور فرشتگان در خانه و دوری شیطان می‌شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكَثُرُ بَرَكَتُهُ
وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ
الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...^۱

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خداوند در آن یاد شود، برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن حاضر گردند و شیاطین از آن دور شوند و برای آسمان می‌درخشند، چنان که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.

همان‌گونه که ستارگان به آسمان زیبایی می‌بخشند و برای زمینیان می‌درخشند و آنان را از لذت و سرور سرشار می‌کنند، خانه‌هایی که در آنها قرآن تلاوت می‌شود، برای ملکوتیان و فرشتگان نورافشانی می‌کنند و آنان از دیدن این کانون‌های قرآنی و نورانی لذت می‌برند.

تلاوت قرآن در برخی فضاها و مکان‌ها اهمیت و ارزش بیشتری دارد؛ برای مثال، تلاوت یک آیه از قرآن در ماه مبارک رمضان، برابر با تلاوت یک ختم قرآن در دیگر ماه‌هاست.^۱ همچنین تلاوت قرآن در سرزمین وحی اهمیت ویژه‌ای دارد. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَرَى مَنزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ.^۲

کسی که قرآن را در مکه ختم کند، نمی‌میرد تا اینکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جایگاه خود را در بهشت می‌بیند.

رهبر معظم انقلاب، با بهره‌گیری از این آموزه‌های بلند اسلامی سفارش می‌کند که زائران، در سفر معنوی حج به قرائت قرآن کریم توجه و آن را به صورت یک عادت، در زندگی خود همیشگی کنند. ایشان می‌فرماید:

۱. منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۷، ص ۴۲۸.

۲. الحج فی السنة، ص ۱۵۴.

چقدر خوب است حجاج ما خود را موظف بدانند که وقتی مشرف می‌شوند در مکه و همچنین در مدینه - آنجایی که منزل وحی و محل آغاز رحمت عظیم بی‌منتهای الهی، یعنی قرآن است - یک ختم قرآن به‌جا آورند و از آن بهره بگیرند. این بشود یک عادت و یک سنت... باید به خواندن قرآن و توجه به مفاهیم آن نیز اهمیت دهیم.^۱

رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهمیت زمانی حج و متبرک بودن سرزمین وحی به نزول آیات قرآن و تأثیری که آیات قرآن در جان مشتاقان کلام نورانی وحی می‌تواند داشته باشد، سفارش می‌کند که حجاج از فرصت به‌دست آمده، به بهترین وجه بهره بگیرند و با قرآن بیشتر انس پیدا کنند. ایشان در دیدار خود با کارگزاران حج می‌فرماید:

هر چه می‌توانید، در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید. این اوقات، هم روزها و زمان متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحاظ زمان، در اوج حرمت ماه‌های حرام قرار دارد، هم از لحاظ مکان، در نقطه‌اعلای مناطق متبرک که خانه خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه مسلمان‌ها در همه شبانه‌روزهاست، قرار دارد. حاجی در آن جا باید رابطه خود را با خدا قوی و مستحکم کند، با قرآن انس پیدا کند.^۲

با اینکه تلاوت قرآن، مخصوص مکان و زمانی خاص نیست، فلسفه سفارش به زائران خانه خدا به تلاوت قرآن، از دو جنبه قابل توجه است.

۱. جنبه اثرگذاری بیشتر قرآن در سرزمین وحی؛

قلب زائری که همه علائق دنیا را پشت سر گذاشته و از زن، مال، فرزند،

۱. دیدار با دست‌اندرکاران مراسم حج، ۱۳۸۲/۱۲/۲۵.

۲. دیدار با کارگزاران مراسم حج، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

شغل و مقام گذشته و پا در انقطاع الی الله نهاده، آمادگی بیشتری برای پذیرش حقایق قرآن پیدا می‌کند. ملا احمد نراقی، در این زمینه می‌گوید:

حج گزار با قطع علایق و ترک خلاق، به خانه رفیع‌القدر می‌آید تا دل خود را فی‌الجمله به ملاقات خانه تسلی دهد و آن را وسیله وصول به غایت آمال (لقای جمال جمیل ایزد متعال) سازد.^۱

قلبی که منزل حق تعالی شده است، بهتر می‌تواند با سخن او انس بگیرد، از آن بهره ببرد و زندگی خود را با برنامه‌ها و دستورهای او منطبق سازد.

۲. پاداش ویژه ختم قرآن در مکه.

ختم قرآن در سرزمین وحی، پاداش ویژه و تأثیر توصیف نشدنی برای تلاوت کننده دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس در مکه ختم قرآن کند، در ظرف یک هفته یا کمتر یا بیشتر و روز ختمش را روز جمعه قرار دهد، خدا به قدر حسنات، از نخستین جمعه‌ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه‌ای که خواهد بود، برای او اجر و ثواب می‌نویسد و اگر قرآن را در دیگر روزها ختم کند، چنین اجری برای او نوشته خواهد شد.^۲

۱. معراج السعادة، ص ۶۹۶.

۲. ثواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۵۰.

فصل پنجم

اخلاق اجتماعی در حج

درآمد

خداوند تبارک و تعالی آنجا که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «هرگز سست و غمگین نشوید و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید» (آل عمران: ۱۳۹)، شکل‌دهی باور مسلمانان را درباره اقتدار بالقوه‌شان تقویت کرد و جامعه اسلامی را به دلیل برخورداری از جوهر ایمان، سزاوارترین جامعه‌ها به اقتدار دانست.

بی‌تردید، مراسم شکوه‌مند حج، ارزشمندترین فرصت برای عروج امت اسلامی به قله کمال اخلاق، یعنی عزت است؛ چرا که بیشترین آیات و نشانه‌ها برای افزایش ایمان، در آن سرزمین تابیده است. همچنین، دیدن آن اجتماع بی‌نظیر در یک مکان، تأثیر ژرفی بر اخلاق، احساس و رضایتمندی از ایمان در مسلمانان دارد.

فرصتی که در حج، برای مجموعه جهان اسلام، به‌ویژه زائران حاضر در این سرزمین به وجود می‌آید، بی‌نظیر است و در هیچ موقعیت دیگری چنین فرصت‌هایی حاصل نمی‌شود. بهره‌گیری از این فرصت برای رسیدن به تعاون و همدلی، رعایت اخلاق اسلامی در برخورد با همه مسلمانان، پیمودن راه‌های تزکیه و تقرب جمعی و برطرف‌کردن موانع رسیدن به

کمال حقیقی و جایگاه حقیقی امت اسلامی، همت بلند مسلمانان حاضر در عرصه حج را می‌طلبد. آنها باید حج را از یک عمل فردی خارج و به رودخانه‌ای خروشان و جاری تبدیل کنند؛ رودخانه‌ای که با زلالی خود، جان‌های مشتاق را صفا می‌بخشد و با خروش سیل آسای خود، خار و خس‌ها را از مسیر کمال جامعه اسلامی دور می‌کند.

۱. حج، دعوت به خوبی‌ها

برای بهره‌گیری از فرصت حج، راه‌های گوناگونی وجود دارد؛ مانند گفت‌وگو، برگزاری جلسه‌ها و همایش‌ها و بیان مشکلات جهان اسلام و مناظره‌های علما و نخبگان جهان اسلام. البته همه اینها به برنامه‌ریزی‌های قبلی و پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد که برای همه حاجیان ممکن نیست و انجام برخی از آنها در سرزمین مکه و مدینه با واکنش آل‌سعود همراه خواهد بود. با این حال، روشی آسان و قابل استفاده برای همه زائران وجود دارد که در روایت‌ها به بهره‌برداری از آن سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ
وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ^۱.

مردم را با رفتارشان به کارهای پسندیده و راه راست هدایت کنید. [مردم] باید از شما تقوا، تلاش و نماز و خوبی ببینند. همه اینها خود، دعوت‌کننده به سوی خیر است.

هدایت عملی، هم برای همه ممکن است و هم به برنامه‌ریزی و

۱. الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

هزینه‌های اضافی نیاز ندارد. از این‌رو، رهبر معظم انقلاب درباره چگونگی بهره‌گیری از فرصت حج می‌فرماید:

چه جور اغتنام فرصت بکنیم؟ طرق مختلفی دارد. یکی از آسان‌ترین طرق که همه می‌توانند او را انجام بدهند، این است که ایرانیِ مسلمان که زیر لوای جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام... زندگی می‌کند، با رفتار خود، با حرکات خود، با منش خود، اسلام جمهوری اسلامی را معرفی کند، خود را معرفی کند، تأثیر تربیت اسلامی بر خود را نشان دهد. این یکی از آسان‌ترین راه‌هاست.^۱

حاجی‌ای که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی، یا در بقیع، یا در زیارت شهدای احد و امثال اینها، در منا، در عرفات، رفتارش رفتار انسان مؤدب به آداب اسلامی است، ... اهل خشوع است، اهل تواضع است، اهل محبت است، اهل اهانت به این و آن نیست، اهل جمع است، نه اهل تفرقه...؛ یکی از بالاترین چیزهاست. شما زبان هم بلد نباشید، تماس هم نگیرید، همین قدر که معلوم است که شما زائر ایرانی هستید و این رفتار را دارید...، این می‌شود تبلیغ.^۲

۲. حج، ذخیره الهی برای تعالی معنوی امت اسلام

حج عمل و منسکی عبادی، سیاسی و جمعی است که در جای خود، از مهم‌ترین مظاهر اسلام شناخته می‌شود. در صورتی که هریک از ابعاد حج، به شکل صحیح بهره‌برداری شود، منافع زیادی را برای امت اسلامی در برخواهد داشت. به جرئت می‌توان گفت همین یک

۱. در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۲. همان.

تکلیف اسلامی اگر درست و چنان‌که شریعت اسلام خواسته است، انجام شود، امت اسلامی را به کمال انسانی و به جایگاه حقیقی خود خواهد رساند.

مقام معظم رهبری درباره این بعد از حج می‌فرماید: «فریضه حج با این وضعی که در اسلام مقرر شده است...، یک گنجینه عظیم، یک ذخیره تمام‌نشدنی و یک چشمه همیشه فیاض برای مسلمین است».^۱

ایشان وجه ذخیره بودن این فریضه الهی را این‌گونه بیان می‌کند:

در حج، هم دنیا برای مسلمانان است و هم آخرت؛ هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب هست... نهایتاً اینکه، حج مجمعی برای متحد کردن آراء و دل‌ها در زمینه‌های گوناگون است.^۲

رهبر در کلامی دیگر درباره ذخیره بودن حج برای مسلمانان و

ضرورت بهره برداری صحیح از این ذخیره می‌فرماید:

حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام، اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام - با این همه احتیاجی که دارد - از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد.^۳

ایشان استفاده درست و مناسب و شکرگزاری از این ذخیره و نعمت

۱. در دیدار کارگزاران و مسئولان حج، ۱۳۷۵/۱۲/۱۶.

۲. همان.

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۷۲/۲/۸.

الهی را به زائران بیت الله الحرام گوشزد می‌کند و می‌فرماید:

این جانب به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید، بگویم حج، نعمتی الهی است که بر نسل‌های مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می‌کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می‌گیرد که این، همان عذاب شدید الهی است که: ﴿وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱

رهبر معظم انقلاب، درباره چگونگی تزییع این ذخیره الهی و گرفته شدن آن از جهان اسلام می‌فرماید:

گرفته شدن حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی‌شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروه‌های بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره‌مند شوند.^۲

از دیدگاه رهبری، بهره‌گیری مناسب از نعمت الهی حج به این است که امت اسلام از منافع خاص آن برخوردار شود و همان‌طور که پروردگار عالم می‌فرماید: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾؛ «شاهد همه منافع حج باشند».

ایشان با اشاره به بخشی از منافع مورد انتظار می‌فرماید:

حج درست می‌تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه بت‌های درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوس‌های پست‌کننده و قدرت‌های اسیرکننده آدمی‌اند و نیز احساس قدرت و اعتماد به

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۱/۳/۱۳.

۲. همان.

نفس و رستگاری و خداکاری در آنان پدید آورد و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع ناپذیر می‌سازد.^۱

۳. تعظیم شعائر الهی

به برخی آداب اجتماعی که قدمت و اهمیت فراوان دارند، شعائر اجتماعی گفته می‌شوند. شعائر می‌توانند درون جامعه، یگانگی هنجاری ایجاد کنند و روح جمعی را بر روح فردی غلبه دهند. در ادیان آیینی، شعائر در کنار «مفاهیم دینی» و «احکام دینی»، جزئی از ارکان دین را تشکیل می‌دهند. در اسلام، شعائر به همه اعمال دینی و مراسم مذهبی گفته می‌شود که نشانه اطاعت از خداست.

شعائر، جمع «شعیره» به معنای علامت است که از «اشعار» به معنای اعلام گرفته شده است. شعائر، تمامی علامت‌هایی است که برای «طاعت» قرار داده شده است.^۲ شعائر، بر سه مفهوم اطلاق شده است: عبادات و مناسک؛ مکان عبادات و مناسک و زمان عبادات. در قرآن کریم، این اصطلاح در چند مورد به کار رفته است:

خداوند در سوره بقره، صفا و مروه را شعائر الله معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ» در سوره حج نیز «بُدْنَةَ»، شتر چاق و بزرگ قربانی را از شعائر معرفی می‌کند: «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» «و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم». (حج: ۳۶)

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۱/۳/۱۳.

۲. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۳۳.

در سوره مائده نیز خداوند سفارش می‌کند که شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمارید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر الهی در مراسم حج را محترم بشمرید و مخالفت با حدود الهی، را حلال ندانید». (مائده: ۲)

در سوره حج نیز خداوند، نتیجه تعظیم شعائر الهی را تقوای قلوب بیان می‌فرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ «[این گونه است مناسک حج] و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست». (حج: ۳۲)

در این آیات، حج و برخی مناسک آن به‌عنوان شعائر الهی معرفی و به مؤمنان سفارش شده است که حدود آنها حفظ شود و حفظ حدود و تعظیم آنها با تقوای قلب امکان‌پذیر است.

بزرگداشت شعائر الهی از آن رو اهمیت دارد که برخی شعائر و مناسک، با اصل و جوهره دین، ارتباط و تعامل و هماهنگی تنگاتنگی دارند. تحریف در حقیقت و جوهره و محتوای هر دین، به در هم شکستن قداست و اهمیت شعائر آن دین می‌انجامد. در مقابل، تهی شدن شعائر دینی از محتوای اصلی و اساسی هر دین نیز کلیت آن مکتب و مذهب را به صورت جدی زیر سؤال می‌برد. نسبت شعائر دینی با اصل دین، مانند نسبت شعاع نور خورشید به اصل خورشید است.

بزرگداشت شعائر حج، یا محتوای حقیقی شعائر اسلامی یا بعد اجتماعی حج را زنده می‌کند. از این رو، رهبر معظم انقلاب با اشاره به موضوع شعائر بودن حج و نقش آن در توحید، اخلاق و اثبات حاکمیت مطلق الهی می‌فرماید:

قرآن، اعمال حج را «شعائر» می‌نامد. این بدان معناست که اینها فقط عملی فردی و برای ادای تکلیفی شخصی نیست، بلکه نشانه‌ای است تا بر انگیزاننده شعور و معرفت انسان به چیزی باشد که این عمل، علامت و نشانه آن است. در ورای این نشانه‌ها، توحید قرار دارد؛ یعنی نفی همه قدرت‌هایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه اقتدار خویش گرفته‌اند و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمین.^۱

به فرموده رهبر معظم انقلاب، شعائر، علامت و نشانه‌اند و بر حقایقی دلالت دارند که تعظیم این نشانه در حقیقت تعظیم آن حقایق است. از دیدگاه ایشان، توحید ناب و دوری از هرگونه شرک و ریا و حاکمیت مقررات اسلامی، آن حقایق است.

حق امر این بود در نزد خرد و آن‌که تعظیم شعار الله کند پس خود آن باشد به تقوای قلوب که بود پاکیزه از نقص و عیوب یا مُزگی از فساد اعتقاد یا مبری از ضلال و ارتداد^۲ ابن عربی درباره شعائر الهی و لزوم بزرگداشت آن می‌نویسد:

شعائر الهی، همان نشانه‌های او هستند و نشانه‌های او نیز راه‌های رسیدن به پروردگار. هر شعیره‌ای از این شعائر، دلیل و راهنمایی به سوی خدا هستند، اما شعائر، گاهی دقیق و لطیف هستند، به گونه‌ای که گاهی تنها اهل نظر و دقت آن را در می‌یابند... در جهان هیچ چیزی وجود ندارد که شعائر الهی نباشد. زیرا هستی نشانه خدا و دلیل بر پروردگار است... پس تعظیم آنها نیز لازم است.

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۳/۲/۲۵.

۲. شرح جامع تفسیر عرفانی و منظوم قرآن، صفی علیشاه، ج ۶، ص ۲۷۸۵.

و شاعر، شاعر نیست، مگر برای کسی که نسبت به آن آگاهی یابد... .
به همین دلیل است که خداوند آیه شاعر را در حج آورد؛ زیرا در حج،
همواره مناسکی روی می‌دهد که نیاز به قصد و نیت و آگاهی دارد و
به هنگام قصد و آگاهی است که انسان، شاعر را در می‌یابد.^۱

۴. حج، عید مسلمانان

عید در اغلب فرهنگ‌ها به معنای شادی، فرح و خوشحالی است.
ریشه لغوی این واژه (عود)، یعنی بازگشت است. حال این بازگشت به
چه حقیقتی است که در همه فرهنگ‌ها سبب شادی و نشاط می‌شود؟
شاید بتوان گفت جامع‌ترین مرجع در بازگشت‌ها، بازگشت به فطرت و
حقیقت انسانی است. اگر انسان‌ها به فطرت خود بازگردند، احساس
نشاط و طراوت خواهند کرد، ولی این رابطه مفهومی با این واژه، کم‌کم
منسوخ شده و واژه عید، فقط نامی برای ایام خاص، بدون ارتباط با
بازگشت به فطرت انسانی و الهی است.

در اسلام، نام‌گذاری ایام خاص به‌عنوان عید، با توجه به این حقیقت
است که روز بازگشت انسان مسلمان به سوی حقیقت بندگی، روز عید او
خواهد بود؛ برای مثال، پس از یک ماه عبادت و بندگی خدا در ماه
رمضان، عید فرا می‌رسد؛ عید بندگی خدا. همچنین عید قربان، عید قربانی
کردن هوای نفس و سربریدن خودخواهی‌هاست. حج گزار پس از آنکه در
عرفات کسب عرفان می‌کند و در مشعر شعور می‌یابد، عید فرا می‌رسد.
امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از اعیاد فرمود:

۱. رحمة من الرحمان فی تفسیر و اشارات القرآن، ابن عربی، ج ۶، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصِي اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ.^۱

به تحقیق، این روز عید است برای کسی که خداوند روزه‌اش را پذیرفته و قیامش مورد سپاسگذاری قرار گرفته و هر روزی که خداوند در آن عصیان و نافرمانی نشود، آن روز عید است.

از این سخن حضرت نیز استفاده می‌شود که پس از بازگشت بنده به دایره بندگی پروردگار، عید فرا می‌رسد. از این رو، حج نیز که روی آوردن به بندگی خدا و شادمانی مسلمانان است، عید خواهد بود؛ چنان‌که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

این موسم به‌خاطر نزدیکی زمان حج، همه ساله موسم شادمانی ملت است. حج، برای امت اسلامی عید است و حادثه‌ای می‌باشد که از اول تا آخر آن، معنا و مضمون عید و خیرات و برکات در آن است؛ همچنان که در آیه مبارکه: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۲ آمده است، در این سفر و عبادت و اعمال پیچیده و مرکب و پرمعنا، منافع مادی و معنوی برای امت اسلام - به‌خصوص برای حجاج - مندرج و متضمن شده است. لذا وقتی نزدیک به این مراسم می‌شویم، همه مردم - چه آن کسانی که به این معنا توجه دارند و چه آنها که عازم سفرند و چه کسانی که مسافر دارند و چه آنهایی که با برکات حج آشنا هستند، همگی حقیقتاً احساس شادمانی می‌کنند.^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.

۲. حج: ۲۸.

۳. دیدار با نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج، ۱۳۷۵/۱/۱۵.

مقام معظم رهبری در یکی دیگر از پیام‌های خود به زائران بیت الله الحرام با اشاره به آیه شریف «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ»؛ «[به‌خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت قرار دادیم»، به فلسفه عید بودن حج و بازگشت امت اسلامی به فضای عبودیت و بندگی پروردگار اشاره می‌کند. رهبر معظم انقلاب، فلسفه عید بودن حج را چنین معرفی می‌کند:

این روزها بار دیگر خانه خدا میزبان خیل عظیم دل‌های پرشور و شوقی است که از سراسر جهان، در آن کعبه امید گرد آمده‌اند. میلیون‌هایی که در سایه عبودیت خالص حضرت احدیت، احساس وحدت و جمعیت می‌کنند؛ چشم‌هایی که با گلاب اشک خود قدمگاه پیامبر عظیم‌الشأن و اولیای خدا را شست‌وشو می‌دهند؛ جان‌هایی که در پرتو معنویت بیت الله الحرام و حریم تربت مصطفوی صلی الله علیه و آله نورانیت و صفا می‌یابند؛ دست‌های به دعا برافراشته‌ای که قافله نیاز و حاجت را روانه درگاه بی‌نیاز می‌کنند.

آری، این روزها برای جهان اسلام و امت اسلامی روزهای عید و روزهای میعاد است و به‌جاست که مسلمین در همه جای گیتی و به‌ویژه حجاج بیت الله الحرام، ساعت‌ها و لحظه‌های آن را برای تعبد و تعقل، مغتنم بشمارند.^۲

۵. معنویت‌افزایی در کشور

از آثار مهم حج، ایجاد فضای معنوی در کشور است. کسانی که توفیق تشرف به سرزمین وحی پیدا می‌کنند و از زمزم معرفت حج

۱. بقره: ۱۲۵.

۲. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۱/۲۱.

محمدی علیه السلام بهره‌مند می‌شوند و فیض پروردگار را بی‌واسطه درک می‌کنند، با احرام بستن، هم‌رنگ فرشتگان می‌شوند و برگرد خانه خدا می‌گردند و چون فرشتگان، از فیض حضور بهره می‌برند.

تأثیر دیگر حج بر فضای معنوی کشور این است که از زمانی که جنب و جوش حج در کشور شروع می‌شود، بر فضای معنوی کشور نیز تأثیر خاصی می‌گذارد. حج نیز مانند ماه رمضان است؛ همان‌گونه که بر روزه‌داران تأثیر ویژه دارد، بر فضای معنوی جامعه نیز اثر می‌گذارد و صفا و صمیمیت را در میان مردم بیشتر می‌کند. همچنین مردم را برای احسان به هم‌نوعان و دستگیری از نیازمندان آماده‌تر می‌سازد. نزدیک شدن زمان حج نیز یک تأثیر معنوی بر فضای عمومی جامعه می‌گذارد؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می‌کند. الآن فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنوی‌تر شدن است. وقتی حجاج برمی‌گردند، باز باری از معنویت با خود می‌آورند.^۱

این بخش از آثار حج در سخنان رهبری، برگرفته از آموزه‌های دینی است. پیش از حج، کسانی که قصد تشریف دارند، در صدد حلالیت خواستن از دوستان و بستگان برمی‌آیند و کدورت‌های گذشته را کنار می‌گذارند و جمع زیادی در فامیل با هم مراوده و رفت و آمد می‌کنند. هنگام بازگشت نیز با بازدید و دیدار از حاجی و نقل خاطرات زیبای حج، فضای دلپذیری در فامیل به‌وجود می‌آید. از این‌رو، در روایت‌های

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

معصومین علیهم السلام سفارش شده است که مسافر خانه خدا، پیش از سفر، از دوستان و بستگان خود حلالیت بخواهد و آنان را از سفر خود آگاه سازد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ أُخُوَانَهُ»؛ «شایسته است مسلمانی که قصد سفر دارد، برادران خود را آگاه کند». طبیعی است که صرف گفتن اینکه من به سفر می روم، مطلوب اصلی و نهایی نیست، بلکه مسافر خانه خدا باید با این ابلاغ، با دیگران خداحافظی و از آنان حلالیت خواهی کند. همچنین، هنگام بازگشت زائر از حج سفارش شده که به دیدار او بروند. امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

هرگاه حج گزار را دیدار کردی، به او سلام بده و با او مصافحه کن و بخواه که پیش از آنکه وارد خانه اش شود، برای تو آمرزش بخواهد، زیرا خود او آمرزیده است.^۲

۶. شرکت در نماز جماعت

فرق گوناگون مسلمانان جهان، با ملیت‌ها و مذاهب گوناگون، در حج اجتماع می کنند. این فرقه‌ها در اصول و مبادی دینی مشترکند، اگرچه در فروع و آداب و سنن با هم اختلاف دارند. وجود اختلاف در فروع، نباید باعث جدایی مسلمانان از یکدیگر شود و برخی از مسلمانان، برخی دیگر را تکفیر کنند. متأسفانه عده‌ای متحجر و تندرو، به این اختلاف‌ها دامن می زنند و مسلمانان را نسبت به یکدیگر بی اعتماد می کنند. در چنین فضایی، زائران ایرانی

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۱۲۵.

۲. حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۹۱.

و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، باید در رعایت اخلاق و آداب معاشرت و عمل به احکام دین و سیره معصومین علیهم‌السلام بهترین خط مشی را پیشه خود کنند.

خوشبختانه سیره اهل بیت، وظیفه پیروان خود را مشخص کرده است و امامان معصوم علیهم‌السلام توصیه‌های حکیمانه لازم را درباره چگونگی انجام وظایف و رعایت اخلاق و آداب در جمع مخالفان بیان کرده‌اند.

یکی از دستوره‌ای معصومین علیهم‌السلام به پیروان خود، شرکت در جماعت اهل سنت و نماز خواندن با آنان است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ^۱

کسی که با اهل سنت در صف اول نماز بخواند، مانند کسی است که پشت سر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز خوانده است.

حضور در نماز جماعت اهل سنت به‌ویژه در سرزمین وحی و در ایام حج و عمره، از وظایف جدی زائران ایرانی است. در فضایی که عده‌ای انسان متعصب و متحجر می‌کوشند چهره شیعه را مخدوش جلوه دهند، ترک مسجد الحرام و مسجد النبی هنگام نماز، بدترین تأثیر را در برداشت دیگر مسلمانان از شیعه خواهد داشت. از این رو، یکی از سفارش‌های امام خمینی ره و رهبر معظم انقلاب به زائران بیت الله الحرام به تبع روایات معصومین علیهم‌السلام شرکت در نمازهای جماعت است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در یکی از بیاناتشان می‌فرماید:

این قدر ما در روایات، در ثواب شرکت در نماز جماعت اهل سنت در زمان ائمه علیهم‌السلام داریم. روایت دارد که در مسجد الحرام پشت سر

۱. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۰.

اینها نماز بخوانید، مثل اینکه پشت سر پیغمبر نماز خوانده‌اید. این معنایش چیست؟ معلوم است... امام صادق علیه السلام نماز آن امام جماعت را با نماز پیامبر مقایسه نمی‌کند. مقایسه با نماز یک پیرو خودش هم نمی‌کند، اما می‌گوید پشت سر او نماز بخوانید... این نمایش وحدت است. عملاً وحدت را نشان بدهید. روی همین فکر بود که امام بزرگوار به همه حاجی‌های ایرانی، توصیه کرد که در نماز جماعت‌ها در مسجدالحرام، در مسجدالنبی شرکت کنید، در این اجتماعات حضور داشته باشید... این جور نباشد که وقت نماز جماعت که همه مشغول نمازند، چشم کسی بیفتد به یک زائر ایرانی که مشغول حمل بار... به سمت مسافرخانه خود است.^۱

در سیره و سخنان معصومین علیهم السلام، حفظ عزت شیعه و مصلحت عموم مسلمانان، اصلی اساسی است. شیعیان نباید در میان اهل سنت اقدام به کارهایی کنند که انگشت‌نما شوند. باید در اجتماعات آنها شرکت کنند و با آنها مراد داشته باشند. عبدالله بن سنان می‌گوید، از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَابِكُمْ فَتَذِلُّوا إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ ثُمَّ قَالَ علیه السلام عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَاحْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ وَأَشْهَدُوا لَهُمْ وَعَالَيْهِمْ وَصَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ...^۲

شما را سفارش می‌کنم به تقوای خداوند و اینکه مردم را بر دوش

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۸، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

خود مسلط نکنید که خوار و ذلیل شوید. خداوند بزرگ می‌فرماید: «با مردم به نیکی سخن بگویید». سپس فرمود: از بیمارانشان عیادت کنید، در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید، به نفع یا ضرر آنها (آنچه حق است) گواهی دهید و با آنها در مسجدهایشان نماز بخوانید... .

بنابراین، در میان جمع میلیونی زائران مسلمان جهان و در اوضاع و احوال کنونی، شیعه باید بیشتر از هر زمان، در معاشرت‌ها چهره‌ای محبوب و زیبا از خود نشان دهد و اعمال و مناسک را به نیکوترین وجه و نظم به پایان برد. همچنین، با رفتار پسندیده خود در جمع دیگر زائران، شیعه و جمهوری اسلامی را به بهترین شکل معرفی کند.

فصل ششم

آسیب‌های اخلاقی در حج

درآمد

در مباحث گذشته به نمونه‌هایی از آثار و ابعاد حیاتی اسرار و اخلاق حج از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره کردیم. حج، کنگره‌ای عظیم، با شور و حرارت ایجاد می‌کند که می‌تواند چشم‌ها را خیره و گوش‌ها را پرسازد و دل‌ها را به وجد و سرور و بهجت آورد. این نیروی الهی و این هدیه عزت‌آفرین، از درون و بیرون دچار آسیب‌هایی شده است که این نیروی متراکم را ضعیف می‌کند و برداشت صحیحی از آن نمی‌شود.

یکی از آسیب‌های بیرونی این است که نقشه‌های شوم دشمنان اسلام سبب شده است مسلمانان در این اجتماع عظیم، بدون اینکه تفاهم و همدلی میانشان حاصل شود، مراسم حج را به‌جا آورند. آنها بدون اینکه از نقشه‌های خائنانه‌ای که برای آنها طراحی کرده‌اند، مطلع شوند، با یکدیگر روبه‌رو شده و با دل‌های رمیده و احیاناً سوء ظن به یکدیگر، از هم جدا و به کشورهای خود باز می‌گردند.

در بعد درونی نیز آسیب‌هایی در انگیزه‌های برخی حج‌گزاران نفوذ کرده که حج را حتی در بعد فردی نیز کم‌تأثیر کرده است؛ به همین دلیل، رسول خدا ﷺ نسبت به وضع حج در آخرالزمان نگران بود. عبدالله بن عباس می‌گوید: رسول خدا ﷺ در حجة الوداع در کعبه را گرفت و در حالی که رو به مردم ایستاده بود، فرمود:

روزگاری می‌آید که قدرت ایمان در مسلمانان، رو به ضعف و کاهش می‌گذارد؛ هوا به جای خدا در دل‌ها حاکم می‌شود؛ دنیا منتهای آمال و آرزوها می‌گردد... . عالی‌ترین شعار الهی (حج خانه خدا) که بهترین وسیله هدایت انسان به سوی معنویت و روحانیت و خلع لباس دنیادوستی از جان آدمی است، صورت دیگر به خود می‌گیرد و ثروتمندان امت، برای تفریح و تفرج و متوسطان آنان، برای خرید و فروش و تجارت و فقرا و مستمندان برای کسب آوازه و شهرت به مکه می‌روند.^۱

این انگیزه‌های غیر الهی، از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب برای حج‌گزاران بوده و در مناسبت‌های گوناگون، برای پیشگیری و درمان این معضل، به مسئولان و کارگزاران حج هشدار داده است. رهبر انقلاب، مسئولان حج را برای آماده‌سازی بستری مناسب برای هدایت حج به سوی معنویت بیشتر و دورماندن از آسیب‌های تهدیدکننده، راهنمایی کرده است. همچنین، حج‌گزاران را از خواهش‌های بی‌ارزش مادی و زودگذر باز داشته و به پرداختن به امور ارزشمند و ماندگار و تحصیل انگیزه‌های الهی توصیه کرده است. در این فصل به برخی آسیب‌ها که رهبر معظم انقلاب به آنها اشاره کرده است، می‌پردازیم:

۱. توجه به مادیات

آن‌گاه که بر پای مرغ روح انسان، سنگ تعلقات باشد، از پرواز در ملکوت ناتوان است؛ چنان‌که اگر بر پای مرغی سنگ بسته باشند، توان پرواز نخواهد داشت.

۱. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۶.

مادیات، بزرگ‌ترین عامل دلبستگی و زمین‌گیر شدن روح انسان است. هر چه توجه به آنها بیشتر باشد، پرواز به سوی ملکوت سخت‌تر خواهد بود. از این رو، حاجی باید خود را از تعلقات مادی آزاد کند و لباسی را که عمری با آن انس گرفته، از تن در آورد تا تعلق دیرینه او به بخشی از مادیات، قطع شود و زمینه برای واگذاری تعلقات اساسی‌تر و شیرین‌تر برای نفس فراهم شود.

بر اوج فلک، چون پرد جرّه باز؟ که در شهرش بسته‌ای سنگ آرز
گرش دامن از چنگ شهوت رها کنی، رفت تا سدرۃ المنتهی
تعلق حجاب است و بی‌حاصلی جو پیوندها بگسلی واصلی^۱
یکی از آسیب‌های موجود در عرصه حج و موانع در بهره‌گیری از
آثار پربرکت حج و آموزه‌های انسان‌ساز آن، توجه به مادیات است.

سرگرم شدن به تعلقات پوچ و بی‌ارزش و سرگرمی‌های معمولی
دنوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است. در چنین شرایطی، حاجی
پول خود را خرج و عمر خود را صرف می‌کند، از جسم و جان خود مایه
می‌گذارد و آن‌گاه دست‌خالی باز می‌گردد. دست‌خالی برگشتن از حج،
یعنی محروم بودن از بازسازی اخلاقی، عبرت‌گیری و بهره‌مندی معنوی.^۲

رهبر معظم انقلاب، توجه به مادیات را با روح حج ابراهیمی منافی
می‌داند و از دست‌اندرکاران حج می‌خواهد با این پدیده که جاذبه
مغناطیسی حج را خنثا می‌کند، مقابله فرهنگی کنند. ایشان می‌فرماید:

۱. بوستان سعدی، باب ۳، ص ۲۹۲.

۲. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۷/۱۱/۲۸.

باید آن جاذبه و مغناطیس حقیقتاً عظیم معنوی، یعنی کعبه مکرمه و قبر مقدس نبی مکرم و قبور ائمه علیهم‌السلام و بقیه آیات معنویتی که در آنجا هست، در قبال مغناطیس مادی، یعنی همسین زرق و برق‌ها، همسین بازارها و همسین سرگرمی‌های گوناگون که آنها را از آن هدف والا منصرف می‌کند و این یکی از گرفتاری‌های ماست، دل‌ها را جذب کند. هرچه دل مردم را از آن معنویت‌ها منصرف و متوجه به جنبه مادی کند، آفت حج است و اخلال در حج ابراهیمی است. باید به فکر علاجش باشیم. برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، مجریان و مدیران حج، باید این را محطّ فکر خودشان قرار بدهند.^۱

ایشان یکی از اهداف کارهای تبلیغی در حج را پررنگ کردن جذابیت‌های حج و سرزمین وحی معرفی می‌کند و غفلت از این امر و توجه به مادیات را خسارتی جبران‌ناپذیر می‌داند و می‌فرماید:

ما می‌خواهیم حاجی ما و مجموعه حجاج ما بر روی ملت‌های مسلمان و امت اسلامی اثر بگذارند. این همه کار تبلیغی و فرهنگی که انجام می‌گیرد، بخش عمده‌اش به این منظور است. آن وقت، اگر از مرد حاجی، زن حاجی، پیر و جوان حاجی در مکه و مدینه - در آن جایی که از لحاظ معنویت و جذابیت معنوی، در همه روی زمین نظیری ندارد - غافل شدیم و در آنجا، حاجی مشغول شد به مسائل مادی کم ارزش، خسارت است.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برای یکی از یارانش نامه‌ای نوشت و او را

این‌گونه موعظه کرد:

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۴/۹/۱۶.

۲. همان.

فَأَرْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعَمِّي وَيُصِمُّ وَيُكْمِمْ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ...^۱

ترک دنیا کن! به درستی که دوستی دنیا کور و کر و گنگ، و انسان را دچار ذلت و خواری می‌کند.

انسانی که متوجه علایق دنیایی شد، حقایق اطراف خود را نمی‌بیند و سخن حق را نمی‌شنود و اگر بشنود، برای او قابل درک نیست. در نتیجه، از بسیاری برکات و فیوضات محروم می‌شود. چنین فردی حتی اگر در فضای معنوی سرزمین وحی و مسجدالنبی و مسجدالحرام هم قرار گیرد، توفیق استفاده از چنین فضایی را پیدا نمی‌کند و به دنبال مادیات می‌رود، غذای بهتر، هتل بهتر، جنس ارزان‌تر و اموری مانند آن. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعِدُونَ فِيهَا حَلَقًا
ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ.^۲

در آخرالزمان زمانی می‌رسد که مردمی از امت من، به مسجد می‌روند و در آن حلقه‌ها تشکیل می‌دهند، درحالی که به یاد دنیا و دوستی دنیا هستند. با آنان همنشینی نکنید و خداوند به آنها نیازی ندارد.

۲. بازار گردی

از دیگر آسیب‌ها و موانع موجود در عرصه حج که بهره‌برداری از آثار ارزشمند حج را کم و گاهی بسیار ناچیز می‌کند، عادت نادرست بازارگردی برخی از زائران است.

این شیوه نادرست رفتاری از چندین جنبه، عوارض نامطلوبی را برجای

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۴۲۸.

می‌گذارد. اول اینکه هر ساله، بخشی از ارز کشور خارج، و در جیب شرکت‌های چند ملیتی ریخته می‌شود که اجناس بی‌کیفیت خود را وارد بازار عربستان می‌کنند و سود زیادی از این طریق عاید آنها می‌شود. جنبه دوم اینکه ساعت‌های بسیاری از بهترین فرصت‌های زائران که می‌توانند بهترین استفاده‌های معنوی را از آن ببرند، صرف سرگردانی در فروشگاه‌ها و بازارهای مکه و مدینه می‌شود. جنبه سوم وجه نامطلوبی است که زائر ایرانی و جمهوری اسلامی از خود در میان دیگر زائران کشورهای اسلامی برجا می‌گذارد که از مخرب‌ترین عوارض این رفتار نادرست است.

با توجه به این آثار نامطلوب، رهبر معظم انقلاب، این موضوع را در پیام‌ها و دیدارهای خود با سیاست‌گذاران حج یادآور شده و حج‌گزاران و عمره‌گزاران را به پرهیز از این شیوه نادرست توصیه کرده و فرموده است: انسان گاهی خیلی متأسف می‌شود که بعضی به آنجا بروند و دنبال کالاهایی بگردند که این کالاها را همه‌جا می‌شود پیدا کرد. بعضی عمر و پول و آبرو و وقت عزیزشان را صرف می‌کنند تا به بازارهای گوناگون بروند و این کالاها را بیاورند. اینها کالاهای معمولی زندگی است و همه‌جا وجود دارد. در آنجا کالایی هست که در هیچ جای دیگر نیست؛ کالای رضای الهی، زیارت خانه خدا، زیارت قبر مطهر پیغمبر، این کجا دیگر پیدا می‌شود؟^۱

ایشان با اشاره به جایگاه مناسک حج و مقایسه آنچه زائران در نتیجه بازارگردی از دست می‌دهند با آنچه به دست می‌آورند، به بخشی از عوارض این بازارگردی‌ها می‌پردازد و می‌فرماید:

۱. در دیدار با کارگزاران مراسم حج، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

این طواف، این سعی، این وقوف، این حالت خضوع و خشوع، این رعایت محرمات و ممنوعات دوران احرام، هر کدام از اینها یک درس است. این را حجاج محترم ما و برادران و خواهران عزیز ما با وارد کردن انگیزه‌های کوچک دنیایی باطل نکنند؛ مثل همین خریدن جنسی از فلان مغازه. خود این مبتلا شدن به مراجعه به مراکز فروش برای یک چیز کم اهمیت، یک بلا و یک مشکل است و ملبساتی که دارد، مشکل دیگر. وقت نماز بگذرد، جلوی چشم مردم، تحقیر و توهین حاجی ایرانی محسوب بشود و چیزهای دیگری که در خلال این، در کنار این، پیش می‌آید. اینکه من هر سال این را تأکید می‌کنم به دست‌اندرکاران حج و توصیه می‌کنم به برادران و خواهران حاجی، برای این است. یک هوس کم اهمیت و حقیر، کل آن فضای معنوی را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد.^۱

۳. خوش‌گذرانی

از دیگر آسیب‌های منافی با اهداف، آثار و روح حج، داشتن انگیزه‌های کوتاه و زودگذر مادی در حج است. ممکن است برخی حج و سفر به سرزمین وحی را، سفری تفریحی مانند دیگر سفرهای تفریحی تصور کنند؛ به‌ویژه امروزه که هم مشکلات سفر به حج مرتفع شده و هم سرزمین مکه از آن حالت خشک و بی‌آب و علف خارج شده و همه امکانات رفاهی فراهم است. حج عبادتی است که باید از آغاز تا پایان، با انگیزه الهی صورت گیرد و برای تربیت نفس، باید بعضی سختی‌ها را به‌طور اختیاری تحمل کرد. نه سرزمین مکه سرزمین خوش‌گذرانی است

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۶/۸/۲۳.

و نه حج، عمل راحت‌طلبانه. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

سفر حج اصلاً برای خوش‌گذرانی معین نشده است. شما به احکام حج نگاه کنید و مستحبات و مکروهات آن را در هنگام احرام که مدت اصلی اقامت حج، همین دوران احرام است... و همچنین در هنگام احرام عمره ببینید که چگونه التذاذ به لذات در انواع مختلفش و در قالب احکام گوناگون، ممنوع شده: بوی خوش استعمال نکنید! از کنار بوی بد که گذشتید، بینی‌تان را نگیرید! وسایل زینت را به کار نبرید! لباس‌های گوناگون که مایه تفاخر است، نپوشید.^۱

اگرچه در اسلام رهبانیت وجود ندارد، ولی می‌توان گفت جهاد و حج، رهبانیت امت اسلام است. عثمان بن مظعون می‌گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: «نفسم به من امر می‌کند که رهبانیت پیشه کنم». حضرت فرمود: «این امر را رها کن رهبانیت امت من جهاد و حج است».^۲

روح حج، رهبانیت و پرهیز از خوش‌گذرانی و راحت‌طلبی و اسراف در مصرف مواد غذایی است. حاجی در حج نباید به دنبال غذای بهتر، محل خواب و استراحت مجلل باشد؛ باید با سختی‌ها انس بگیرد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

من این پذیرایی‌های مبالغه‌آمیزی را که در حج می‌شود، درست نمی‌فهمم. غالباً به ما گزارش می‌شود که در حج، غذاهایی توزیع می‌شود که مردم غالباً در خانه‌ها و در زندگی‌هایشان، چنین غذاهایی گیرشان نمی‌آید. حج، این جوری نیست. حج، جای خوش‌گذرانی و خوردن صرف نیست. حج، یک سفر معنوی و یک

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۴/۹/۱۶.

۲. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

هجرت الی الله است... حج با سفر به فلان نقطه تفریحگاه یا فلان

کشور برای تفریح یا تجارت فرق دارد.^۱

انسانی که طعم شیرین زهد، ساده‌زیستی و تحمل سختی‌ها را نچشیده و هنوز موفق نشده صفای یک زندگی ساده و به دور از تکلف و اشرافی‌گری را دریابد، در حج می‌تواند این تجربه شیرین را درک کند. این تجربه در سرزمین عرفات و صحرای مشعر محسوس‌تر است و حاجی باید خود را آماده کند که در بالاترین مرحله از زهد و سادگی، عرفه را به غروب و شب مشعر را خانه به دوش، به صبح برساند که این ترک لذت نیز عالمی دارد.

اگر لذتِ ترک لذتِ بدانی دگر لذتِ نفس، لذتِ ندانی شهیده بنت الهدی صدر در خاطرات خود در حج، از عرفات این‌گونه یاد می‌کند که برخی افراد نازپرورده، هنگامی که به عرفات وارد شدند، انتظار داشتند فرش و زیرانداز و وسیله آسایش و رفاه برای آنان آماده باشد. وقتی با سادگی اوضاع روبه‌رو شدند، فریاد اعتراض بلند کردند. او می‌نویسد:

ماشین، کنار یکی از خیابان‌ها ایستاده و پیاده شدیم. در یک دست، ساکی که درونش جامه‌های احتیاطی احرام، سجاده، قرآن و کتاب دعا بود، در دست دیگر آفتابه‌ای خالی برای تهیه آب. پشت سر راهنما راه افتادیم، از پیچ و خم چادرها گذشتیم تا به چادر خودمان رسیدیم. چادر فرشی نداشت، به همین دلیل سر و صداها پیرامون ما برخاست که: این چیست؟ چگونه بنشینیم، چگونه بخوابیم...^۲

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۴/۹/۱۶.

۲. میقات حج، ش ۱۰، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

رهبر معظم انقلاب در تبیین این آسیب و در عین حال فراهم آوردن امکانات لازم برای بهره‌برداری معنوی زائران می‌فرماید:

حج جایی است که باید هرچه ممکن است، انسان از انگیزه‌های دنیوی و مادی جدا شود. البته ما نمی‌خواهیم سفارش کنیم که به حجاج آنجا گرسنگی بدهید یا جای بد بدهید، نه. پذیرایی از حجاج و مسکن و غذا و تأمین آسایش جسمانی‌شان که بتوانند به مسائل معنوی پردازند، خود این یکی از کارهای مهم است. این را ما نفی نمی‌کنیم، اما این انگیزه‌های مادی را تا آنجایی که ممکن است، باید از دل‌ها خارج کرد.^۱

۴. افراط در خرید سوغات

از راه‌های برقراری روابط اجتماعی و ایجاد مهر و محبت میان افراد جامعه، هدیه دادن و آوردن سوغاتی از سفر برای خانواده و دوستان است. هدیه و سوغات سبب جلب دوستی می‌شود. از این‌رو، اولیای دین بر آن سفارش کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «تَهَادُوا، تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ»^۲؛ «به یکدیگر هدیه دهید تا نسبت به هم با محبت شوید؛ زیرا هدیه کینه‌ها را از بین می‌برد». حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «الْهَدِيَّةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ»^۳؛ «هدیه، سبب جلب محبت می‌شود».

در حدیثی دیگر حضرت علی علیه السلام هدیه دادن را از صدقه دادن محبوب‌تر و پسندیده‌تر می‌شمارد و می‌فرماید:

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۵/۹/۱.

۲. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۷.

۳. غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۹.

لَا أَنْ أُهْدِيَ لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَنْفَعُهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا.^۱

اگر به برادر مسلمان خود هدیه‌ای دهم که به کارش آید، خوش‌تر

است نزد من از اینکه مانند آن هدیه را صدقه دهم.

گاه سنت پسندیده هدیه دادن و سوغات آوردن، به آسیب و معضل

فردی و اجتماعی تبدیل می‌شود. برای مثال، هدیه وسیله‌ای برای تفاخر

و چشم و هم‌چشمی می‌شود یا هدایایی مرسوم می‌شود که از توان هدیه

دهندگان خارج است و با ارزش‌های اخلاقی تناسب ندارد.

یکی از آسیب‌های مرتبط با هدیه و سوغات، افراط در خرید سوغات

در عرصه حج و زیارت است. برخی از زائران، بی‌توجه به عوارض

نامطلوب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افراط در این کار، به خرید افراطی

سوغات از بازارهای عربستان می‌پردازند و تصویر نامطلوبی از زائر

ایرانی در اذهان زائران دیگر کشورها برجای می‌گذارند. افزون بر این،

عوارض فرهنگی و اقتصادی این کار نیز کمتر از دیگر عوارض آن

نیست. رهبر معظم انقلاب، بارها در سخنان و پیام‌های خود به کنگره

حج و حاجیان، این موضوع را تذکر داده و برای حل آن راه‌هایی را

پیشنهاد کرده است. ایشان در نکوهش این رفتار نادرست می‌فرماید:

اگر از مرد حاجی، زن حاجی، پیر و جوان حاجی در مکه و مدینه

– در آنجایی که از لحاظ معنویت و جذابیت معنوی، در همه روی

زمین نظیری ندارد – غافل شدیم و در آنجا، حاجی مشغول شد به

مسائل مادی کم ارزش، خسارت است... . بحث این نیست که وقتی

یک نفر به مسافرت می‌رود، هدیه‌ای برای اهل و اولاد خودش

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴.

نیابرد، مسئله، غرق شدن، مجذوب شدن، این کار را جزو هدف‌ها قرار دادن یا هدف قرار گرفتن به صورت قهری [است]؛ آنچه الآن اتفاق افتاده است.^۱

ایشان به حاجیان و کارگزاران حج توصیه می‌کند این شیوه نامناسب را ترک کنند.

این انگیزه بازارگردی و سوغات خری... را باید کم کرد؛ نگاه به حج به صورت یک سفر گردش‌گری یا خدای نکرده با یک اهداف دیگر که قابل ذکر هم نیست... باید در حج - چه در حاجی، چه در همراه، چه در کارگزار - دور شود.^۲

الف) چگونگی خرید سوغات داخلی

افراط در خرید سوغات، عوارض اقتصادی در پی دارد و موجب خروج بخش زیادی از ارز از کشور و تقویت اقتصاد دیگران و تضعیف تولید و اقتصاد داخلی است. رهبر معظم انقلاب با توجه به آسیب‌های فرهنگی و اقتصادی افراط در خرید سوغات می‌فرماید:

من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی‌ها چرا؛ خیلی بد است. یک عده‌ای عطش بازارگردی دارند. اینها ملت شما را، مردم شما را سبک می‌کند؛ حیف است. می‌روند یک جنس‌هایی را می‌خرند، غالباً هم جنس‌های بی‌کیفیت از کشورهای دور دست سودجو که با همان کمپانی‌های داخلی آن کشور میزبان بند و بست دارند. برای حجاج جنس بدلی و بی‌کیفیت درست می‌کنند، می‌آورند توی این بازارها می‌ریزند، شما هم می‌روید این ارز

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۴/۹/۱۶.

۲. همان، ۱۳۸۵/۹/۱.

خودتان را و عرض خودتان را می‌ریزید برای اینکه این کالاهای بی‌کیفیت را خریداری کنید.^۱

ایشان با تشویق زائران به خرید سوغات از محصولات داخلی و تقدیر از زائرانی که سوغات خود را از تولیدات داخلی تهیه می‌کنند، می‌فرماید:

امروز در کشور ما خوشبختانه کالاهای داخلی با کیفیت خوب، متنوع، زیبا، ساخته شده دست و کارگر ایرانی - برادر خودتان - فراوان است. بعضی‌ها قبل از اینکه سفر مکه بروند، سوغاتی‌های سفر را در اینجا می‌خرند. کار خوبی است. نگه می‌دارند، بعد که برگشتند، همان‌هایی را که در بازار شهر خودشان تهیه کرده‌اند، به‌عنوان سوغاتی می‌دهند. هدیه سفر است... این کار، خیلی کار خوبی است.^۲

(ب) تناسب نداشتن سوغات با اماکن زیارتی

از دیگر مشکلات هدیه و سوغات در عرصه زیارت، بیگانگی و تناسب نداشتن سوغاتی‌های خریداری شده، با اماکن زیارتی است. اشیاء و وسایلی که در بازارهای عربستان عرضه می‌شوند، ساخت چین، کره و تایلند هستند و حتی ساخت کشورهای مسلمان هم نیستند. بنابراین، میان وسایل ساخته شده به دست غیرمسلمانان، با مسجدالحرام و مسجدالنبی چه تناسبی وجود دارد؟ سوغات سفرهای زیارتی به‌ویژه حج، باید تداعی‌کننده یاد و خاطره آن مکان‌های مقدس باشد و گیرنده هدیه و سوغات را به فضای معنوی سرزمین وحی ببرد. رهبر معظم انقلاب در اشکال به این‌گونه سوغاتی‌ها می‌فرماید:

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

۲. همان.

بعضی‌ها به‌عنوان چیز متبرک، از آنجا سوغاتی می‌آورند؛ تبرکی ندارد... ما در اسلام همه چیز داریم. نظام اسلامی در درون خود همه چیز دارد. این کالاهای مادی است، کالاهای معنوی هم داریم.^۱ یکی از هدایای معنوی سرزمین وحی، آب زمزم است که برای هدیه آوردن بسیار مناسب است و گیرندگان را نیز خوشحال می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمانی که در مدینه حضور داشتند، از کسانی که به مکه می‌رفتند، آب زمزم را به‌عنوان هدیه طلب می‌کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ يَسْتَهْدِي مَاءَ زَمَزَمٍ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ.^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن زمان که در مدینه می‌زیست، آب زمزم را به رسم هدیه طلب می‌کرد (یعنی به کسانی که به مکه می‌رفتند می‌فرمود: آب زمزم برای ما بیاورید).

متأسفانه جای آب زمزم در میان سوغاتی‌های زائران خالی است. سوغاتی که از آن مکه و یادآور هاجر و اسماعیل و به فرموده معصومین علیهم السلام بر هر دردی دواست.^۳

۵. غفلت

از آسیب‌های خطرناکی که ممکن است دامن‌گیر فرد یا جامعه شود و او را از سعادت و کمال باز دارد، «غفلت» است. غفلت در لغت به معنای پوشیده و مخفی بودن است.^۴ «رَجُلٌ غَفْلٌ» به انسان ناشناخته و کسی که

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

۲. المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۴.

۳. طب الائمه علیهم السلام، ص ۵۲.

۴. لسان العرب، مادة غَفْلٌ، ج ۱۵، ص ۲۵۹.

حسب و نسب او مجهول است، گفته می‌شود.^۱

این واژه در معنایی دیگر نیز به کار رفته و آن زمانی است که مطلبی به دلیل غفلت، برانسان پوشیده و از ذهن انسان رفته است. بنابراین، «غفلت» به سهو و لغزشی گفته شده است که انسان به دلیل کمی مراقبت و هوشیاری دچار آن می‌شود.^۲

غفلت با توجه به متعلق آن، می‌تواند آسیب‌های متفاوتی بر جای گذارد. غفلت از یاد خدا «اضر الاعداء» نامیده شده است. غفلت از خود، مسئولیت خود و اهداف، پیامدهای منفی گوناگونی خواهد داشت تا جایی که انسان را کشته غفلت خود می‌دانند. رهبر معظم انقلاب درباره عوارض غفلت می‌گوید:

آدمی در میدان‌های گوناگون زندگی، قربانی غفلت خویش است. هر جا غفلت هست، انهدام اخلاقی و انحراف فکری و هزیمت روحی نیز هست و همین ضایعات است که به نوبه خود می‌تواند علاوه بر اضمحلال شخصیت افراد انسان، شکست ملت‌ها و فروپاشی تمدن‌ها را نیز پدید آورد.^۳

ایشان نتیجه غفلت امت اسلامی از خویش را موجب عقب‌ماندگی‌های گوناگون معرفی می‌کند و در این باره می‌فرماید:

حقیقت آن است که امت اسلامی دورانی دراز در غفلت از خویش گذرانیده است. عقب‌ماندگی علمی و عملی و فرودست ماندن در

۱. همان، ج ۱۱، ص ۴۹۹.

۲. مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۰۹.

۳. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

میدان سیاست و صنعت و اقتصاد، محصول تلخ آن غفلت‌هاست... .
 امت اسلامی باید غفلت‌های گذشته خود را جبران کند.^۱
 برخی غفلت‌ها که ممکن است حاجی را درگیر کند، عبارت است از:

الف) غفلت از روح حج

از آسیب‌های جدی در حج، غفلت از روح حج و اسرار فردی و اجتماعی آن و محو شدن در ظواهر و غافل شدن از اهداف بلند اخلاقی و تربیتی آن است. علمای اخلاق و کسانی که مراتب سیر انسانی را بررسی کرده‌اند، مانند اربابان سیر و سلوک و عرفان، منزل اول از منازل سیر و سلوک انسان را «یقظه» می‌دانند که به معنای بیداری و هوشیاری است.
 در قرآن کریم، آیات بسیاری بر این نکته دلالت می‌کنند که ریشه بدبختی و تباهی انسان، غفلت است؛ از جمله در آیه‌ای می‌خوانیم:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
 بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها [و عقل‌ها] بی‌داری دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چون امکان هدایت دارند و بهره نمی‌گیرند).

به‌طور کلی می‌توان گفت غفلت‌های متعارف ما از یک چیز، نتیجه

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

توجه ما به چیزی دیگر است؛ یعنی اغلب توجه ما به چیزی منعطف می‌شود و از چیزهای دیگر غافل می‌شویم. وقتی توجه انسان روی یک امر مادی یا معنوی متمرکز شد، به‌طور طبیعی از بسیاری از حقایق عالم غافل خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

غفلت از روح حج نتیجه توجه به امور مادی کم ارزش و بی‌ارزش زودگذر در عرصه حج است. سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی‌ارزش و سرگرمی‌های معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج می‌کند، عمر خود را مصرف می‌کند، از جسم و جان خود مایه می‌گذارد، آن وقت دست خالی برگردد؟! دست خالی برگشتن از حج؛ یعنی توفیق نیافتن به بازسازی اخلاقی، به عبرت‌گیری، به بهره‌مندی معنوی.^۱

غفلت از فرصت‌هایی که حج، برای تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی‌ارزش مادی برای حاجی فراهم می‌کند، هرگز جبران‌پذیر نیست؛ زیرا چنین موقعیتی با این ویژگی‌های خاص در هیچ جای عالم یافت نمی‌شود. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

تنوع فرصت‌ها و آزمایشگاه‌ها به حدی است که هرگاه کسی با توجه و تدبیر از آن عبور کند، بی‌گمان دستاوردی گران‌بها خواهد داشت: به فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکر الله که همچون فضای سرشار از روح و حیات، در همه این مراحل، گسترده شده است. مجموعه این فرصت‌ها می‌تواند

۱. در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۷/۱۱/۲۸.

برای هر فرد، دوره کوتاهی از ریاضت شرعی و تمرین زهد و سلم و حلم و برخی خلقیات پسندیده دیگر نیز باشد.^۱

ب) غفلت از مسئولیت معرفی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران، به دلیل نقشی که در احیای دوباره اسلام و بیداری اسلامی داشته است، نزد ملت‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. نخبگان مسلمان، عرصه حج را بهترین فرصت برای آشنایی مستقیم با افکار امام خمینی علیه السلام و جمهوری اسلامی می‌دانند. از این رو، مسئولیت حجاج ایرانی در معرفی صحیح جمهوری اسلامی، بسیار سنگین و حساس است و رفتار آنها باید معرف خوبی برای جمهوری اسلامی باشد. حجاج ایرانی نباید از این مهم غفلت کنند که بی‌توجهی آنها به مقدسات و ارزش‌های اسلامی، به پای نظام جمهوری اسلامی گذاشته می‌شود. متأسفانه برخی افراد از این مسئله مهم غافلند و به کارهای بی‌ارزش و بی‌اهمیت مادی دست می‌زنند که از جایگاه زائر ایرانی و جمهوری اسلامی می‌کاهد و گاه مهر تأییدی بر تبلیغات سوء دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این رو، رهبری با تأکید بر مسئولیت حجاج ایرانی، غفلت برخی را در این زمینه نکوهش کرده و فرموده است:

مردمی که به حج مشرف می‌شوند، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسلامی، عزت ناشی از برافراشتن پرچم اسلام در ایران اسلامی را، حفظ کنند. مبدا رفتار حاجی ایرانی به گونه‌ای باشد که عزت این نظام و انقلاب و شکوه و عظمتی که به اسلام در این جا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود. بعضی اشخاص ملاحظه نمی‌کنند.

۱. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۱/۲۱.

بعضی اشخاص مسائل شخصی خودشان را، روح مصرفی خودشان را و موارد گوناگونی از این قبیل را بر مصالح یک ملت، بر آبروی یک کشور، بر آبروی اسلام و بر آبروی پرچم برافراشته جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند. این رویه خوب نیست، مصلحت نیست. همه باید ملاحظه و توجه کنند. حجاج عزیز ما در بین خودشان، به افرادی که می‌بینند، ملاحظه مصالح اسلام و انقلاب را نمی‌کنند، تذکر دهند. چنین تذکری مسلماً مصداق نهی از منکر است.^۱

ج) غفلت از عزت و عظمت امت اسلام

خداوند در قرآن کریم، امت اسلامی را به واسطه اسلام و آموزه‌های ارزشمندی که در اختیار دارد، امت برتر معرفی کرده و فرموده است:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(آل عمران: ۱۳۹)

هرگز سست نشوید! و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

دشمن در اجرای نقشه‌های شوم خود علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران، نه به دلیل قدرت خود، بلکه به دلیل غفلت و ناآگاهی برخی از مسلمانان، تا حدودی موفق بوده است. دشمن با به‌کار گرفتن تمامی حيله‌ها، حجبی بی‌اثر و مرده را به‌جای حج عزت‌آفرین رسول الله ﷺ که عامل شکوه اسلام بود، جایگزین کرده و حج را به صورت عامل و وسیله تأمین اهداف شوم خویش در آورده و خطر را به وسیله تبدیل کرده است. با وجود چنین ترفندی، احمقانه است اگر طاغوت‌ها و دشمنان

۱. در دیدار با کارگزاران و مسئولان حج، ۱۳۷۵/۱۲/۱۶.

اسلام، برای براندازی حج، مانع برگزاری مراسم آن شوند؛ زیرا این نقشه نه عملی است و نه برای آنان مفید خواهد بود. آنان با استفاده از عده‌ای جاهل و غافل از نقش حج در عظمت بخشی به امت اسلامی، حج را نابود می‌کنند. مقام معظم رهبری با هشدار به مسلمانان و آسیبی که از این ناحیه به اسلام و مسلمانان وارد می‌شود، می‌فرماید:

هر چه می‌توانید در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید... مثل همه ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشت‌های دانسته یا نادانسته‌ای هستند که دارند این ذخیره را نابود می‌کنند و از بین می‌برند. کسانی که نمی‌گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که دارند این ذخیره را نابود و ضایع می‌کنند. کسانی که نمی‌گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی ... به دنیای اسلام منعکس شود.^۱

د) غفلت از دشمن

اسلام به شعائر دینی، به‌طور عام و به مراسم حج به‌طور ویژه، بسیار اهمیت می‌دهد و بزرگداشت این شعائر را نشانه سلامت نفس، تقوای قلب و فطرت پاک می‌داند، چنان که در قرآن آمده است:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲)

این است [مناسک حج] و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌ها [ی آنها] است.

۱. در دیدار با کارگزاران مراسم حج، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

حج، زنده کننده مکتب اسلام و عامل بقای آن و مانع نفوذ دشمن و موجب آسیب ناپذیری ایمان جامعه در برابر عوامل فرسایشی است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يُزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»^۱؛ «پیوسته دین پا برجاست تا زمانی که کعبه برجاست».

حج، نمایش قدرت شکست ناپذیر جهان اسلام در مقابل دشمنان کینه توز و فتنه آفرین است. برای دشمنان، هیچ امری مطلوب تر از غفلت مسلمانان از اهمیت حج نیست. از این رو، با ترفندهای گوناگون می‌کوشند مسلمانان، به این حقیقت آگاهی پیدا نکنند و گاهی با طرح «تضاد در درون مکتب»، به جنگ اسلام و خنثاسازی آثار شکوهمند حج برمی‌خیزند؛ برای مثال، با استدلال به آیه «لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»، مسلمانان را از طرح نقشه‌های دشمن در حج منع می‌کنند و گفت‌وگو در این زمینه را جدال می‌شمارند و حاجیان را از طرح چنین مباحثی باز می‌دارند. همچنین، برائت از مشرکان سلطه‌گر و متجاوز را با روح حج در تضاد می‌دانند. از این رو، رهبر معظم انقلاب با تأکید بر هوشیاری زائران سرزمین وحی و غفلت نکردن از دشمنی‌های دشمنان می‌فرماید: «با وجود دشمن‌ها و ستیزه‌گری‌های کنونی، غفلت از دشمن و بی‌مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پرخسارت است»^۲. ایشان با استدلال به آیه شریفه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْحَيَّةِ»^۳، تکرار این گونه آیات در قرآن را به منظور بیداری از غفلت نسبت به دشمنان می‌شمارد و می‌فرماید:

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۱.

۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

۳. انعام: ۱۱۲.

در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معنا است که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.^۱

ه) غفلت از یاری خدا

کلید نجات فرد و جامعه این است که امت مسلمان از غفلت‌ها و فراموشی‌ها از قدرت پروردگار و وعده‌های الهی دور شود و به هوش آید. غفلت از خود و قدرت پروردگار و پیروزی‌های الهی، امت اسلامی را به انسان‌های سرخورده و مأیوس تبدیل می‌کند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

اشکال عمده ما این است که از بینات قرآنی گاهی غفلت می‌کنیم. مثلاً وقتی خدای متعال می‌فرماید ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾^۲ با «لام» تأکید، با «نون» تأکید ثقیله، دیگر تردیدی نباید بکنیم که نصرت الهی خواهد بود. اگر جایی نصرت الهی نیست، به این دلیل است که ما مقدماتش را فراهم نکرده‌ایم. اگر مقدمات را فراهم کنیم و پای کار باشیم، نصرت الهی هم خواهد بود.^۳

غفلت جهان اسلام از ظرفیت عظیم امت اسلامی که در حج می‌تواند تبلور پیدا کند و خود را نشان دهد، یکی از عوامل عقب ماندگی علمی و عملی امت اسلامی است. «حقیقت این است که امت اسلامی، دورانی دراز، در غفلت از خویش گذرانیده است».^۴

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

۲. حج: ۴۰.

۳. در دیدار با اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت، ۱۳۷۷/۱/۳۱.

۴. همان.

نتیجه

۱. حج و زیارت خانه خدا، بار یافتن به بارگاه الهی و حضور در میهمانی پروردگار است. درک این حقیقت باید با شروط خاص خود و آداب ظاهری و باطنی صورت گیرد و زائر با آگاهی، معرفت و آمادگی کامل، به وادی نور گام نهد و به گونه‌ای شایسته، از این فیض بیکران برخوردار شود.

با توجه به منابع دینی و مطالعه پیام‌ها و سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیش از سفر حج، به پیش‌نیازهای متعددی نیاز است که آمادگی اخلاقی سفر حج، از مهم‌ترین آنهاست. خالی کردن قلب از تعلقات مادی، بازگشت به سوی پروردگار و توکل بر خدا، بخشی از مقدمات آداب سفر حج شمرده شده است. آمادگی پیش از سفر، مانند آموزش مناسب حج، آشنایی با اسرار و آموزه‌های آن و آگاهی بیشتر به حقایق باطنی حج، از پیش‌نیازهای این سفر است.

۲. از دیگر ابعاد اخلاقی حج، فرصت‌سازی آن برای هر فرد مسلمان به منظور خودسازی و مقابله با شیطان درون و بیرون است. یکی از پیامدهای عظیم حج، مجهز شدن به تقوا بیان شده است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ

خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى. (بقره: ۱۹۷)

از جمله فرصت‌هایی که حج برای مسلمانان فراهم می‌کند، شناخت دشمنان اسلام و توطئه‌های آشکار و پنهانی است که به منظور اسلام‌هراسی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجّر به کار می‌بندند. در فضای حج، مسلمانان با مشکلات جهان اسلام آشنا می‌شوند و راه‌های مبارزه و خنثاسازی توطئه‌های تفرقه افکنان را در استفاده از نیروی متراکم حج می‌شناسند.

۳. حج، عبادتی است که هم بعد فردی دارد و هم بعد اجتماعی. حج، هم اخلاق فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم اخلاق اجتماعی را. در بعد اخلاق فردی، در توصیه‌ها و رهنمودهای رهبری به حج‌گزاران، دو نکته قابل توجه است: نکته اول، خداشناسی و توجه به صاحب‌خانه و دل‌سپاری به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی است که در ذات حج نهفته است و نیز تقویت عبودیت و بندگی پروردگار که مناسک حج از آغاز تا پایان و ترک همه تروک آن، اعلان این حقیقت است.

یاد خدا و ذکر پروردگار، در همه اعمال حج از طواف تا سعی، از عرفات تا منا از خلق تا قربانی و رمی جمرات متبلور است و انسان موحد را به سوی پروردگار رهنمون می‌شود.

حج یک هجرت است؛ هجرت از منیت‌ها و خودخواهی‌هایی که انسان را از خدا دور می‌کند و مقصد این هجرت، خداست که فرمود: ﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ﴾. (ذاریات: ۵۰).

دومین نکته‌ای که رهبر انقلاب در بعد اخلاق فردی حج به آن توجه و تأکید کرده، خودشناسی است. از دیدگاه ایشان حج، باید به یک

ریاضت انتخابی تبدیل شود و انسان‌ها با ریاضت، نفس خود را تربیت کنند. خداوند در یک مدت کوتاه، زمینه این ریاضت را فراهم کرده است، تا انسان به خودیابی برسد و ضعف و تهی دستی خود را در برابر پروردگار دریابد، عزت و اقتدار خود را در پیوند به خدا بیابد، با قرآن در این سرزمین بیشتر مانوس شود و تلاوت آن را به عنوان برنامه‌ای در زندگی خود نهادینه کند.

توجه به انسان کامل، امام عصر علیه السلام و دردانه قیمتی عالم وجود که هرساله در ایام حج حضور دارد، می‌تواند حج‌گزار را به کانون معنویت نزدیک و مرتبط کند.

۴. بعد اجتماعی حج، ویژگی منحصر به فردی دارد که در دیگر عبادت‌ها چنین ویژگی‌ای وجود ندارد. اینکه همه مسلمانان در زمانی معین، در یک نقطه جمع شوند، پدیده عجیبی است که جهان اسلام به آن عادت کرده و با دیدگاه یک فرصت اجتماعی به آن نمی‌نگرد. باید این فرصت را درک کرد. فراهم آوردن زمینه تماس با بدنه دنیای اسلام که نیروی عظیمی را تشکیل می‌دهد، در حج فراهم می‌شود؛ نیروی عظیمی که می‌تواند کوه‌ها را جابه‌جا کند.

حج، ذخیره‌ای الهی برای امت اسلام است که هم آخرت آنها را تأمین و هم دنیای آنها را آباد می‌کند و هم تربیت فردی و هم تربیت اجتماعی و سیاسی در پی دارد. از این رو، باید مورد توجه مسلمانان قرار گیرد و به آن به‌عنوان غنیمتی الهی بنگرند، با استفاده از حج، شعائر الهی را زنده کنند و بزرگ‌ترین فرج را در حج بدانند که می‌تواند همه

مشکلات مسلمانان را به‌وسیله آن حل کرد.

در فضای معنوی حج، در کنار جمع شدن جسم‌ها، باید دل‌ها و آراء به هم نزدیک‌تر شود و این سرزمین و این عبادت بزرگ، مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان شود؛ چیزی که دشمن از آن هراس دارد و با تفرقه‌افکنی می‌کوشد از تحقق آن جلوگیری کند.

۵. پیامدهای زیبای فردی و اجتماعی حج، زمانی محقق می‌شود که آسیب‌های به‌وجود آمده در این عرصه، از بین برود و حج به جایگاه حقیقی خود بازگردد. بی‌توجهی به نقشه‌های دشمنان و تبدیل کردن حج به عبادتی فردی از یک‌سو و پیدا شدن انگیزه‌های مادی و از دست‌دادن فضای معنوی مسجدالحرام و مسجدالنبی و قبور اولیای الهی و سرگرم شدن به کالاهای بی‌ارزش و کم‌ارزش فروشگاه‌ها و از دست‌دادن زمان از دیگرسو، از آسیب‌های جبران‌ناپذیری است که باید برای رفع آن کوشید.

کتابنامه

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
۱. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۲. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۳. اسرار عرفانی حج، محمد تقی فعالی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۵. به سوی خودسازی، محمد تقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۶. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی زبیدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۷. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۸. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی ابن بابویه (صدوق) قم، رضی، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۹. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد بن حسن صاحب جواهر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۰. حج برنامه تکامل، سید محمد ضیاء آبادی، تهران، چاپ سوم، مشعر، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. حج، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. النخال، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. دیوان عطار، مقدمه: بدیع الزمان فروزان‌فر، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. رحمة من الرحمان فی تفسیر و اشارات القرآن، ابن عربی، جمع محمود محمد الغراب، قم، آیت اشراق، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. ریاضت در عرف عرفان، حسن رضانی خراسانی، قم، آیت اشراق، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. شرح اصول کافی (صدرا)، صدرالدین شیرازی، مصحح محمد خواجه‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. شرح جامع تفسیر عرفانی و منظوم قرآن، صفی علیشاه، به اهتمام دکتر

- علیرضا منجمی، تهران، ابا صالح حیان، ۱۳۵۹ش.
۲۰. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ه.ق.
۲۱. صحیفه حج (مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام) تهران، مشعر، ۱۳۸۲ش.
۲۲. صحیفه حج (مجموعه سخنان و پیام‌های مقام معظم رهبری)، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ه.ق.
۲۳. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
۲۴. صهبای صفا، عبدالله جوادی آملی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷ش.
۲۵. طب الائمه علیهم السلام، عبدالله و حسین ابنای بسطام، تصحیح محمد مهدی خراسان، قم، شریف، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۶. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۲۷. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ه.ق.
۲۸. فصوص الحکم، ابن عربی، برگردان محمدعلی موحد، صمد موحد، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۵ش.
۲۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ه.ق.
۳۰. کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تعلیقات بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۷۵ش.
۳۱. کلیات شمس تبریزی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، تصحیح:

- بدیع الزمان فروزان‌فر، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۸۴ش.
۳۲. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
۳۳. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ه.ق.
۳۴. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی، مصحح رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ه.ق.
۳۵. مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ه.ق.
۳۶. مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق علیه‌السلام، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ه.ق.
۳۷. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت، فقه الشیعة، ۱۴۱۱ه.ق.
۳۸. مصیبت‌نامه، فرید الدین عطار نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، ۱۳۸۶ش.
۳۹. معراج السعادة، ملا احمد نراقی، تهران، هجرت، ۱۳۷۱ش.
۴۰. مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب، بیروت، دمشق، دارالقلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ه.ق.
۴۱. المقنعة، محمد بن محمد مفید، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه.ق.
۴۲. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ه.ق.
۴۳. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ش.
۴۴. منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، نگارش علی شیروانی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۸۳ش.
۴۵. منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة، میرزا حبیب الله هاشمی خوئی،

تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ هـ.ق.

۴۶. میقات حج، شماره ۱۰.

۴۷. نگاه‌ی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، انتشارات مدرسه، تهران،

۱۳۸۶ ش.

۴۸. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت،

۱۴۰۹ هـ.ق.